

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

اصول و مبانی ماسک و گریم

پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه

رشته نمایش

گروه تحصیلی هنر

زمینه خدمات

شاخه فنی و حرفه ای

۷۹۲

میهن، مهین

الف ۵۷۸/م

اصول و مبانی ماسک و گریم / مؤلفان: مهین میهن... [و دیگران]. - تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

۸۷ ص. : مصور (رنگی). - (شاخه فنی و حرفه ای)

متون درسی رشته نمایش گروه تحصیلی هنر، زمینه خدمات.

برنامه‌ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا: کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشته نمایش دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش.

۱. گریم. ۲. گریم سه‌بعدی. ۳. ماسک‌ها. الف. میهن، مهین. ب. ایران. وزارت آموزش و پرورش. دفتر

تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه ای و کاردانش. ج. عنوان. د. فروست.



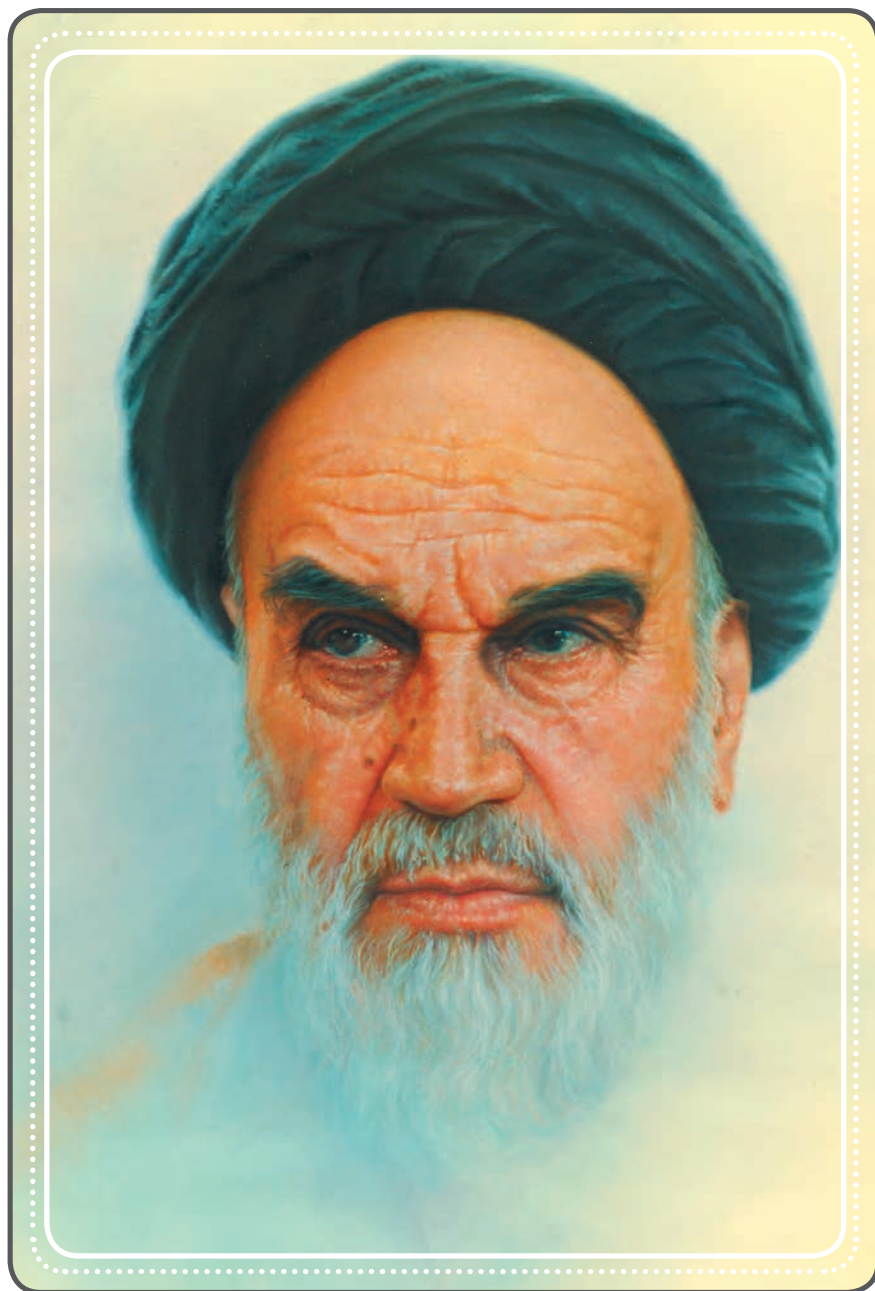


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نام کتاب:	اصول و مبانی ماسک و گریم - ۲۱۲۶۲۵
بدا آورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	مجری: دفتر آموزش و توسعه فعالیت‌های هنری معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قطب‌الدین صادقی، داریوش مؤدبیان، مهدی جوینینه، احمد نوری، ایرج حسنی‌راد و شادی جلیلیان (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	عیسی کشاورز، میترا استادقاسم و محسن سراجی (اعضای شورا)
شناسه افزوده آماده‌سازی:	مهین میهن، فریبا نورشعاع حسینی و کامبیز مؤمن‌خانی (اعضای گروه تألیف)
نشانی سازمان:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
ناشر:	محمد عباسی اطراح گرافیک و صفحه‌آرا - محمدحسن معماری (طراح جلد)
چاپخانه:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
سال انتشار و نوبت چاپ:	وب‌گاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
	چاپ سوم ۱۳۹۹

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت جایی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



اول باید اخلاصتان را قوی بکنید، ایمانتان را قوی بکنید،... و این اخلاص و ایمان، شما را تقویت می‌کند و روحیه شما را بالا می‌برد و نیروی شما جوری می‌شود که هیچ قدرتی نمی‌تواند (با شما) مقابله کند.

امام خمینی «قُدَیس سِرُّه»

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول: مبانی چهره‌پردازی

۱	
۲	۱-۱- تعاریف و کاربردها
۲	۱-۱-۱- چهره‌پردازی و صورتک به عنوان رشته هنری
۳	۱-۱-۲- چهره‌پردازی و صورتک به عنوان عامل فنی
۳	۱-۱-۳- مختصری از تاریخ صورتک و چهره‌پردازی در نمایش
۴	۱-۱-۴- انواع چهره‌پردازی
۶	۱-۲- وظایف طراح صورتک و سازنده آن
۷	۱-۲-۱- مجری سازنده صورتک
۷	۱-۳- وظایف طراح چهره‌پردازی و مجری آن
۸	۱-۴- مواد و ابزار چهره‌پردازی
۸	۱-۴-۱- مواد چهره‌پردازی
۱۰	۱-۴-۲- ابزار چهره‌پردازی
۱۰	آزمون‌های فصل اول

فصل دوم: صورتک در نمایش

۱۱	
۱۲	۲-۱- تاریخچه صورتک در نمایش
۱۲	۲-۱-۱- کشورهای اروپایی
۱۴	۲-۱-۲- ژاپن نمایش «نو»
۱۵	۲-۱-۳- ایران
۱۶	۲-۲- صورتک در نمایش‌های امروز جهان
۱۹	۲-۳- صورتک در سینما و تلویزیون
۲۰	آزمون‌های فصل دوم

فصل سوم: طراحی و قالب‌گیری

۲۱	
۲۲	۳-۱- تعریف صورتک، انواع و کاربرد آن در نمایش
۲۵	۳-۲- قالب‌گیری از صورت بازیگر
۲۵	۳-۲-۱- قالب منفی
۲۵	۳-۲-۲- قالب مثبت
۲۶	آزمون‌های فصل سوم



فصل چهارم : ساخت صورتک

۲۷

۲۸

۲۸

۲۸

۲۸

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۱

۳۱

۳۲

۳۲

۳۳

۳۴

۳۴

۳۴

۳۵

۳۵

۳۵

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۰

۴۰

۴۲

۴۲

۴۲

۴۳

۴۳

۴۳

۴۳

۴۶

۴-۱- ساختن صورتک

۴-۱-۱- ساختن صورتک از مقوا

۴-۱-۲- ساختن صورتک پارچه‌ای از تنظیف

۴-۱-۳- ساختن صورتک از تکه‌های کاغذ

۴-۱-۴- ساختن صورتک با خمیر مقوا

۴-۱-۵- صورتک پارچه‌ای با نوار زخم‌بندی

۴-۱-۶- ساختن صورتک با نوار گچ شکسته‌بندی

۴-۱-۷- روش ساخت صورتک از جنس چرم

۴-۱-۸- ساختن حجم بر روی صورتک

۴-۱-۹- نکات مهم در ساختن صورتک‌ها

۴-۱-۱۰- گذاشتن صورتک بر چهره

۴-۲- رنگ‌آمیزی صورتک

۴-۲-۱- روان‌شناسی رنگ‌ها

۴-۳- چهره‌پردازی اکسپرسیو

۴-۳-۱- نمایش کودکان

۴-۳-۲- دلفک‌ها

۴-۳-۳- میم - پانتومیم

۴-۳-۴- نمادهای عینی و ذهنی

۴-۳-۵- آشنایی با تاریخچه و انواع سبک‌های نمایش و چهره‌پردازی تلفیقی در شرق

۴-۳-۵-۱- نمایش هند

۴-۳-۵-۲- نمایش چین

۴-۳-۵-۳- نمایش ژاپن

آزمون‌های فصل چهارم

فصل پنجم : آناتومی صورت و شناخت چهره

۵-۱- آناتومی صورت

۵-۱-۱- استخوان‌بندی سر

۵-۱-۲- عضله‌های سر و صورت

۵-۱-۳- غضروف‌ها

۵-۱-۴- پوست

۵-۲- شناخت شکل چهره، خطوط و حجم‌های صورت

۵-۲-۱- سایه و روشن‌زدن و ساختن حجم بر چهره

۵-۲-۲- فن چهره‌پردازی

۵-۲-۳- طریقه فن‌زدن به چهره‌بازیگر

۵-۳- قیافه‌شناسی

آزمون‌های فصل پنجم



فصل ششم: چهره‌پردازی

۶-۱- تاریخچه چهره‌پردازی در نمایش

۶-۲- چهره‌پردازی و شخصیت‌پردازی در نمایش

۶-۲-۱- شخصیت‌نمایشی

۶-۲-۱-۱- لاغر کردن

۶-۲-۱-۲- چاق

۶-۲-۱-۳- منفی

۶-۲-۱-۴- مثبت

۶-۲-۱-۵- معتاد

۶-۲-۱-۶- بیمار

۶-۲-۱-۷- روش پیر کردن تا ۵۰ سالگی

۶-۲-۲- نژادهای مختلف

۶-۲-۲-۱- سفیدپوست (اروپایی)

۶-۲-۲-۲- سیاه‌پوست

۶-۲-۲-۳- زردپوست

۶-۲-۲-۴- سرخ‌پوست

۶-۲-۳- نمایش کلاسیک

۶-۲-۴- نمایش رومانتیک

۶-۲-۵- نمایش واقعیت‌گرا یا رئالیسم

۶-۲-۶- نمایش طبیعت‌گرا یا ناتورالیسم

۶-۲-۷- نمایش نمادگرا یا سمبولیسم

۶-۲-۸- نمایش بیان‌گرا یا اکسپرسیونیسم

۶-۲-۹- نمایش فراواقعیت‌گرا یا سورئالیسم

۶-۲-۱۰- نمایش گروتسک

۶-۲-۱۱- نمایش پوچی

۶-۳- چهره‌پردازی در سینما و تلویزیون

۶-۳-۱- مختصری از چهره‌پردازی برای سینما

۶-۳-۲- چهره‌پردازی برای تلویزیون

۶-۳-۳- شبیه‌سازی

آزمون‌های فصل ششم

فصل هفتم: طراحی، متعادل و نامتعادل‌سازی

۷-۱- طراحی چهره‌پردازی روی کاغذ

۷-۲- آماده‌سازی چهره‌بازیگر

۷-۳- متعادل‌سازی و نامتعادل‌سازی چهره‌بازیگر

۷-۴- متعادل و نامتعادل‌سازی بر کل بدن

آزمون‌های فصل هفتم



فصل هشتم : چهره‌پردازی با پودرهای رنگی، رنگ‌های روغنی و شناخت لاک‌ها

۶۱
۶۲
۶۳
۶۳
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶

- ۸-۱- شناخت شخصیت نمایش
 - ۸-۲- چهره‌پردازی با پودرهای رنگی
 - ۸-۲-۱- لوازم مورد نیاز
 - ۸-۲-۲- روش انجام کار
 - ۸-۳- چهره‌پردازی با رنگ روغن و شناخت لاک‌ها
 - ۸-۴- تمیز کردن چهره‌بازیگر
- آزمون‌های فصل هشتم

فصل نهم : آرایش موی سر، ریش و سبیل

۶۷
۶۸
۷۶
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۷۹
۸۰
۸۰

- ۹-۱- تاریخچه آرایش مو، ریش و سبیل
 - ۹-۲- مواد و ابزار بافت کلاه‌گیس، ریش و سبیل
 - ۹-۳- بافت کلاه‌گیس، ریش و سبیل
 - ۹-۳-۱- بافتن مو به روی تور
 - ۹-۳-۲- بافت کلاه‌گیس
 - ۹-۴- چسباندن ریش و سبیل و نگهداری از آن
 - ۹-۴-۱- ریش و سبیل و کِرِپه
 - ۹-۵- تمیز کردن کلاه‌گیس
- آزمون‌های فصل نهم

فصل دهم : تمهیدهای ویژه چهره‌پردازی

۸۱
۸۲
۸۲
۸۲
۸۲
۸۲
۸۲
۸۳
۸۳
۸۳
۸۳
۸۴
۸۶

- ۱۰-۱- مواد و ابزار ایجاد ورم‌ها، بریدگی‌ها و زخم‌ها
 - ۱۰-۲- انواع زخم و بریدگی
 - ۱۰-۲-۱- روش کار با مایع لاتیکس
 - ۱۰-۲-۲- تیوپلاست
 - ۱۰-۲-۳- او.اس.بی
 - ۱۰-۲-۴- پودر ژلاتین و پنبه
 - ۱۰-۲-۵- خمیر پلاستو
 - ۱۰-۲-۶- لاتکس و پنبه
 - ۱۰-۲-۷- جای انگشت بریده
 - ۱۰-۲-۸- کبودی (چشم‌مشت خورده)
 - ۱۰-۳- بیماری‌های پوستی و تاول‌ها
- آزمون‌های فصل دهم

منابع

۸۷



مقدمه

کتابی که در دست دارید، شامل ده فصل است که در جهت آموزش اصول و مبانی ماسک و گریم در نظر گرفته شده است. در هر فصل، مطالب در نهایت سادگی برای هنرجوی نوجوان شرح داده شده و سعی بر این بوده است که برای این گروه سنی، قابل فهم، و تمرین‌ها قابل اجرا باشد. چهره‌پردازی‌ها، در تصاویر، بر روی دو چهره دختر و پسر اجرا شده است.

امید است هنرجویان علاقه‌مند، با مطالعه این کتاب و گذراندن بخش‌های نظری و عملی، با مبانی اولیه این رشته هنری – فنی آشنا شوند.



فصل اول

مبانی چهره پردازی

اهداف: در پایان این فصل از هنر جو انتظار می‌رود که:

- ۱- فن چهره‌پردازی در تئاتر را تعریف کند.
- ۲- مبانی هنری و فنی چهره‌پردازی را بیان کند.
- ۳- صورتک و آرایش چهره را به عنوان دو شاخه از هنر چهره‌پردازی توضیح دهد.
- ۴- ریشه لغوی واژه صورتک (ماسک) را بیان کند.
- ۵- انواع چهره‌پردازی در نمایش را شرح دهد.
- ۶- ریشه لغوی واژه چهره‌پردازی (گرم) و مشتقات آن را توضیح دهد.
- ۷- کار طراح صورتک را بیان کند.
- ۸- کار سازنده صورتک را توضیح دهد.
- ۹- کار طراح چهره‌پردازی را توضیح دهد.
- ۱۰- کار مجری چهره‌پردازی را شرح دهد.
- ۱۱- مواد و ابزار چهره‌پردازی را نام ببرد.





۱-۱- تعاریف و کاربردها

الف) واژه گریم^۱: از ریشه لاتین گریمو^۲ گرفته شده است. و «گریمو» در زبان لاتین به معنی چین و چروک و خطوط چهره است. در زبان فرانسه، گریم به معنای نقش پیرمردی با چهره پرچین و چروک مضحک است.

ب) گریمر^۳: گریم کردن. به وجود آوردن چین و چروک مصنوعی بر چهره

ج) گریمور^۴: مجری گریم را گویند.

د) گریماژ^۵: عمل گریم را گویند.

هـ) گریماس^۶: ایجاد تضاد مابین عضلات چهره، که منجر به حالات مختلف در چهره می‌شود مانند: شادی، غم، خشم و غیره....

امروزه واژه‌های فوق در زبان فارسی به صورت ذیل استفاده می‌گردد:

گریم = چهره‌پردازی

گریمور = چهره‌پرداز

گریماژ = عمل چهره‌پردازی

ماسک^۷: به معنای چهره مصنوعی از چوب، چرم، که چهره و قسمتی از سر بازیگر را می‌پوشاند. در زبان فرانسه به آن ماسک^۸ گفته می‌شود.

در دایرةالمعارف بریتانیکا^۹ در توضیح ماسک چنین آمده است: ماسک به پوشش‌های چهره با شکل‌های متنوع را گویند که به عنوان پرده محافظت کننده و یا به عنوان تغییر قیافه به کار می‌رود.

در فرهنگ معین، در زیر واژه ماسک آمده: آنچه که چهره خود را بدان بپوشانند. همین طور، صورت عجیب و غریبی که برای تغییر شکل یا مخفی کردن قیافه حقیقی به چهره می‌زنند و در جشن‌ها بدن صورت خود را ظاهر سازند (نقاب).

در لغت‌نامه دهخدا آمده است: صورتک، مصغر صورت، صورت‌های خرد، تصویرهای کوچک و ترکیب‌های آن، ماسک‌زدن، نقاب زدن و در توضیح به مجاز، خلاف آنچه که هست خود را نشان دادن. ماسک برداشتن، نقاب از چهره برداشتن به مجاز، خود یا دیگری را چنانچه هست نشان دادن.

در این کتاب، با توضیح موارد فوق، به جای واژه ماسک از «صورتک»، و به جای گریم از «چهره‌پردازی» استفاده خواهیم کرد.

۱-۱-۱- چهره‌پردازی و صورتک به عنوان رشته هنری: چهره‌پردازی و صورتک دو پدیده هنری هستند که جزو هنرهای

زیبا محسوب می‌شوند. هر دو یک رشته را تداعی می‌کند و بر چهره بازیگر در نقش آفرینی، یک عمل را انجام می‌دهد و آن، پوشاندن چهره و هویت اصلی بازیگر و تقویت و برجسته نمودن شخصیت نمایشی اوست.

چهره‌پرداز با رنگ، چهره بازیگر را می‌پوشاند و صورتک، پوششی از جنس پارچه، مقوا، چرم و غیره است. این رشته بر مبنای نقاشی، طراحی، هنرهای تجسمی، قیافه‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و زیبایی‌شناسی استوار است. زمانی که بازیگر با صورتی

۱- Grime

۲- Grimo

۳- Grimer

۴- Grimeur

۵- Grimage

۶- Grimace

۷- Mask

۸- masque

۹- Britanica Encyclopedia



چهره‌پردازی شده نقش‌آفرینی می‌کند بر میمیک و حالات چهره تأکید کرده و چنانچه بازیگر، نقش را با صورتک ارائه دهد، چهره با نقشی ثابت منعکس شده و تأکید او بیشتر بر حرکات بدن است.

۲-۱-۱- چهره‌پردازی و صورتک به عنوان عامل فنی: نمایش پس از آماده شدن برای اجرای صحنه‌ای توسط عوامل

فنی به روی صحنه می‌رود. این عوامل فنی عبارتند از: دکور، لباس، چهره‌پردازی، صورتک، نور، صدا و غیره.

در این میان، چهره‌پردازی به دلایل ذیل، عامل فنی نامیده می‌شود:

(الف) کارگاه دارد.

(ب) کار اجرا بر مبنای طرح از پیش آماده شده انجام می‌شود.

(ج) برای طراحی ویژگی‌های شخصیت‌های نمایش از رایانه سود می‌جوید.

(د) کار اجرا به واسطه نیروی بدنی مجری انجام می‌گیرد.

(ه) از ابزار مخصوص کار چهره‌پردازی از جمله قلم‌مو و کاردک استفاده می‌شود.

(و) لوازم چهره‌پردازی مورد نیاز در کارگاه ساخته می‌شود. از جمله انواع پوسته سر و اعضای بدن (با مواد پلاستیک) و کلاه‌گیس،

ریش و سبیل (با مو).

(ز) پیش از ساخت و اجرا، بر روی صورت بازیگر قالب‌گیری انجام می‌شود.

صورتک‌سازی نیز به دلایل ذیل، یک عامل فنی محسوب می‌شود:

(الف) کارگاه دارد.

(ب) بر مبنای طرح از پیش آماده اجرا می‌شود.

(ج) طراحی صورتک با رایانه انجام می‌شود.

(د) ساخت صورتک به واسطه نیروی بدنی سازنده صورت می‌گیرد.

(ه) برای ساخت انواع صورتک از تکنیک‌های متفاوتی استفاده می‌شود.

(و) بر اساس قابلیت موادی همچون گچ، چوب، سیم، مفتول، سیم‌های توری، پوشش‌های پارچه‌ای، چرمی، پشمی و غیره و در

ساخت انواع صورتک آن‌ها را به کار می‌برد.

(ز) از انواع مواد پلاستیک، چسب، لاک، روغن‌های جلادهنده و رنگ‌های گواش، اسپری و آبرنگ استفاده می‌برد.

(ح) از ابزارهای حکاکی و دیگر هنرهای تجسمی سود می‌برد.

(ط) در موارد مورد نیاز، بر پوشش صورتک از دوزندگی استفاده می‌کند.

اما مسئولین عوامل فنی، به همان اندازه در گروه هنرمندان تئاترند که نمایشنامه‌نویس، کارگردان و بازیگران. اجرای تئاتر یک اثر

هنری دسته‌جمعی است که تمام مساعی و نقش‌های آن در یک تجربه کلی، در برابر تماشاگر در هم می‌آمیزد.

۳-۱-۱- مختصری از تاریخ صورتک و چهره‌پردازی در نمایش: پیشینه استفاده از صورتک و چهره‌پردازی را

می‌توان در مراسم و مناسک انسان اولیه که بر مبنای ترس‌ها، امیدها، لذاذ و پیروزی‌ها اجرا می‌شد جستجو کرد. همچنین در مراسم

آیینی و مذهبی که از ارتباط بین انسان و قوای ماورالطبیعه حاصل می‌شد قابل جستجو است. این مراسم همراه با رقص، حرکات موزون،



موسیقی، پانتومیم^۱ در محلی خاص در جمع مردم اجرا می‌شد. صورتک وسیله‌ای برای بیان شادی و سرور و رنج و غم بود که شخص آن را بر چهره زده و یا بر دست حمل می‌کرد. چهره‌پردازی با ساده‌ترین مواد مانند گل سرخ، خاکستر، عصاره گیاهان، رنگ‌های معدنی و غیره بر روی چهره اجرا می‌شد.

می‌توان گفت، نمایش، تماشاگر و هویت بازیگر ریشه در همین مراسم آیینی و مذهبی دارد. در یونان باستان و پس از آن، روم باستان، که شخصیت‌های نمایش را اغلب خدایان، اساطیر و افسانه‌ها تشکیل می‌دادند، بازیگر با یک صورتک مشخص از قبل نقاشی شده ساده و همراهی حرکات موزون و صدای رسا به اجرای نقش می‌پرداخت. صورتک، گاه قسمتی و یا در مواردی تمام بدن را پوشش می‌داد. سپس سرگذشت قهرمانان، پادشاهان و زندگی انسان‌ها مورد توجه قرار گرفت که در ساختار نمایش تراژدی (نمایش با پایان غم‌انگیز) و نمایش کمدی (نمایش با پایان خوش) نگاشته شد.

دو صورتک معروف خنده و گریه که امروزه به‌عنوان نماد تئاتر و نمایش در جهان شناخته می‌شود بر مبنای دو نوع بنیادین نمایش در یونان باستان، چنین کاربرد و اهمیتی یافته است.

نمایش که یکی از هنرها محسوب می‌شود حد و مرز و زمان و مکان نمی‌شناسد؛ زیرا یک پیام است؛ پیام انسانی به انسان دیگر. این پیام می‌تواند رنج، غم و شادی و به‌طور کلی مسائل یک فرد یا جامعه را مطرح نماید. این پیام می‌تواند در قبیله‌ای دور افتاده در آفریقا یا در تماشاخانه‌ای کوچک یا بزرگ، و یا در میدان شهری توسط یک دانشجوی نمایش به تماشاگران القاء شود. پیام نمایش می‌تواند برای یک جامعه سازنده و یا مخرب باشد. به‌طور معمول، پیام نمایش برای یک جامعه در حد فرهنگ، سنت و موقعیت آن جامعه در نظر گرفته می‌شود. چنانچه غیر از این باشد نمایش در ارسال پیام خود ناموفق خواهد بود. در طی زمان، با گسترش جامعه و رشد فرهنگ و با توجه به ریشه‌های مشترک بین جوامع، همچون موسیقی، حرکات موزون، شعر و نمایش، نمایش‌گفتاری به نمایش‌های بدون گفتار چون باله^۲، سیرک^۳ و نمایش صحنه‌ای به سبک‌های مختلف بسط یافته است. بعدها با پیشرفت تکنولوژی، رسانه‌های مختلفی چون سینما و تلویزیون پدید آمد و با گسترش هنرهای نمایشی در طی دوران، صورتک و چهره‌پردازی با همکاری و همیاری رسانه‌های جدید به رشد و تکامل دست یافت.

۴-۱-۱- انواع چهره‌پردازی: چهره‌پردازی دو نوع است:

الف) چهره‌پردازی برای نمایش: تئاتر، باله، اپرا و سیرک

ب) چهره‌پردازی برای دوربین: سینما، تلویزیون و عکاسی

الف) در نمایش، چهره بازیگر با دو هدف چهره‌پردازی می‌شود: هدف اول: با توجه به اینکه در صحنه نمایش به علت تابش نور پروژکتور، چهره بازیگر، رنگ پریده و مسطح به نظر می‌آید و حفره چشم و ابروان جلوه‌ای تیره می‌یابد. اجرای گریم به رفع این عیوب منجر می‌شود.

چهره‌پرداز با فن^۴ به چهره بازیگر رنگ طبیعی می‌بخشد؛ با سایه و روشن بر چهره حجم می‌سازد و میان چشم و ابروان فاصله ایجاد می‌کند تا حالات چهره بازیگر با بیانگری بیشتری به تماشاگر القا شود.

هدف دوم: شخصیت‌پردازی بر چهره بازیگر است که بر اساس مواردی خاص انجام می‌پذیرد. چهره‌پرداز، تنها به چهره بازیگر نمی‌پردازد



بلکه بر سر تاپای بازیگر کارهای متفاوت انجام می‌دهد: بر سر انواع طاسی بوجود می‌آورد. بردست و پاهای او انواع زخم، سوختگی، تیر خوردگی، بیماری (برای مثال، جذام) و غیره را اجرا می‌کند. و بر انگستان، آرنج و زانوان او آثار قطع شدگی را ایجاد می‌کند (برای مثال در نمایش‌های جنگی).

باله: باله یا بالت نمایشی است که داستان با رقص و موسیقی به تماشگر ارائه می‌شود. این هنر در کشور ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی بوجود آمد؛ به عنوان یک شکل هنری، نخست در کشور فرانسه و سپس در همه اروپا رواج پیدا کرد. این نوع نمایش اغلب در سالن‌های بسیار بزرگ اجرا می‌شود بنابراین برای تأثیر مناسب، چهره‌پردازی غلیظ و اغراق شده مورد نیاز است. به این سبب از صورتک و چهره‌پردازی‌های رنگی و براق استفاده می‌شود.

اپرا: نمایشی است از ترکیب موسیقی و کلام که بازیگر - خوانندگان آن، داستان را با آوازی خاص اجرا می‌کنند. این نوع نمایش در قرن هفدهم میلادی در کشور ایتالیا پدید آمد و دارای انواع گوناگون است: نمایش‌های مذهبی، اخلاقی، تاریخی، فکاهی و غیره. اپرا همانند باله در سالن‌های بزرگ اجرا می‌شود و به همین دلیل، بر روی چهره بازیگران آن، چهره‌پردازی غلیظ انجام می‌شود. امروزه از چهره‌پردازی شبیه صورتک (چهره‌پردازی تلفیقی) بسیار استفاده می‌شود. صورتک‌های کوچک و بزرگ رنگی و براق نیز در این نوع نمایش به کار گرفته می‌شود.

سیرک: در این نوع نمایش، بندبازان، شعبده‌بازان، دلقک‌ها و بازیگران پانتومیم حضور دارند. بخشی از نمایش نیز توسط حیوانات تربیت شده اجرا می‌شود. ریشه و اصل این نوع نمایش را می‌توان در یونان و روم باستان و چین مشاهده نمود. دلقک‌ها اغلب برگرفته از شخصیت‌های کم‌دلا رته^۱ قرن شانزدهم میلادی هستند. برای چهره‌پردازی دلقک‌ها از شیوه‌های اغراق شده و رنگ‌آمیزی غلیظ استفاده می‌شود. بازیگر پانتومیم چهره‌های سفید دارد و دیگران چهره‌های متنوع رنگی و گاه صورتک‌های کوچک و براق.

(ب) چهره‌پردازی برای سینما و تلویزیون نیز با دو هدف انجام می‌شود:

هدف اول: در برابر دوربین، چهره بی‌رنگ و غیرطبیعی جلوه می‌کند؛ منافذ پوست، مانند جوش، کک و مک و غیره تشدید می‌شود. چربی پوست ایجاد انعکاس می‌کند، رنگ دندان‌ها و چشم‌ها، درخشان‌تر از رنگ پوست جلوه می‌کند و همچنین سایه‌ها و نامتعادلی‌های چهره شدت می‌یابد. چهره‌پرداز نخست به برطرف کردن عیوبی که بر اثر عوامل متعدد در مقابل دوربین بر چهره ایجاد شده است می‌پردازد.

هدف دوم: شخصیت بخشیدن به چهره بازیگر است که بر اساس مواردی خاص صورت می‌گیرد. امروزه می‌توان به ویژگی‌های مهم چهره‌پردازی دوربین، به مواردی نظیر حجم‌سازی (حجم‌های پیری، جوانی و چاقی)، ساختن عضوی از بدن بازیگر (سر و چهره، دست و پا)، چهره‌های عجیب و غریب تخیلی، ساخت آدمک‌های تخیلی متحرک جهت انجام جلوه‌های ویژه بر روی آن، با استفاده از فناوری رایانه‌ای نیز اشاره نمود.

چهره‌پردازی برای عکاسی: به‌طور قطع کمتر چهره‌ای را می‌توان یافت که از تعادل کامل برخوردار بوده و عیوب مشخصی در آن مشاهده نشود. زمانی که فردی برای گرفتن عکس چهره نزد عکاس می‌رود، پس از عکاسی، بر روی عکس او عمل رتوش^۲ انجام می‌گیرد. اما در فرآیند چهره‌پردازی برای عکاسی، نخست عمل رتوش به‌طور صحیح و با ابزار ویژه بر روی چهره خود فرد اعمال شده،



سپس عکس گرفته می‌شود. این نوع چهره پردازی را می‌توان رتوش قبل از عکس برداری نامید. امروزه هنر چهره پردازی عکاسی، رشته‌ای بسیار پیشرفته با شاخه‌های جدید است که به عکاسی برای تبلیغات، مد و غیره گسترش یافته است.

۱-۲- وظایف طراح صورتک و سازنده آن

طراح صورتک به شخصی اطلاق می‌شود که به رشته‌های نقاشی، طراحی و هنرهای تجسمی آشنا بوده، در زمینه قیافه‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی سر رشته داشته باشد و از تاریخ صورتک در نمایش ایران، شرق و غرب، تاریخ آرایش چهره، مو، ریش و سبیل، کالبد چهره و سر انسان، حیوانات و پرندگان، و همچنین از انواع تکنیک‌های صورتک آگاهی داشته باشد و مدتی دستیاری طراح صورتک را در اجراهای مختلف تجربه کرده باشد.

برای طراح صورتک این مراحل انجام می‌پذیرد:

- ۱- به منظور آگاهی کامل از محتوای نمایشنامه یا فیلمنامه و سبک آن، به دقت نمایشنامه و یا فیلمنامه را مطالعه می‌کند.
 - ۲- در تمرین‌های نمایش و جلسات کارگردانی شرکت می‌کند و پس از آگاهی از تحلیل و خواسته‌های کارگردان، در اولین قدم برای طراحی، ویژگی‌های چهره و سر بازیگران را بررسی می‌نماید.
- طراح بر اساس نوع صورتک، چنانچه چهره بازیگر نیاز به قالب‌گیری داشته باشد از صورت او قالب می‌گیرد. او به کارگردان پیشنهاد می‌دهد که از اولین روزهای تمرین، چهره بازیگرانی را که قرار است نقش را با صورتک ارائه دهند، با پارچه، مقوا یا روزنامه بپوشاند تا بازیگر میمیک چهره را به کار نگیرد چون چهره او برای ارائه نقش پوشیده است و باید تنها حرکات بدن را بر حسب نقش صورتک به بازی بگیرد. طراح با در نظر گرفتن نوع صورتک، آگاهی از رنگ صحنه، لباس، نور، بزرگی و کوچکی سالن یا فضای بیرونی (برای نمایش‌های خیابانی و میدانی) و خواسته‌های کارگردان، اقدام به طراحی صورتک می‌کند.

چهره و سر به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) چهره و سر کوچک

ب) چهره و سر متوسط

ج) چهره و سر بزرگ

یک طراح حرفه‌ای، این مدل‌های از پیش آماده از جنس چوب را در کارگاه خود دارد. گاهی اوقات، ساخت صورتک‌ها بر مبنای اندازه‌های فوق، بر روی مدل آماده انجام می‌پذیرد.

صورتک بر سه نوع است:

۱- صورتک کامل چهره و سر

۲- صورتک کامل چهره

۳- صورتک نیمه

برای طراحی و ساخت صورتک، نکات ذیل در نظر گرفته می‌شود:



الف) بازیگر با صورتک احساس راحتی کند.

ب) دید کافی داشته باشد.

ج) بتواند راحت گفتگو کند و فریاد نزند.

د) پوشش داخل صورتک سبب عرق کردن چهره نشود.

۱-۲-۱- مجری سازنده صورتک : چنانچه خود طراح، ساخت صورتک را به عهده بگیرد، از وظایف خود در مورد ساخت

اطلاع دارد. اما اگر سازنده صورتک شخص دیگری باشد این موارد در نظر گرفته می شود :

الف) مجری زیر نظر طراح، ساخت صورتک را انجام می دهد.

ب) در راستای اجرای طرح، دقت، ظرافت و نظافت رعایت می شود.

ج) از ابزار به شکل صحیح استفاده می نماید. مانند برش با کاتر و غیره.

د) در استفاده از موادی که قابلیت احتراق دارند، مانند لاک، تینر و چسب، احتیاط می کند.

ه) در ساخت صورتک از اعمال سلیقه شخصی می پرهیزد و به طراح و احترام می گذارد.

و) مجری در طی اجرای نمایش در اتاق چهره پردازی حضور یافته و چنانچه ایرادی مانند پاره شدن کش، ایراد در دسته، پاک شدن

قسمتی از رنگ و غیره مشاهده شد، آن را ترمیم می کند.

ز) طراح پس از آماده کردن صورتک، آن را چند جلسه به روی چهره بازیگر امتحان می کند. پس از برطرف کردن عیوب و افزودن

رنگ و تزئینات، آن را در اختیار بازیگر قرار داده تا با آن تمرین کند.

۱-۳- وظایف طراح چهره پردازی و مجری آن

طراح چهره پردازی به شخصی اطلاق می شود که دوره های چهره پردازی را گذرانده و با رشته های نقاشی، طراحی و پیکره سازی آشنا

بوده و از روان شناسی، قیافه شناسی، جامعه شناسی و زیبایی شناسی آگاهی داشته باشد. در زمینه تاریخ چهره پردازی، کلاه گیس، ریش و سبیل،

و سبک و نوع نمایش مطالعه داشته و به عنوان مجری و دستیار طراح چهره پرداز، مدتی فعالیت کرده و کسب تجربه نموده باشد.

برای طراحی چهره پردازی یک نمایش یا فیلم، مراحل ذیل انجام می گیرد :

الف) به منظور آگاهی از محتوای نمایشنامه و یا فیلمنامه سبک آن، نمایشنامه یا فیلمنامه با دقت مطالعه می شود.

ب) حضور در تمرین ها برای آشنایی بیشتر به نحوه اجرای نمایش یا فیلم و چگونگی چهره های بازیگران از نظر شکل چهره، رنگ

پوست و مو، حالات میمیک، خطوط چهره و غیره.

ج) پس از شناخت سبک نمایش و فیلمنامه پژوهش در ریشه های نژاد شخصیت ها (اروپایی، آسیایی، آفریقایی و...).

د) توجه به مکان و فضایی که نمایش یا فیلمنامه در آن روی می دهد، مانند فضای یک اتاق، مزرعه، عبادتگاه، قصر و غیره.

ه) توجه به موقعیت اجتماعی متفاوت افراد با یکدیگر، به طور مثال : چهره یک کارگر یا کشاورز با یک سیاستمدار تفاوت دارد.

و) توجه به سن شخصیت های نمایش.

ز) آگاهی از رنگ دکور، لباس، نور و بزرگی و کوچکی سالن نمایش و موقعیت فیلمبرداری (لوکیشن)

ح) توجه به تحلیل و خواسته های کارگردان



طراح چهره‌پردازی، طرح اولیه را بر روی کاغذ با مداد رنگی یا آبرنگ و یا رنگ‌های گواش انجام می‌دهد. معمولاً سه شب برای تمرین نهایی نمایش با دکور، لباس و چهره‌پردازی، نور و صدا در نظر گرفته می‌شود. در طی این مدت، طراح، طرح‌های خود را بر چهره بازیگر اجرا می‌کند. زمانی که ایرادها رفع شد، از چهره بازیگران با چهره‌پردازی کامل عکس گرفته می‌شود و مجری چهره‌پرداز در طول شب‌های اجرا و مدت فیلمبرداری بر مبنای تصاویر، طرح را بر چهره بازیگران انجام می‌دهد. امروزه برای طراحی چهره‌پردازی از رایانه استفاده می‌شود.

یکی از موارد بسیار مهم در چهره‌پردازی برای نمایش این است که فاصله بازیگر و تماشاگر در نظر گرفته شود. در اجرای نمایش در سالن بزرگ، بدیهی است که فاصله تماشاگر با بازیگر زیاد است، به همین دلیل چهره‌پردازی غلیظ انجام می‌گیرد؛ به این شکل که سایه، تیره‌تر و روشن‌تر، روشن‌تر از معمول به کار می‌رود. در یک سالن کوچک، فاصله تماشاگر با بازیگر کمتر است و به همین سبب، چهره‌پردازی رقیق‌تر انجام گرفته، سایه و روشن با تضاد کمتری اجرا می‌شود. در فیلمبرداری نیز باید مسائلی چون فضای داخل و یا خارج و غیره توجه نمود.

یکی دیگر از وظایف مهم مجری چهره‌پردازی، رعایت بهداشت لوازم چهره‌پردازی است. برای کار بر روی چهره هر یک از بازیگران باید اسفنج فن و قلم‌موها را شسته و با مواد ضدعفونی کننده، آن‌ها را تمیز کند. برای خود و بازیگر از روپوش مخصوص استفاده نماید. به علت نزدیکی با بازیگر باید همیشه خوش‌بو باشد و دست‌ها و ناخن‌های تمیز داشته باشد. با بازیگران رفتار محترمانه داشته باشد و با ادب و متانت رفتار نماید. با ظرافت بر چهره کار کند. زیاد صحبت نکند و در صحبت دیگران دخالت نکند. اتاق چهره‌پردازی محل تمرکز است لذا او و بازیگر برای رسیدن به تمرکز، به سکوت نیاز دارند. مجری چهره‌پردازی مسئول تأمین سکوت اتاق است. مجری باید طرح طراح چهره‌پرداز را با دقت به روی چهره پیاده نموده و از اعمال نظر شخصی بپرهیزد.

۴-۱- مواد و ابزار چهره‌پردازی

امروزه کارخانه‌های لوازم و ابزار چهره‌پردازی برای نمایش، سینما و تلویزیون روز به روز بر تنوع تولیدات خود افزوده و سعی در ارائه لوازمی جدید (با کاربری‌های جدید و) با کیفیت برتر دارند.

برای اجرای چهره‌پردازی، مواد و ابزار ذیل مورد نیاز است:

۴-۱-۱ مواد چهره‌پردازی:

(الف) فن چرب پن استیک^۱، فن خشک^۲ و فن مایع^۳

(ب) جعبه رنگ (رنگ و روغن چهره، ۱۲ رنگ)

(ج) جعبه رنگ (رنگ و روغن فن، ۱۲ رنگ)

(د) پودر بی‌رنگ

(ه) مداد گریم (۱۲ رنگ)

(و) فن خشک چشم، به رنگ‌های قهوه‌ای، دودی و سیاه



تصویر ۱-۱

ز) رنگ گونه خشک و چرب، به رنگ‌های نارنجی، صورتی و قرمز
ح) رنگ لب، به رنگ‌های نارنجی کم‌رنگ، صورتی، قهوه‌ای روشن متمایل

به قرمز

ط) موی طبیعی برای درست کردن ریش و سبیل

ی) چسب چهره‌پردازی یا چسب الکلی

ک) مایع سفیدکننده مو

ل) اسپری ثابت‌کننده آرایش چهره

م) اسپری ثابت‌کننده مو، ریش و سبیل (تصویر ۱-۱)

ن) فوم^۱: ماده‌ای است که برای ساختن قطعات نهایی اندام‌های مصنوعی به کار می‌رود؛ به صورت مایع است و هر کارخانه‌ای در تولید و ارائه آن فرمول مخصوص خود را دارد. عمده کارخانه‌های تولیدکننده آن عبارتند از شرکت جورج بو^۲، یونی رویال شیمی‌کال^۳ و کربلون^۴ که از بین این شرکت‌ها، جورج بو نرم‌ترین نوع فوم را می‌سازد. اکثر طراحان چهره‌پردازی از این مدل برای چهره استفاده می‌کنند.

س) خمیر پلاستو^۵: برای ساختن حجم‌هایی مانند بینی، چانه، پوشاندن ابروان و ایجاد زخم‌ها استفاده می‌شود.

ع) صابون مایع: برای نگهداری و حفاظت قلم‌موها، قبل از استفاده از مایع لاتکس به کار می‌رود.

ص) شیر پاک‌کن: برای پاک کردن فن، رنگ و چربی روی صورت استفاده می‌شود.

ض) آستون

ق) شامپو

را) صابون

ش) لاتکس^۶: لاتکس طبیعی شیره درخت هودا است که در مناطقی که آب و هوای مرطوب دارند می‌روید. این مایع از تیغ زدن به بدنه این درخت جمع‌آوری می‌شود. لاتکس، مایعی سفیدرنگ، غلیظ و چسبنده است که پس از جمع‌آوری، در کارخانه تصفیه می‌شود تا ناخالصی‌ها از آن جدا شود. سپس به آن ۵٪ تا ۱٪ آمونیاک می‌افزایند تا محیط آن قلیایی شده و پایدار گردد. این مایع در کارخانه‌های ساخت مواد چهره‌پردازی و آرایشی با فرمول‌های خاص هر کارخانه، آماده و ارائه می‌شود. لاتکس به میزان قابل ملاحظه‌ای در چهره‌پردازی استفاده می‌شود. برای پیرکردن چهره بازیگر، حجم‌سازی، ساخت پوسته سر و صورتک از لاتکس استفاده می‌شود. لاتکس از نظر غلظت به انواع مختلف تقسیم می‌شود:

۱- لاتکس مایع: به صورت مایع رقیق و چسبنده است که برای پیرکردن چهره و دیگر اعضا به کار می‌رود و انواع زخم‌ها با آن ساخته می‌شود.

۲- لاتکس کفی^۷: به صورت مایع است و معمولاً با مواد شیمیایی دیگر مخلوط می‌شود و در کار تکه‌سازی چهره مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع تکه سازی، ظریف‌تر از تکه‌سازی با مایع لاتکس است.

۳- لاتکس غلیظ: برای ساختن صورتک، آدمک، عروسک، چهره‌های عجیب و غریب تخیلی به کار می‌رود؛ و نیز برای ساخت قسمتی از بدن بازیگر در جهت انجام جلوه‌های ویژه بر روی آن.



حلال لاتکس تا قبل از خشک شدن، آب است. این مایع در مقابل جریان هوا به سرعت سفت شده و به صورت پوسته شفاف پلاستیکی با حالتی ارتجاعی درمی‌آید.
(ت) مایع او. اس. پی: در چهره‌پردازی تلویزیون و سینما برای پیر کردن استفاده می‌شود.

(ث) مایع گلاتزان^۱: برای ساختن پوسته سر، تاول و زخم استفاده می‌شود.
(خ) اکریلیک هازل^۲: به رنگ سفید شیری است که با آب رقیق شده و با رنگ‌های دیگر ترکیب می‌شود. برای ترمیم نقاطی از قطعات فوم و همچنین مرمت لبه‌های نازک قطعات در حجم‌سازی استفاده می‌شود.

۲-۴-۱ ابزار چهره‌پردازی:

(الف) قلم‌مو (از شماره ۱ تا ۱۲)

(ب) کاردک

(ج) اسفنج

(د) بُرس کوچک ابرو

(ه) شانه کوچک ابرو

(و) قیچی نوک تیز ظریف

(ز) برس مویی سر (به شکل استوانه) و برس سیمی پهن

(ح) سشوار دستی

(ط) گوش پاک‌کن

(ی) پنبه

(ک) حوله

(ل) دستمال کاغذی

(م) روپوش

(ن) کارگاه ترسب‌بافی

(س) کارگاه ریش و سبیل‌بافی

(ع) سوزن‌های بافت ریش و سبیل (تصویر ۱-۲)



تصویر ۱-۲

آزمون‌های فصل اول

- ۱- واژه گریم به چه معناست؟
- ۲- معنی واژه گریم‌اژ چیست؟
- ۳- معنی واژه گریماس چیست؟
- ۴- واژه فارسی معادل با گریم چیست؟
- ۵- واژه ماسک به چه معناست؟
- ۶- در دایرةالمعارف بریتانیکا، چه تعریفی برای ماسک آمده است؟
- ۷- عوامل فنی نمایش را نام ببرید.
- ۸- اهداف چهره‌پردازی برای تلویزیون، سینما و عکاسی را بنویسید.
- ۹- انواع چهره‌پردازی را نام ببرید.
- ۱۰- مراحل طراحی صورتک برای یک نمایش را بنویسید.
- ۱۱- طراح چهره‌پردازی به چه کسی اطلاق می‌شود؟
- ۱۲- لوازم و مواد چهره‌پردازی را نام ببرید.
- ۱۳- لاتکس طبیعی چگونه به دست می‌آید؟
- ۱۴- لاتکس کفی چیست؟
- ۱۵- مایع او. اس. پی در چهره‌پردازی چه کاربردی دارد؟



صورتک در نمایش

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- خاستگاه هنر صورتک را بیان کند.
- ۲- تاریخچه به کارگیری صورتک در نمایش را بنویسد.
- ۳- کاربرد صورتک در نمایش‌های آیینی و سنتی را شرح دهد.
- ۴- مواد و ابزار طراحی و ساخت صورتک را نام ببرد.
- ۵- سبک‌های مختلف نمایشی که متکی بر صورتک است را توضیح دهد.
- ۶- کارگردان‌های مطرحی که در اجرای نمایش‌هایشان، استفاده ویژه‌ای از صورتک می‌برند را معرفی کند.
- ۷- کاربرد صورتک در سینما و تلویزیون را به صورت مختصر توضیح دهد.
- ۸- تفاوت کاربرد صورتک در نمایش، سینما و تلویزیون را بیان کند.





۱-۲- تاریخچه صورتک در نمایش

۱-۱-۲- کشورهای اروپایی: ریشه و اصل تئاتر یونان باستان را می‌توان در مراسمی که در ستایش «دیونیزوس»^۱ خدای شادی، تحرک و باروری برگزار می‌شد یافت. این مراسم، به همراه موسیقی، آواز، رقص، لباس‌های رنگی، صورتک‌های گوناگون با نقش بز، شیطان و غیره اجرا می‌شد. جشن در ماه مارس برگزار می‌شد و شش روز به طول می‌انجامید. در این مدت تمام مردم آتن به شادی و پایکوبی می‌پرداختند. مقام روحانی که نقش دیونیزوس را به عهده داشت بر چهره، صورتک می‌نهاد. از شش قرن قبل از میلاد، صورتک در تئاتر یونان باستان جایگاه والایی داشته است. «تسپیس»^۲ را پایه‌گذار نمایش تراژدی و مبتکر صورتک و چهره‌پردازی می‌شناسند. در ابتدا او صورتک‌های ساده‌ای را با سفیدآب می‌آراست که بعدها در این کار ظرافت بیشتری به کار برد و از رنگ گیاهی برای نقاشی بر صورتک استفاده کرد، سپس صورتک‌های کثانی را ساخت که بر روی آن با رسوبات انگور خط‌هایی رسم می‌کرد. بعد از تسپیس «فرینوخوس»^۳ صورتک‌های مختلفی برای زنان و مردان ساخت. در این دوره، بازیگران همه مرد بودند و نمایش در فضای بزرگ اجرا می‌شد که فاصله تماشاگران از بازیگران بسیار دور بود. در نقش‌های زنانه، صورتک‌های کثانی سفید و در نقش‌های مردانه صورتک تیره‌تری به کار می‌رفت.

«اشیل»^۴ درام‌نویس، مبتکر صورتک‌های الوان است. او اولین هنرمندی است که صورتک را رنگ‌آمیزی کرد. بازیگران در این دوره، می‌بایست سخنگویی و آواز خوانی را به گونه‌ای مطلوب فرا می‌گرفتند. در حرکات چهره و بدن از تبحر فراوانی برخوردار می‌بودند. کلمات، میمیک و حرکات گوناگون بازیگران که هر یک در سه یا چهار نقش بازی می‌کردند را با ترکیب صورتک منطبق می‌ساختند. رنگ موهای صورتک اهمیت خاصی داشت. درجات پیری با موهای سفید، خاکستری و یا جوگندمی نشان داده می‌شد. صورتک مردان پیر ریش داشت و صورتک پسران جوان بدون ریش بود. افراد بدبخت و دردمند با موهای تیره، افراد سعادتمند و شادمان با موهای بور، شخصیت‌های مکار با موی سرخ‌رنگ، افراد بخیل و حسود با موهای کوتاه و شخصیت‌های قوی و سالم با موهای پر و مجعد شناخته می‌شدند. پادشاهان دارای موی بلند بودند که مانند یال به پائین آویخته بود و نیمتاجی از موی سر بر روی پیشانی‌شان. مردان تندرست، صورتک‌های قهوه‌ای داشتند.

صورتک‌های سفید یا رنگ پریده دلیل ضعف و بیماری بود. صورتک سرخ تیره را پیام‌آوران به چهره داشتند، تا برافروخته و هیجان زده به نظر آیند. شکل پیشانی با دقت ترسیم می‌شد: پیشانی پهن و کشیده به معنی تیرگی فکر و اندیشه و پیشانی صاف، شادی و سرور و سادگی را می‌رساند. پیشانی پیرمردان، پرچین و چروک، و پیشانی بلند دلالت بر شخصیتی جدی و محکم داشت. ترکیب بینی در صورتک شخصیت‌های مختلف، متفاوت بود. شخصیت اصیل تراژدی دارای بینی اصیل یونانی بود. بینی‌هایی که انحنای تندی داشت، نشانه شخصیت حيله‌گر و بینی‌ای که از دو طرف بیرون زده بود، شقاوت و گستاخی را نشان می‌داد.

شخصیت‌های نمایش کمدی باستان شامل خدایان، قهرمانان و مردان سیاست بود که به شکل طنز، هجو و عناصر رکیک با صورتک‌های مضحک و مسخره اجرا می‌شد. بازیگران مرد، و تماشاگران نیز مرد بودند. صورتک‌های ترکیبی از بینی پهن، دهان بزرگ و سبیل اغراق شده بود. در این نوع کمدی، همسرایان^۵ با صورتک‌های رنگارنگی با نقش حیوانات، پرندگان و حشرات به صورت گروهی وارد صحنه شده و صحنه‌ای جادویی همراه با رقص و آواز به تصویر می‌کشیدند. در نمایش‌های کمدی نو که بر پایه زندگی مردم عادی یونان بود، بیش از ۹ گونه صورتک برای پیرمردان (بنا به سن و سال، تحرک و زنده‌دلی)، ۱۱ نوع صورتک برای جوانان شامل جوان ظریف، جوان سیه‌چرده و با وقار، ۱۷ نوع صورتک زنانه از هر قشر: پیرزن ترشرو، عصبانی، زن شوهردار خوش‌برخورد با موهای مجعد،

۱- Dionysos

۲- Thspis

۳- Phrynichus

۴- Eschyle

۵- Chorus



زن حيله گر مكار، زن بَردهٔ ظريف با موهاى کوتاه با خطوط و حالات صورت واقع گرايانه و گاهى اغراق شده استفاده مى شد. در نمايش هاى ساتير^۱ (نوعى كمدى هجو در باب خدايان و اساطير) صورتكها همراه با ريش بود و همسرايان با ريش هاى لوله اى و گوش هاى شبیه شاخ بودند. در روم باستان، صورتكهاى نمايش متأثر از صورتكهاى يونان باستان بود. معروفترين كمدى اين دوره، كمدى در شهر آتلانا^۲ است كه در جنوب ايتاليا اجرا مى شد. نمايش همراه با لودگى، طنز، هجو، آواز و رقص بود. حالات صورتكها بسيار غلو شده مانند كاريكاتور بود (تصوير ۱-۲).



تصوير ۱-۲

در قرون وسطى، نمايش هاى مذهبى متداول بود. نمايش در كليسا اجرا مى شد. بازيگران مرد بودند و طلاب و كشيستان به نقش آفرينى مى پرداختند. داستانها بر مبنای زندگى حضرت مسيح و قديسان بود. نمايش، نخست در كليسا و سپس در فضاي آزاد اجرا مى شد كه به شكل درامهاى مذهبى يا نيمه مذهبى در قالب بديهه سرايى، رقص، پاتوميم، آوازهاى مذهبى يا گفتگو بود. اين نمايشها شباهت به تعزیه داشت. شيطان با صورتكى مخوف با خطوط غير طبيعى، گوش هاى دراز، ريش سه گوش و گاه صورتكى با دهان گشاد خنده آور، بينى پهن، چشمانى گرد و شرور ظاهر مى شد و علامتى مضحك روى شكم داشت. مالكين دوزخ با صورتكى همراه با لباس سراسرى به شكل تخيلى نيمه انسان و نيمه حيوان ظاهر مى شدند. در ظاهر فرشتگان از چهره پردازى استفاده مى شد و آرد به چهره آنها مى ماليدند. در كمدى هاى مضحك غير مذهبى در کشور فرانسه كه صورتكهاى با شكل حيوانات از جمله ميمون، خرس، الاغ و غيره با لباس هاى بسيار زنده رنگى و نيز صورتكهاى با حالت و خطوط مسخره به كار مى رفت.

در دورهٔ رنسانس^۳ نمايشى به نام كمديا دلآرته در اوایل قرن شانزدهم ميلادى در شهر پادوا^۴ در شمال ايتاليا به وسيله گروه هاى حرفه اى اجرا مى شد كه سرشار از لودگى^۵، بديهه سرايى و لهجه سازى بود. شخصيتها به دو دسته تقسيم مى شدند: شخصيت هاى طبيعى و شخصيت هاى اغراق شده كه براى گفتگوهاى آزاد عاميانه، صورتك بر چهره مى زدند. شكل صورتك نيمه بود و تنها پيشانى و گونه هاى بازيگران را مى پوشانيد. صورتكها در اوایل به رنگ طبيعى بود ولى به مرور به رنگ تيره در آمد و هريك، حالت و خطوط خاص خود را دارا بود، مانند صورتك با دهانى فراخ و چشمانى به شكل گربه كه نشانگر شخصيت «آرلكن»^۶ بود. او شخصيتى جذاب و زير و زرنگ بود. شخصيت «پانتالونه»^۷، ارباب پير، با ابروان و چشم هاى فرو افتاده، همراه با بينى قوزدار و ريش سه گوش شناخته مى شد. شخصيت «دكتر»^۸ با صورتكى داراى پيشانى بلند با بينى بزرگ. شخصيت «پلى شى نل»^۹ خادم پير موزى با صورتكى با بينى عقابى بزرگ و با چشمانى گرد و خال هاى متعدد كوچك و بزرگ. صورتك شخصيت «زاني»^{۱۰}، موجودى بدطينت، داراى پيشانى برجسته با خطوط

۱_ Satyre ۲_ Atellana ۳_ Renaissance ۴_ Padova ۵_ Farce ۶_ Arlequin ۷_ Pantalone
۸_ Doctor ۹_ Polechinelle ۱۰_ Zani



غیر انسانی و چشمانی ریز بود. شخصیت «کاپیتان» با صورتکی با بینی بزرگ تهدیدآمیز شناخته می‌شد، و صورتکی با بینی پهن و چشمانی ریز، نشانگر شخصیت خادم بدجنس، «بری‌گلا»^۱ بود (تصویر ۲-۲).

از قرن هفدهم میلادی اجرای نمایش به تدریج از فضای بیرونی به فضای درونی کشیده شد و بازیگران برای نقش‌آفرینی و نشان دادن چهره با مواد ساده به چهره‌پردازی پرداختند. صورتک‌ها نیز به شکل‌های مختلف در جشن‌های بالماسکه^۲ به قصرها راه یافت و کارناوال‌ها^۳ رونق گرفت. تنها نمایشی که همچنان بر صحنه تئاترها مشاهده می‌شود و بازیگران با صورتک به اجرا می‌پردازند، همان کم‌دیا دلآرته است (تصویر ۲-۳).

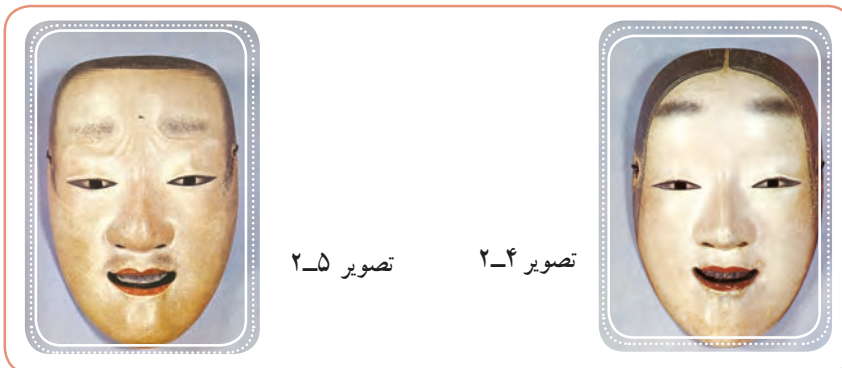


تصویر ۲-۳



تصویر ۲-۲

۲-۱-۲- ژاپن نمایش «نو»^۴: ریشه و اصل تئاتر نو در نیمه دوم قرن چهاردهم میلادی است. محتوای نمایشنامه‌های آن بر اساس جنبه‌های عرفانی و ماورا الطبیعیه افسانه‌هاست و سرشار از تخیل و سحر و جادوست. اجرای نمایش نو با رقص و آواز همراه است. بازیگران، دو مرد هستند که شخصیت‌های مختلف را با صورتک اجرا می‌کنند. صورتک‌ها از چوب ساخته می‌شود که سازنده طی مراسمی مذهبی آنها را می‌سازد. در این نوع نمایش هشتاد صورتک وجود دارد که شامل خدایان، شیاطین، جنگجویان، ارواح و غیره می‌باشد. صورتک زن کوئوموته^۵ با مهارتی خاص ساخته می‌شود. صورتکی از چوب رنگ شده با برجستگی ابهام‌انگیز با نگاهی تهی و خالی از هر گونه حالت و بیان. این صورتک بر چهره بازیگر ماهر، حیاتی فوق تصور می‌یابد. بطوری که با یک نورپردازی متفاوت خطوط آن تغییر می‌کند؛ از تبسم به گریه و از شادی به اندوه می‌رسد. این صورتک را چنان استادانه ساخته و عضوهای صورتک را چنان با رنگ اندوده‌اند که قسمت‌های وسط، روشنتر و جاندارتر دیده می‌شود و با هر حرکتی، چهره با حالت جدیدی تغییر می‌کند. با برجستگی‌های ساده‌ای که در گوشه‌های لب دارد با هر حرکت، شخصیت‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد (تصاویر ۲-۴ و ۲-۵).

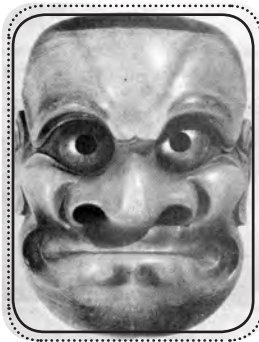


تصویر ۲-۵

تصویر ۲-۴



نمایش «کیوگن»^۱ برعکس نمایش نو (که سنگین و جدی و سرشار از اعتقادات مذهبی، جنبه‌های اشرافی و احساس حزن و اندوه است و تأکید فراوان بر آواز و رقص دارد)، سبک، شاد و همراه با گفت‌وگو است و بر جنبه‌های خنده‌آور و عامیانه تأکید دارد. صورتک‌ها محدود به صورتک زن، مرد و حیوان است. صورتک‌ها بر عکس نمایش نو دارای لطافت، وقار و برجستگی نیستند، بلکه چهره‌هایی متورمانده همراه با پیشانی کوچک و حجم‌های اغراق‌آمیز و خنده‌آور (تصاویر ۲-۶ و ۲-۷).



تصویر ۲-۷



تصویر ۲-۶

۳-۱-۲- ایران: از جمله نمایش کهن و شادی‌آفرین ایرانی می‌توان به «کوسه برنشین» اشاره نمود که از دوره ساسانیان و یا حتی پیش از آن تا ورود اسلام به ایران، رواج داشته است. در این نمایش، کوسه پیام‌آور نوروز، بهار و زندگی دوباره بود. امروزه کوسه‌گردی با نامی متفاوت در بعضی از شهرها (بخصوص نواحی غرب ایران)، چهل روز مانده به عید نوروز اجرا می‌شود. کوسه، تنها یا با زن خود یا با چند کوسه دیگر از پوشش‌های ساده، صورتک‌هایی از جنس پشم و پوست بز و نمد، برای پوشاندن چهره خود استفاده می‌کنند. اجرای این مراسم همراه با رقص، آواز، طنز و هجو است. دهل، نقاره، دایره و طبل، این نمایش را در هنگام اجرا همراهی می‌کند. از ویژگی‌های بنیادین این نوع نمایش، محل اجرای آن است که غالباً در حیاط خانه‌ها انجام می‌شده است. در خاتمه گروه نمایش، با گرفتن هدایا و دعا کردن برای اهالی خانه (که این خود بخشی از نمایش است) خداحافظی نموده و به خانه دیگری می‌روند.

نمایش سنتی روحوضی یا تخته‌حوضی نیز نمایشی شاد است که در گذشته‌های دور در مراسم عروسی و جشن‌ها اجرا می‌شد. برای اجرای نمایش روی حوض حیاط منازل تخته‌ای می‌گذاشتند، بر روی تخته‌ها فرش پهن می‌کردند و بازیگران بر روی آن به ایفای نقش می‌پرداختند. نمایش بر مبنای مسائل زندگی مردم به شکل بدیهه‌سرایی با زبان عامیانه و لهجه‌های محلی اجرا می‌شد. در نمایش تخته‌حوضی که امروزه نیز در بعضی جاها اجرا می‌شود بازیگران همه مرد هستند. بازیگر اصلی نمایش، سیاه است که برگرفته از شخصیت‌های نوروزخوانی و میرنوروزی است. او چهره خود را با دوده چوب پنبه سیاه می‌کشد. در دوران قاجار، تمام بازیگران غیر از سیاه صورتک به چهره می‌زدند. صورتک‌ها با کاغذ، سریش و پارچه ساخته و سپس رنگ‌آمیزی می‌شد. شخصیت زن، صورتکی به رنگ روشن و گونه‌ها و لب قرمز به صورت می‌زد و شخصیت‌های منفی از صورتک‌های خالدار استفاده می‌کردند. نمایش سنتی دیگری که از گذشته در ایران اجرا می‌شده تعزیه است. تعزیه نمایشی مذهبی است که از رویدادهای فاجعه تاریخی کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش به دست سپاهیان یزید، خلیفه اموی الهام گرفته شده است. شبیه‌خوانان همگی مرد هستند که ایفای نقش زنان را نیز به عهده دارند. چهره اولیا با پارچه سبز پوشیده می‌شود و زن‌پوش‌ها رو بنده سیاه بر چهره دارند. در بعضی اجراهای تعزیه، از صورتک نیز استفاده می‌شود. برای مثال جهت نشان دادن دیو و چهره شیرهای حضرت علی (ع). صورتک‌ها از خمیر کاغذ و سریش ساخته و با پشم و شاخ حیوانات تزیین و نقاشی می‌شد. در تعزیه «بلقیس و سلیمان» صورتک‌هایی از حیوانات مانند میمون و غیره استفاده می‌شود و در تعزیه

۱- Kyogan



تصویر ۲-۸



تصویر ۲-۹



تصویر ۲-۱۰

«امام رضا (ع)»، صورتک پیرزن، آهو و شیر و نیز در تعزیه «شهادت امام حسین (ع)» صورتک شیر به کار می‌رود. در تعزیه‌های شاد (که گونه‌ای متأخرتر از نمایش تعزیه است) صورتک‌های دیو، جنیان و غیره مشاهده می‌شود (تصویر ۲-۸).

۲-۲ صورتک در نمایش‌های امروز جهان

در قرن بیستم و بعد از جنگ اول و دوم جهانی، تحولی در هنر نمایش بوجود آمد. قواعد و قراردادهای تئاتر گذشته شکسته شده و شیوه جدیدی از نمایشنامه، کارگردانی، بازیگری و عوامل فنی بوجود آمد. در این دوره، صورتک مورد توجه کارگردانان مطرح قرار گرفت. از جمله «برتولت برشت»^۱ آلمانی، در اجرای نمایش «دایره گچی قفقازی» برای بازیگران از صورتک استفاده نمود. پنجاه بازیگر، به وسیله صورتک، صد و پنجاه شخصیت نمایشی را بر روی صحنه اجرا کردند. در این نمایش، علاوه بر اینکه استفاده از صورتک، بخشی از شیوه اجرا بود، ریتم تسریع شده اجرای نمایش نیز منوط به آن بود (تصویر ۲-۹).

در کشور ایتالیا، تئاتر «پیکولو»^۲ توسط جمعی از هنرمندان بوجود آمد که معروفترین آنها کارگردانی به نام «استه لر»^۳ بود (تصویر ۲-۱۰). او اغلب نمایش‌های برگرفته از کم‌دیالوگ را بر صحنه آورد و برای این کار از صورتک‌های چرمی استفاده کرد. با اجرای نمایشنامه‌ای از «کارلو گلدونی»^۴ برگرفته از کم‌دیالوگ به نام «آرلو کینو، خدمتکار دو ارباب» با حضور بازیگر معروف «مارچلو مورتی»^۵ در نقش آرلو کینو، به اغلب کشورهای اروپایی سفر کرد و این نمایش را به اجرا درآورد (تصویر ۲-۱۱).

«ژان لویی بارو»^۶ی فرانسوی، در اجرای نمایش «ارستیا»^۷ از صورتک‌های نیمه چرمی استفاده کرد (تصویر ۲-۱۲).

تا این دوره، ساخت عروسک‌ها توسط «آملوتو سارتوری»^۸ در ایتالیا طراحی و ساخته می‌شد؛ پس از او پسرش «رونالدو»^۹ هنر او را دنبال کرد. مدرسه‌ای که او برای آموزش هنرجویان طراحی و ساخت صورتک تأسیس کرده بود، همچنان در روستایی نزدیک شهر پادوا فعال است. آملوتو سارتوری مدرسه را از این جهت در روستا بنا نهاد که عقیده داشت در آنجا چهره‌های جالب مشاهده می‌شود. او برای طراحی صورتک از چهره روستاییان بهره می‌گرفت. در کشور فرانسه «آربان

۱- Bertolt brecht

۲- Pico- teatro

۳- Sterhler

۴- Carlo Goldoni

۵- Marcello Moretti

۶- Jean Louis barraut

۷- Orestie

۸- Ameloto sartori

۹- Ronaldo



تصویر ۱۱-۲



تصویر ۱۲-۲



تصویر ۱۳-۲

منوشکین^۱ با گروهی از هنرمندان، «تئاتر خورشید» را در سال ۱۹۶۴ بنیاد نهاد. او نمایش‌هایی را با این گروه در کشورهای مختلف اجرا کرد. در نمایش «عصر طلایی» در سال ۱۹۷۵ تمام بازیگران با صورتک‌های نیمه به اجرای نقش پرداختند. شخصیت اصلی نمایش، کارگری بود به نام عبدالله که نمایش بر اساس زندگی او نوشته شده بود (تصویر ۱۳-۲).

او نمایش‌های «ریچارد دوم»^۲، «شب پادشاهان»، «هانری چهارم»^۳ را با عناصر نمایش ژاپنی، هندی، عربی و ایرانی اجرا کرد. لباس‌ها و صورتک‌های چوبی ژاپنی در نمایش ریچارد دوم، و طراحی لباس، وسایل و چهره‌پردازی در نمایش شب پادشاهان، تماشاگر را به یاد مینیاتورهای ایرانی و چینی می‌انداخت. آریان منوشکین در پاسخ به این پرسش که چرا «صورتک» نقش بنیادی در کارهايتان دارد، می‌گوید: «دلیلش وجود خود تئاتر است، زیرا در صورتک، نقش دگرگونی وجود دارد. زیرا آن «شیئی» است همچون چهره انسان و اگر بازیگر خودش را تحت اختیار آن بگذارد، او را با خود می‌برد. زیرا صورتک قدرت آن را دارد که به دور و دورترها عزیزت کند؛ به سوی کشف و ظهور معانی خودش. صورتک واقعی‌تر از طبیعت است، زیرا علامتی خواهد شد برای اندام بازیگر...»

آئین‌ها، سنت و تکنیک‌های نمایش آسیایی همواره برای هنرمندان جهان بویژه اروپاییان، منابع اعجاب‌انگیزی بوده است. از جمله هنرمندان «یوجینو باربا»^۴ از کشور ایتالیا. او طی سفری به کشور هند مجذوب نمایش «کاتاکالی»^۵ هند شد. باربا از کاتاکالی نه برای ردیف کردن تصاویر مجرد بر صحنه، بلکه برای پرورش و آماده سازی بازیگرانی مجهز و توانا در اعمال جسمانی و روانی، مسلط بر نفس، تخیل، نیروی پذیرش و هماهنگی در تئاتر بهره برد. در سال ۱۹۶۴ تئاتر «اودین»^۶ را تأسیس کرد. در سال ۱۹۸۲ با اجراهای پژوهشی - نمایشی تحت عنوان «آناباسیس»^۷ به بسیاری از کشورهای جهان سفر کرد و در آنجا به اجرای نمایش خیابانی پرداخت. گروه بازیگران وی همراه پرچم، صورتک، شیپور و طبل، ناگهان در میدانی ظاهر شده، فی‌البداهه با همراهی تماشاگران نمایش را اجرا می‌کردند. فضایی پرشور را می‌آفریدند. در آن میان دو پیکر غول‌آسا با صورتک مرگ (بازیگرانی سوار بر پاهای چوبی بسیار بلند) نمایش را باحرارت و هیجانی بی‌نظیر پیش می‌بردند. در پایان، همه بازیگران روی پارچه‌ای پهن و سیاه جمع شده، رفته رفته هیاهوی آنها فروکش می‌کرد.

۱- Ariane mnookhine ۲- Richard2 ۳- Hanrie4 ۴- Eugenio barba
۵- Kathakli ۶- Odine ۷- Annabssis



امروزه در کشور سوئیس «ورنر استروب»^۱ طراح و سازنده صورتک‌های نمایش، به پیروی از صورتک‌های سارتوری با ابتکار و طراحی نوین، ظریف‌کاری بر صورت، استفاده از گل‌های خشک شده یا مصنوعی، پارچه‌های رنگی، کار بر پوست و غیره شهرت جهانی کسب کرده است. او می‌گوید: «زمانی که به صورتک می‌اندیشم، به شکل ظاهری، فرم و حالت آن توجه می‌کنم. در صورتک‌های اولیه من، فرم بر همه ارکان برتری داشت، اما امروزه لوازم ساخت به اندازه فرم اهمیت دارد. هرگز به صورتک‌های «شخصیت» که با فرم بینی و چانه تعریف می‌شود، نپرداخته‌ام؛ چون در منظر من، شخصیت یک نقش بستگی به خلق و خوی خاص او، بیکره اجتماعی، محیط، رفتار، سلوک، خواست‌ها و نحوه ظهورش در اجتماع دارد. امیال، آرزوها و آزمون‌های زندگی یک نقش می‌تواند بر صورتک چهره (به وسیله لوازم ساده و کامل و ساختی لطیف و با دقت) نقش بندد. وقت شروع کار شب‌های متوالی بیدار می‌مانم و به بازیگری که صورتک بر چهره‌اش می‌نشیند می‌اندیشم؛ در عین حال ذهن خود را متوجه ابزاری می‌کنم که بازیگر باید آنها را حمل کند. تمرکز بر این موضوعات باعث می‌شود در زمان ساخت صورتک احساس تنهایی نکنم. این حالتی شگفت‌انگیز است. من برای ساخت صورتک نظر بازیگر را جویا نمی‌شوم، با این حال صورتک با او ساخته می‌شود. از طریق چهره او صورتک روی قالب طراحی می‌شود و شکل حقیقی‌اش را با تغییراتی کوتاه به دست می‌آورد. طی ایام تمرین شخصیت صورتک توسط بازیگر و کارگردان مورد ارزیابی نهایی قرار می‌گیرد».

استروب در سال ۱۹۸۰ طراحی و ساخت صورتک‌های نمایش «ادیپ»^۲ را انجام داد. اثر مربوطه توسط «بنوبسن»^۳ کارگردانی شد و در جشنواره «سپولتو»^۴ ایتالیا به روی صحنه رفت (تصاویر ۲-۱۴ الی ۲-۱۷).



تصویر ۲-۱۷



تصویر ۲-۱۶



تصویر ۲-۱۵



تصویر ۲-۱۴

در سال ۱۹۸۲ استروب در همکاری دیگری با بنوبسن، طراحی و ساخت صورتک‌های نمایش «برنده سبز» را به پایان رساند (تصویر ۲-۱۸). استروب در همکاری سوم خود با بنوبسن، ساخت صورتک‌های نمایش «هاملت»^۵ را به عهده گرفت. امروزه صورتک‌ها همچنان جایگاه خود را در تئاتر حفظ کرده‌اند. آنها بر قراردادهای مرسوم تئاتر از جمله میمیک تأثیر گذاشته و از ضرورت حضور آن کاسته‌اند. در ایران، کارگردانان گاه از صورتک برای ارائه سمبول‌های عینی و ذهنی و گهگاه برای نشان دادن کارناوال در نمایش بهره می‌گیرند. صورتک‌های ظریف کوچک با نقش حیوانات و پرندگان، مسیر تئاتر کودک، نمایش‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی را پیش می‌گیرد.

۱- Werner strob

۲- Odipe

۳- Benobesen

۴- Spolto

۵- Hamlet



۲-۳- صورتک در سینما و تلویزیون

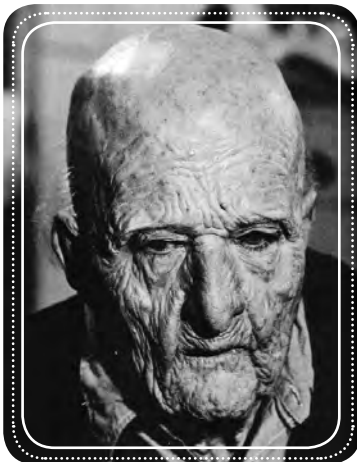
از بخش‌های مهم چهره‌پردازی در سینما و تلویزیون، حجم‌سازی و ساخت صورتک (و آدمک جهت جلوه‌های ویژه بر آن) است. معنای حجم در چهره‌پردازی برای دوربین، بعدسازی، برجسته‌نشان دادن عضو یا ناحیه‌ای از چهره است. این مهم با انواع مواد پلاستیکی صورت می‌گیرد. حجم‌های نمایشگر پیری، جوانی، شبیه‌سازی، غیر متعارف‌سازی، چهره‌های تخیلی، فضایی، حجم‌های نمایانگر شکل حیوانات یا پرندگان از انواع صورتک‌ها محسوب می‌شوند. حجم‌ها بر مبنای چهره‌بازیگر طی مراحل ساخت می‌شود. سپس به صورت پوسته‌ای سبک از جنس پلاستیک ظریف درآمده و بر صورت بازیگر نصب می‌گردد. این پوسته همان صورتک است. معمولاً برای طبیعی‌تر جلوه دادن صورتک، آن را به شکل چند تکه‌ای کار می‌کنند (تصویر ۱۹-۲).



تصویر ۱۸-۲



تصویر ۱۹-۲



تصویر ۲۰-۲



تصویر ۲۱-۲

معمولاً برای ساختن صورتک شخصیت‌های مختلف، ابتدا از چهره‌بازیگر قالب منفی گرفته می‌شود. سپس از قالب منفی، قالبی مثبت تهیه می‌گردد. با خمیر مجسمه‌سازی، روی شخصیت مورد نظر (قالب مثبت)، کار صورت می‌گیرد. اندکی بعد، از نتیجه به دست آمده قالبی منفی گرفته می‌شود. از قالب منفی مربوطه با استفاده از «لاتکس کفی» قالب مثبت به صورت پوسته نازک انعطاف‌پذیر مهیا می‌گردد. پس از آماده شدن کار، پوسته‌ها با دقت بر صورت بازیگر نصب می‌گردد. درزها با دقت گرفته شده و سپس با ظرافت روی آن، چهره‌پردازی انجام می‌گیرد. در انتها شاهد خلق شخصیت جدیدی هستیم. در (تصاویر ۱۹-۲ و ۲۰-۲ و ۲۱-۲) بخشی از چهره‌پردازی فیلم بزرگ مرد کوچک^۱ (که توسط «دیک اسمیت» بر روی صورت «داستین هافمن» جهت خلق چهره پیرمرد ۱۲۰ ساله صورت گرفته) دیده می‌شود.

یکی از مباحث مهم در این نوع چهره‌پردازی، ساخت عروسک و آدمک برای فیلم و سریال تلویزیونی، شخصیت‌های تخیلی و فضایی داستان و فیلمنامه است.

ساخت عروسک و آدمک به دو منظور صورت می‌گیرد:

(الف) ساخت عروسک‌های تخیلی همراه با حرکت.

(ب) ساخت سر و چهره و بدن بازیگر جهت جلوه‌های ویژه بر آن،

مانند منفجر شدن سر، بدن و غیره.

۱- Little big man



بخش مجسمه‌سازی، ساخت و حرکت آن، از گروه‌های چهار تاییست نفری متخصصان زمینه‌های مختلف تشکیل می‌شود. تکنولوژی رایانه، نقش به‌سزایی در این مورد دارد. فیلم «لایرنٹ» به کارگردانی «جرج لوکاس» محصول سال ۱۹۸۷ (تصویر ۲-۲۲)، فیلم «گرگ» به کارگردانی «نیک نیکولس» با طراحی چهره‌پردازی «ریک بیکر» (تصویر ۲-۲۳) و اجرای جلوه‌های ویژه روی آدمک فیلم «ترمیناتور» به کارگردانی «جیمز کامرون» با طراحی چهره‌پردازی «استن وینستون» (تصویر ۲-۲۴)، فیلم نوجوانان گرگ^۱ (تصویر ۲-۲۵)، فیلم «ماسک» به کارگردانی «چوک لوسن» (تصویر ۲-۲۶)، فیلم «روز مرگ» با طراحی چهره‌پردازی «ساوینی» (تصویر ۲-۲۷) اشاره کرد.



تصویر ۲-۲۴



تصویر ۲-۲۳



تصویر ۲-۲۲



تصویر ۲-۲۷



تصویر ۲-۲۶



تصویر ۲-۲۵

آزمون‌های فصل دوم

- ۱- توضیح دهید ریشه و اصل تئاتر یونان باستان را در چه مراسمی می‌توان یافت؟
- ۲- «تسیس» را پایه‌گذار چه نوع نمایش و مبتکر بهره‌گیری از چه عاملی در نمایش می‌دانند؟
- ۳- در قرون وسطی نمایش‌ها دارای چه مفاهیمی بوده‌اند و در چه مکان و توسط چه کسانی اجرا می‌شده‌اند؟
- ۴- نمایش «کمدیا دلآرتِه» در چه سالی و در کجا شکل گرفت؟
- ۵- ویژگی صورتک «آرلکن» در نمایش کمدیا دلآرتِه در چیست؟
- ۶- نمایش سنتی «تخته‌حوضی» از نظر چهره‌پردازی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۷- در چه قرنی نمایش «نو» به وجود آمد و این نمایش دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۸- ویژگی نمایش «کیوگن» چیست؟
- ۹- انواع صورتک را نام ببرید.
- ۱۰- منظور از حجم در چهره‌پردازی برای دوربین چیست؟



طراحی و قالب‌گیری

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- مراحل طراحی و ساخت صورتک را توضیح دهد.
- ۲- انواع مواد ساخت صورتک را نام ببرد.
- ۳- با توجه به صورت و لباس بازیگر، طراحی صورتک را انجام دهد.
- ۴- با توجه به شخصیت نمایشی و یا نقش، طراحی صورتک را انجام دهد.
- ۵- مواد و ابزار قالب‌گیری صورت را توضیح دهد.
- ۶- با توجه به صورت بازیگر، قالب‌گیری انجام دهد.





۱-۳- تعریف صورتک، انواع و کاربرد آن در نمایش

هر پوششی بر چهره، صورتک نامیده می‌شود. صورتک می‌تواند از جنس گل، گچ، چوب، برگ درختان، پشم، پوست، پارچه، تور، چرم، مقوا، اسفنج، سیم، فلز، پلاستیک و غیره باشد. استفاده از صورتک به جهت تغییر قیافه با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد. صورتک می‌تواند به منظور ایجاد ارتباط، استتار، برتری جویی، به دست آوردن قدرت روانی، سرگرمی و شادی، رها ساختن، آزاد کردن، پنهان ساختن چهره، دستیابی به هویت تازه و شخصیت استفاده گردد.

به طور کلی صورتک از دیرباز با انسان بوده است. انسان اولیه برای شکار حیوانات از صورتک‌های ابتدایی ساخته شده از لیاف، برگ، پوست درختان، گل، پشم و پوست حیوانات بهره می‌برده و برای تزئین آن از شاخ و دندان و پر پرندگان استفاده می‌کرده است. او چهره را با این حربه می‌پوشاند. در واقع صورتک تنها وسیله بهره‌برداری از شکار محسوب نمی‌شد، بلکه اعتقاد انسان اولیه به روح‌گرایی^۱ در جمادات و نباتات، و باور او به انتقال روح بشر به این دو را در برمی‌گرفت. صورتک برای ارتباط انسان اولیه با ارواح مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این دوران، صورتک نوعی قدرت نامرئی به حساب می‌آمد. انسان اولیه با پنهان کردن چهره خویش، هویت خود را به فراموشی می‌سپرد و نوعی برتری بر ارواح، نباتات، جمادات و حیوانات احساس می‌کرد. انسان اولیه با ساختن صورتک‌های منقش به نقش‌های ترسناک و عجیب و غریب به جادوگری می‌پرداخت و زشتی و پلیدی را از خود می‌راند. گاه صورتک‌های بزرگ با نقش‌های تخیلی، توسط انسان اولیه پرستش می‌شد. از دیدگاه روانی، صورتک برای انسان اولیه یک نوع پناهگاه محسوب می‌شد و در مراسمی که بر اساس لذاذ زندگی، قدرت، پیروزی و رویدادهای طبیعی بود، بر چهره مشاهده می‌شد. این حضور با رقص و موسیقی و پانتومیم همراه بود. انگیزه نهادن صورتک بر چهره در نمایش‌ها و کارناوال‌های امروزی که در اکثر کشورهای جهان برگزار می‌شود، از مراسم متأثر فاصله دارد.

مطالب فوق اشاره‌ای گذرا بر تولد صورتک در زمان‌های گذشته بود که طی دوره‌های متمدنی به گونه‌های متفاوت شاهد آن بوده‌ایم (تصویر ۱-۳).

زمانی که بازیگر، صورتک را بر چهره می‌گذارد، صورتک به صورت یک متعدی جلوه‌گر می‌شود. صورتک بر جسم و روح بازیگر تسلط یافته، او را به اجبار مطیع خود می‌سازد. او ناگزیر است از این حاکم پیروی کند. قدم‌ها، ژست‌ها و حرکات باید هماهنگ و تابع شخصیت صورتک باشد. بازیگر نمی‌تواند صورتک را تابع حرکات خود کند. او مجبور است علاوه بر هماهنگ کردن حرکات و ژست‌ها، ارتباط حسی و عاطفی با صورتک برقرار سازد. خود و صورتک را درهم ادغام کرده، آن را جزئی از وجود خویش سازد. هر قدر ارتباط حسی بین بازیگر و صورتک بیشتر گردد،

او در ارائه نقش، موفق‌تر خواهد بود. به طور کلی صورتک می‌تواند بر صحنه نمایش به شکل استعاره، نماد و تمثیل ظاهر شود.



تصویر ۱-۳



تصویر ۳-۳



تصویر ۳-۲



تصویر ۳-۵



تصویر ۳-۴



تصویر ۳-۷



تصویر ۳-۶



تصویر ۳-۹



تصویر ۳-۸

در نمایشنامه هاملت چنانچه برای ظاهر شدن روح پدر هاملت از صورتک استفاده شود، این صورتک مفهومی استعاری خواهد داشت. اگر در نمایش «پرومته در زنجیر»^۱ یا «ادیپ شهریار»^۲ صورتک به کار برود، کاربرد نمادین پیدا می‌کند. چنانچه در نمایشنامه‌ای، شبیه‌سازی به وسیله صورتک انجام شود، صورتک شکل تمثیلی به خود می‌گیرد. نمادها خود به دو گروه نمادهای ذهنی و عینی تقسیم می‌شوند. اگر صورتکی با عنوان عدالت، راستی، درستی و غیره بر صحنه ظاهر شود، صورتک نماد ذهنی خواهد داشت و اگر با عنوان روز، شب و یا دریا باشد به شکل نماد عینی نمود می‌یابد. صورتک روی صحنه می‌تواند برای تماشاگر، خوشایند و یا ناخوشایند جلوه کند. پذیرفتن نقش بازیگر با صورتک، بستگی کامل به نحوه اجرا و ارائه نقش به نحو شایسته دارد. چنانچه بازیگر خود را با صورتک تلفیق کند، ارتباط حسی میان تماشاگر و بازیگر صورتک، خود به خود ایجاد می‌شود.

امروزه صورتک مانند گذشته در نمایش از اهمیت خاصی برخوردار است. بازیگر با بهره از انواع آن بر صحنه، به نقش‌آفرینی می‌پردازد.

صورتک به طور کلی از نظر شکل، ساخت و نوع استفاده برای نمایش، انواع مختلف دارد:

الف) صورتک نیمه: از پیشانی تا روی لب بالا (تصاویر ۳-۲ و ۳-۳).

ب) صورتک تمام چهره: از پیشانی تا ناحیه چانه (تصاویر ۳-۴ و ۳-۵).

ج) صورتک سر و چهره کامل: صورتک، تمام سر و چهره را می‌پوشاند (تصویر ۳-۶).

د) صورتک کوچک: ناحیه چشم (تصویر ۳-۷)

ه) صورتک هم اندازه چهره با تزئیناتی بلند در اطراف سر: این صورتک اگر سنگین باشد، روی شانه‌های بازیگر تکیه دارد. این نوع صورتک برای اساطیر، خدایان و غیره به کار می‌رود (تصویر ۳-۸).

و) صورتک‌های کوچک، متوسط و بزرگ: برای همسرایان نمایش کلاسیک استفاده می‌شود (تصویر ۳-۹).

۱- Prometheus bound

۲- Oedip the king



فصل سوم



تصویر ۳-۱

ز) صورتک‌های چند جانبه: بر روی چهره، دو طرف چهره یا روی چهره، سر و پشت سر قرار می‌گیرد (تصویر ۳-۱).

علاوه بر صورتک بر چهره بازیگر، در زندگی روزمره نیز صورتک‌هایی را مشاهده می‌کنیم که در بخش‌های مختلف اجتماع کاربرد دارند. مانند: اطاق عمل، صورتک‌های اکسیژن جهت بیماران، صورتک‌های تنفسی شیمیایی جهت جلوگیری از ورود هوا و گازهای آلوده، صورتک‌های فضانوردان، جوشکاران، موتورسواران، صورتک‌هایی با زمینه‌های مذهبی چون پوشیه و برقع، صورتک‌های ترمیمی معلولین، صورتک‌های زیبایی، مد و غیره (تصاویر ۳-۱۱ الی ۳-۱۴).

مواد و ابزار قالب‌گیری از صورت: مواد مختلفی چون پودر گچ، نوارهای گچ شکسته‌بندی و آلزینات جهت قالب‌گیری از صورت موجود است. یکی از ساده‌ترین روش‌های قالب‌گیری از

صورت، استفاده از نوارهای گچ شکسته‌بندی است. برای انجام این کار به نوارهای گچ، وازلین، کمی آب ولرم، صابون (جهت پاک کردن چربی از صورت) نایلون فریزر، مقداری ماسه، کمی پودر مل، خمیر مجسمه‌سازی، گچ قالب‌گیری دندان پزشکی (نوعی گچ)، شیر پاک‌کن و پنبه و ابزارهایی چون روبوش پلاستیکی، قیچی، قاشق (جهت آماده کردن گچ)، کاسه‌های پلاستیکی متوسط و کاردک فلزی و قوطی خالی مقوایی [در اندازه‌های ۲۰ در ۳۰ سانتی‌متر] احتیاج دارید.



تصویر ۳-۱۲



تصویر ۳-۱۱



تصویر ۳-۱۴



تصویر ۳-۱۳



۲-۳- قالب‌گیری از صورت بازیگر

۱-۲-۳- قالب منفی: نوار گچ شکسته‌بندی [با عرض حدود ۷ سانتی‌متر] را به شکل مثلث‌های بزرگ، متوسط و کوچک بریده، روی میز قرار دهید. مدل را بر روی صندلی دارای پشتی مناسب نشاند، به او روپوش ببوشانید. دقت شود سر مدل زیاد خوابیده نباشد، چون خطوط و حجم‌های صورت تا حدود زیادی از بین می‌رود. چهره مدل را با شیرپاک‌کن و پنبه، خوب پاک کرده، موهای سر را از بالای پیشانی با یک نایلون فریزر (که از یک طرف باز شده) ببوشانید، تا موهای مدل کثیف نشود. روی تمام چهره کمی وازلین بمالید. یک ظرف آب ولرم آماده کرده و از قسمت پیشانی کار را شروع کنید. تکه‌های بزرگ مثلث را یکی یکی در آب ولرم فرو برده، آب آن را کمی گرفته، روی پیشانی کنار هم بگذارید. باید طوری آنها را بگذارید که درست در کنار هم قرار گیرند، نه بر روی هم. برای مثال کنار پره‌های بینی یا گوشه‌های چشم در طرف داخل، به مثلث‌های کوچک نیاز دارید. تا زیر چانه این کار را ادامه دهید. آخرین ناحیه‌ای که باید کار کنید، سوراخ‌های بینی است. مدل از هنگام شروع کار تا گرفتن گچ، نباید صحبت کند و یا به چهره خود حرکت دهد؛ زیرا قالب خراب می‌شود. پس از لایه اول، لایه دوم را با استفاده از نوارهای گچ شکسته‌بندی ادامه می‌دهید. سه نوار آماده می‌کنید: نواری برای پیشانی، نواری برای ناحیه بینی و گونه‌ها، نواری برای زیر بینی تا چانه. این نوارها را به ترتیب از بالا به صورت افقی روی نوارهای سه‌گوش یا مثلث لایه اول می‌گذارید. بعد از نوارهای افقی، نوبت لایه سوم می‌شود. این بار نوارهای گچی را به صورت عمودی کنار هم بر روی لایه دوم می‌گذارید. نوار سوم جهت استحکام قالب از رستنگاه موها تا چانه و اطراف چهره قرار می‌گیرد. پس از یک ربع ساعت، از مدل بخواهید صورت خود را حرکت دهد. زیر قالب را با دست گرفته، از چهره به آرامی جدا کنید. طوری کار نکنید که هنگام برداشتن قالب، موهای مدل به قالب بچسبند و کنده شود.

۲-۲-۳- قالب مثبت: زمانی که قالب منفی خشک شد، داخل آن را با قلم‌موی نرم، تمیز کنید. اگر ناصافی‌هایی مشاهده شد، کمی پودر مل را با چسب چوب ترکیب کرده، هم بزنید و با کاردک، ناصافی‌ها را پر کرده و صبر کنید تا خوب خشک شود. سوراخ‌های بینی را با خمیر مجسمه سازی ببندید و قالب را درون جعبه مقوایی که پر از ماسه است قرار دهید تا تکان نخورد. چنانچه امکان این کار برای شما میسر نیست، خمیر مجسمه‌سازی را طوری در اطراف قالب قرار دهید که قالب در جای خود محکم و استوار قرار گیرد. داخل قالب را با وازلین، چرب کنید. چهار فنجان گچ قالب‌گیری دندان پزشکی را در ظرفی پلاستیکی بریزید و کم کم به آن آب اضافه کنید تا آب و گچ در یک سطح قرار گیرند. با کمک قاشق به سرعت گچ و آب را با هم مخلوط کرده، برای جلوگیری از ایجاد حباب‌های هوا، گاهی دو طرف ظرف را بگیرید و آهسته آن را به میز بزنید. ترکیب آماده، باید نه زیاد غلیظ و نه زیاد رقیق باشد. با کمک قلم‌مو، مقداری از مایع گچ را با دقت به داخل قالب بمالید و برای به وجود نیامدن حباب‌های هوا، روی آن فوت کنید. این کار را ادامه دهید تا تمام قالب از گچ پر شود. با کاردک فلزی، سطح پشتی قالب مثبت را صاف کرده و صبر کنید تا قالب مثبت نیز خشک گردد. زمانی که قالب خشک شد، با دقت آن را از قالب منفی (قالب اولی) که در واقع پوسته مانند است، جدا کنید. با کمک قلم‌مو، گچ‌های اضافی را از روی آن پاک کنید. اگر سوراخ‌های ریزی مشاهده کردید، سوراخ‌ها را با پودر مل و چسب چوب، بتونه کنید.



آزمون‌های فصل سوم

- ۱- صورتک یعنی چه؟
- ۲- به طور معمول از صورتک برای کدام اهداف استفاده می‌گردد؟
- ۳- انسان اولیه برای شکار حیوانات، صورتک‌های ابتدایی خود را از چه موادی ساخته است؟
- ۴- در نمایش «هاملت» برای نشان دادن روح، صورتک چه مفهومی را می‌یابد؟
- ۵- در نمایش «پرومته در زنجیر» یا «ادیپ شهریار»، صورتک باید چه مفهومی را دارا باشد؟
- ۶- در نمایش‌هایی که صورتک به منظور شبیه‌سازی استفاده می‌گردد، صورتک چه مفهومی را به خود می‌گیرد؟
- ۷- انواع صورتک را نام ببرید.
- ۸- مواد و لوازم ساخت صورتک را نام ببرید.
- ۹- چگونه ساختن قالب منفی را شرح دهید.
- ۱۰- چگونه قالب مثبت ساخته می‌شود؟



فصل چهارم

ساختن صورتک

اهداف: در پایان این فصل از هنر جو انتظار می‌رود که:

- ۱- مواد مورد نظر ساخت صورتک را آماده کند.
- ۲- با ابزار گوناگون ساخت صورتک، صورتک بسازد.
- ۳- شیوه‌های رنگ‌آمیزی صورتک را توضیح دهد.
- ۴- موارد مورد نظر رنگ‌آمیزی صورتک را توضیح دهد.
- ۵- رنگ‌آمیزی صورتک را انجام دهد.
- ۶- تلفیق صورتک و چهره‌پردازی در نمایش را توضیح دهد.
- ۷- یک کار تلفیقی از صورتک و چهره‌پردازی انجام دهد.





۱-۴- ساختن صورتک

پس از آنکه طراح صورتک، شخصیت مورد نظر خود را در ذهن پرورش داده و آن را بر روی کاغذ طراحی و رنگ آمیزی نمود، از میان مواد و روش‌های مختلف، با توجه به نوع طرح و چگونگی استفاده از صورتک، اقدام به ساختن آن می‌کند.

۱-۴-۱- ساختن صورتک از مقوا: مقوا را می‌توانید بر مبنای رنگ چهره حیوان یا پرده مورد نظر خریداری نمایید. ابتدا با در نظر گرفتن چهره و اندازه آن، طرح را روی مقوای رنگی کشیده، سپس مقوا را با قیچی بریده و قسمت‌های مختلف آن را به هم متصل نمایید. این نوع صورتک به رنگ کامل نیاز ندارد زیرا رنگ‌ها توسط شما از قبل انتخاب شده است، تنها کمی رنگ برای ترسیم چشم‌ها، سیبیل و غیره مورد نیاز است. این نوع صورتک بیشتر برای نمایش کودکان به کار می‌رود (تصاویر ۱-۴ الی ۳-۴).



تصویر ۳-۴

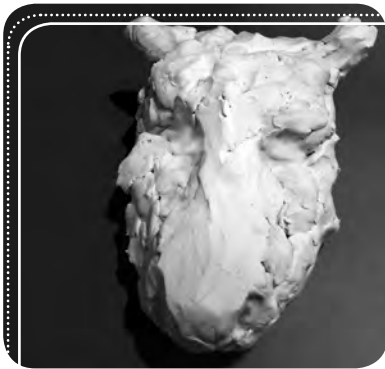
تصویر ۲-۴

تصویر ۱-۴

۲-۴-۱- ساختن صورتک پارچه‌ای از تنظیف: قالب مثبت را آماده کرده، روی آن با خمیر مجسمه‌سازی یا خمیر بازی کودکان حجمی بسیار ساده از چهره انسان، حیوانات یا موجودی تخیلی را اجرا نموده و تمام سطح آن را با وازلین چرب نمایید. در یک ظرف، چسب چوب را با آب رقیق کرده و یک متر پارچه تنظیف بسیار لطیف را دولا نموده، در ظرف محتوی چسب چوب رقیق شده بریزید. برای اطمینان از خوب خیس شدن پارچه این عمل را چندبار تکرار نمایید. سپس پارچه آغشته به چسب را روی قالب انداخته با انگشتان دست، مو، ریش، سیبیل و چشم و ابروان را شکل بدهید. از چین‌هایی که بوجود می‌آید برای شکل بخشیدن به کار استفاده نمایید. سپس بگذارید پارچه خوب خشک شود یا با باد گرم سشوار آن را خشک کنید.

۳-۴-۱- ساختن صورتک از تکه‌های کاغذ: نخست، حجم مورد نظران را بر روی قالب مثبت با خمیر بازی کودکان بسازید. چنانچه خمیر در اثر سردی هوا سفت شده باشد، آن را با کمی وازلین ورز دهید. پس از آماده شدن طرح بر روی قالب مثبت، سطح قالب را با وازلین، چرب کنید. روزنامه‌های باطله را تکه تکه بریده، در چسب چوب رقیق شده فرو برده، سپس با سه لایه تمام سطح کار را بپوشانید. پس از اتمام کار، صورتک را در گرمای آفتاب کنار بخاری یا شوفاژ و یا با سشوار خشک کنید. پس از خشک شدن صورتک، آن را از قالب جدا کنید و چنانچه زوایدی روی آن دیدید با سمباده چوب، زواید موجود را صیقل دهید (تصاویر ۴-۴ الی ۹-۴).

۴-۴-۱- ساختن صورتک با خمیر مقوا: مقداری مقوای کارتون را تکه تکه کرده و در یک ظرف پلاستیکی بریزید. سپس در آن آب بریزید تا جایی که کمی از سطح مقواها بالاتر باشد و بگذارید یک شب تا صبح خیس بخورد. صبح، زیادی آب را خالی کنید و با دستکش پلاستیکی، زواید محلول را جدا نموده و کارتن‌هایی را که خیس خورده و نرم شده‌اند با دست چنگ بزنید تا خمیری یکنواخت



تصویر ۴-۶



تصویر ۴-۵



تصویر ۴-۴



تصویر ۴-۹



تصویر ۴-۸



تصویر ۴-۷

آماده شود. قالب مثبت را آماده و حجم مورد نظر را بر روی آن کار کرده، چرب نمایید. خمیر مقوای آماده را به صورت یک لایه بر روی تمام سطح کار بمالید. دقت کنید که تمام سطح قالب به یک اندازه از خمیر پوشیده شود. پس از خشک شدن خمیر، آن را از قالب جدا کرده، زواید آن را با سمباده چوب صاف کنید تا برای رنگ آمیزی آماده شود. با این روش می‌توانید پیکره‌های کوچک مقوایی نیز بسازید. برای این کار نیاز به قالب ندارید. با توجه به طرحی که بر روی کاغذ کشیده‌اید، خمیر را شکل داده و بعد از خشک شدن خمیر، آن را رنگ آمیزی کنید.

۴-۱-۵- صورتک پارچه‌ای با نوار زخم بندی: این صورتک در داخل قالب منفی کار می‌شود. ابتدا قالب منفی را کاملاً

تمیز کرده و داخل آن را با وازلین چرب نمایید. سپس نوار زخم بندی ظریف بافت را با قیچی به شکل مربع‌های ۴ در ۴ سانتی متر ببرید. ظرف کوچکی از چسب چوب که نه خیلی غلیظ باشد و نه خیلی رقیق آماده کنید. چسب آماده شده را با قلم‌مو، از قسمت پیشانی داخل قالب بمالید. مربع‌های بریده شده را با دقت در کنار هم، از ناحیه پیشانی روی چسب چوب بچسبانید و تا ناحیه چانه قالب ادامه دهید. دقت کنید که انجام این کار در قسمت بینی کمی مشکل است چون چسب چوب در نوک بینی جمع می‌شود و باید با یک قطعه اسفنج، مرتباً چسب‌های اضافی را از نوک بینی بردارید. این ناحیه تنها جایی است که بسیار دیر خشک می‌شود. پس از چسباندن یک لایه نوار زخم بندی، دوباره از ناحیه پیشانی همین کار را تکرار کنید. با بادگرم سشوار، قالب را و خصوصاً نوک بینی را خوب خشک کنید. پس از خشک شدن، با قلم‌مو یک لایه لاتکس روی آن مالیده و با باد سرد سشوار، آن را خشک نمایید. بعد از خشک شدن لاتکس، با قلم‌مو به آن پودر تالک بزنید و دوباره یک لایه لاتکس روی آن بکشید. این نوع صورتک، بیشتر مناسب شبیه‌سازی در نمایش است. برای رنگ آمیزی صورتکی که به این روش ساخته شده است (چون با نوار زخم بندی و لاتکس درست شده است) از هر رنگی نمی‌توان استفاده کرد. برای



انجام این کار، ابتدا مقداری از رنگ روغنی چهره‌پردازی را روی شیشه‌ای تمیز، با مقداری روغن بادام مخلوط کرده، تا حدودی آن را چرب نمایید و سپس با تکه‌ای اسفنج به تمام سطح صورتک بمالید. این ترکیب رنگی در داخل لاتکس نفوذ می‌کند.

۶-۱-۴- ساختن صورتک با نوار گچ شکسته‌بندی: به مدل روپوش ببوشانید و او را روی صندلی دارای پشتی مناسب بنشانید. چهره مدل را با شیرپاک‌کن و پنبه پاک کرده، موهای سر را از بالای پیشانی با یک نایلون فریزر ببوشانید. روی تمام چهره کمی وازلین بمالید. ناحیه ابروان و چشم‌ها را با دو نایلون گرد که از کیسه فریزر بریده‌اید ببوشانید (نایلون فریزر به راحتی روی وازلین می‌چسبد). نوار گچی با پهنای ۵ تا ۷ سانتی‌متری را آماده نمایید. اندازه‌های افقی چهره بازبگر را در سه قسمت بالای صورت، از شقیقه تا چپ تا شقیقه راست، و در ناحیه میانی چهره، از کنار گوش راست به کنار گوش چپ، و از ناحیه پایین صورت، از کنار فک راست تا کنار فک چپ مشخص نموده و این اندازه‌ها را روی نوار گچی با ۲ سانتی‌متر اضافه قیچی کنید. قسمت اضافه بریده شده، جهت جبران کم شدن طول نوار گچی در داخل آب است. یک ظرف آب ولرم آماده کرده و از قسمت پیشانی، کار را شروع نمایید. نوار بالایی را در آب فرو برده، فشار دهید و با سرعت آن را روی پیشانی مدل، پهن کنید. نوک انگشتان را روی نوار بمالید تا گچ‌ها حل شود. بریده دوم را بلافاصله زیر تکه اول، بر روی بینی چسبانده و سعی کنید تالبه نوار دوم به اندازه ۳ میلی‌متر بر روی نوار اول بچسبد. روی دو نوار را نیز با نوک انگشتان بمالید تا گچ‌ها با هم مخلوط شود. برای زیر بینی از یک قطعه کوچک نوار به شکل مثلث استفاده نمایید. نوار سوم را زیر نوار دوم در روی دهان چسبانده و با انگشتان، گچ‌ها را حل کنید. پس از لایه اول، لایه دوم را بلافاصله و با همان روش کار کنید. سعی کنید لایه دوم را با دقت بیشتری بچسبانید زیرا بیرونی صورتک شما است که باید رنگ‌آمیزی شود. پس از ۱۵ دقیقه اجرای کار، قالب را به آرامی از روی صورت جدا سازید و بگذارید خشک شود (تصاویر ۴-۱۰ الی ۴-۱۵).



تصویر ۴-۱۲



تصویر ۴-۱۱



تصویر ۴-۱۰



تصویر ۴-۱۵



تصویر ۴-۱۴



تصویر ۴-۱۳



۷-۱-۴- روش ساخت صورتک از جنس چرم: ابتدا طراح

صورتک، طرح را با مداد روی کاغذ کشیده سپس طرح را (با در نظر گرفتن اندازه‌های سر و چهره‌ بازبزرگ) بر روی گل رُس یا خمیر مجسمه‌سازی پیاده می‌کند. پس از آماده شدن طرح، روی آن کمی وازلین مالیده، از آن قالب منفی گرفته، سپس از قالب منفی قالب مثبت تهیه می‌کند. این قالب، الگوی مراحل بعدی کار قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، سازنده با پیش رو داشتن و الگو قرار دادن قالب مثبت، آن را روی چوبی به شکل مکعب مستطیل پیاده می‌کند. جنس چوب معمولاً طوری انتخاب می‌شود که به آسانی بر روی آن حکاکی انجام شود. پس از سمباده زدن و صیقل دادن چوب، روی آن را با کمی وازلین چرب نموده، سپس چرم ظریفی را انتخاب و اندکی بزرگ تر از اندازه ببرید. بعد آن را به مدت یک ساعت داخل آب قرار دهید تا خوب خیس بخورد. سپس چرم را از آب درآورید، آب آن را گرفته و مرطوب روی مدل چوبی پهن کنید. نخست با انگشتان به آن مدل دهید. باید سعی شود چرم، خوب روی قالب بچسبد؛ پس با چکش چوبی ظریف روی مدل کوبیده تا چرم کاملاً بر قالب چوبی منطبق شود. پس از خشک شدن چرم، آن را با دقت از مدل چوبی جدا کرده و قسمت‌های اضافی را ببرید. جای چشم‌ها را چنانچه به ترمیم نیاز دارد ترمیم کنید. این صورتک که از جنس چرم است با روغن بی رنگ واکس زده می‌شود و با برس مخصوص، براق می‌شود. سپس داخل آن با پارچه‌ای بسیار نرم آستر می‌شود (تصاویر ۴-۱۶ و ۴-۱۷).



تصویر ۴-۱۶



تصویر ۴-۱۷

۸-۱-۴- ساختن حجم بر روی صورتک‌هایی

که با نوار گچ شکسته‌بندی ساخته شده است، با پنبه و چسب چوب حجم بسازید. برای انجام این کار، برای مثال اگر بخواهید اطراف چهره، مو، سیبیل و ریش بگذارید، ابتدا تکه‌ای پنبه برداشته، روی ناحیه مورد نظر بگذارید، اطراف پنبه را بچسبانید، سپس چسب چوب بسیار رقیق شده را روی آن بمالید به طوری که حجم پنبه نخواهد. برای تبدیل صورتک به چهره حیوانات نیز به همین طریق عمل کنید. در صورتک‌هایی که با پارچه نوار زخم‌بندی ساخته شده‌اند نیز، حجم‌سازی را با پنبه و مایع لاتکس به شیوه فوق انجام می‌دهند. در این روش، لاتکس باید با آب رقیق شود. صورتک‌های پارچه‌ای ساخته شده با تمیز، چنانچه نیاز به حجم‌سازی داشته باشند در زمان ساخت صورتک بر روی قالب مثبت انجام می‌شود. حجم‌سازی صورتک‌هایی که از خمیر مقوا درست شده‌اند در زمان ساخت صورتک و بر روی قالب مثبت انجام می‌پذیرد. حجم اضافی بر روی صورتک‌هایی که با تکه‌های کاغذ ساخته شده است، ابتدا بر روی قالب مثبت با خمیر مجسمه‌سازی یا خمیر بازی کودکان انجام می‌گیرد و سپس با روش تکه‌های کاغذ، قالب‌گیری می‌شود.

۹-۱-۴- نکات مهم برای ساختن صورتک‌ها:

بریدن جای چشم‌ها:

این کار را به سه طریق می‌توانید انجام دهید:

الف) خالی نمودن تمام جای چشم: پس از آنکه صورتک کمی خشک شد، جای چشم‌ها را بر مبنای طرح مورد نظر با دقت

درآورید. با این روش، بازبزرگ دید کافی در صحنه خواهد داشت.



ب) ایجاد چشم با پارچه توری: همانند روش بالا عمل کرده، پس از خالی کردن جای چشم‌ها، پارچه‌ای توری از داخل صورتک در محل چشم‌ها بچسبانید و کمی تور را از داخل صورتک با انگشتان فشار دهید تا حجم چشم را پیدا نماید. سپس بر روی تور، شکل چشم را نقاشی کنید. در این روش نیز بازیگر دید کافی خواهد داشت.

ج) ایجاد سوراخی در محل دید: در قسمت چشم‌ها فقط عنبریه چشم‌ها را بریده، درمی‌آورید و چشم‌ها را روی صورتک، با رنگ، نقاشی کنید. در این روش، بازیگر دید کمتری دارد.

۱۰-۱-۴- گذاشتن صورتک بر چهره:

الف) بعضی از صورتک‌ها، در پشت سر با کش بسته می‌شود. چنانچه بازیگری احساس ناراحتی کرد، سه قطعه کوچک اسفنج را به شکل مستطیل بریده در داخل صورتک در وسط پیشانی، روی گونه‌ها و تقریباً مابین گونه و بینی بچسبانید. در نتیجه، فاصله‌ای بین صورتک و چهره بازیگر ایجاد می‌شود.

ب) برای بعضی از صورتک‌ها، در زیر چانه، دسته‌ای از جنس مفتول فلزی تعبیه می‌شود که بازیگر به کمک آن، صورتک را مقابل صورت نگه می‌دارد. در این روش، مفتول (که به شکل T است)، زیر صورتک نصب می‌شود.

ج) بعضی از صورتک‌ها دسته‌ای در کنار خود دارند که بازیگر به هنگام بازی، توسط آن، صورتک را به دست می‌گیرد. کارهای تزئینی، روی این دسته‌ها نیز صورت می‌گیرد.

د) پارچه‌ای بسیار نرم داخل صورتک بچسبانید.

۲-۴- رنگ آمیزی صورتک

شاید رنگ از جمله عناصر بصری باشد که بیش از همه درباره آن مطالعه شده است. تلاش برای بی بردن به تأثیر رنگ، به گذشته‌های دور، به روزگار گوتته^۱ در قرن هجدهم میلادی بازمی‌گردد. در این قرن، کتاب‌های متعددی از دیدگاه پزشکی و روانشناسانه به این مقوله پرداخته‌اند که هدف از آنها، بررسی تعیین تأثیر رنگ بر سیستم بدن چون ضربان نبض، فشار خون و تنفس بوده است. برخی از این مطالعات گویای رابطه نسبتاً روشنی مانند تند شدن ضربان نبض در مواجهه با رنگ‌های حد فاصل میان سرخ و زرد است. صرف‌نظر از چنین یافته‌هایی، میان رنگ و وضع و حال هم بستگی‌های نسبتاً کلی وجود دارد که اگر چه از لحاظ علمی قابل اثبات نیست ولی آن‌چنان کلی و عام می‌نماید که برای کار تئاتر مفید بوده است. طیف رنگ به رنگ‌های «سرد» و «گرم» تقسیم می‌شود. رنگ‌های واقع در طیف زرد، سرخ و نارنجی، رنگ‌های گرم، و رنگ‌های واقع در طیف سبز و آبی، رنگ سرد انگاشته می‌شوند. علت طبیعی این اثر، شاید وجود این حقیقت باشد که پدیده‌هایی چون آفتاب، شعله آتش، زغال یا فلزات تحت تأثیر حرارت به رنگ زرد، نارنجی و سرخ درمی‌آیند، حال آن‌که چیزهای سرد یا خنک چون آب، یخ، آسمان، انبوه درختان و مانند آن در طیف آبی و سبز قرار می‌گیرند.

صورتک‌های مختلفی که برای شما چگونگی ساختن آنها شرح داده شد، نیاز به رنگ آمیزی دارد.

صورتک مقوایی: این صورتک چون از مقوای رنگی ساخته می‌شود، نیاز به رنگ آمیزی کامل ندارد. تنها برای مشخص

نمودن چشم‌ها و نواحی خاصی از چهره، از رنگ گواش برای رنگ آمیزی آن استفاده می‌شود.

صورتک تکه‌های کاغذی: رنگ آمیزی این نوع صورتک با رنگ گواش انجام می‌پذیرد و با سایه و روشن، حجم‌های صورتک

مشخص می‌شود.

۱- Goethe



صورتک خمیر مقوا : این نوع صورتک با گواش رنگ آمیزی می شود و با سایه و روشن زدن بر روی آن، فرورفتگی های آن تیره تر و برجستگی های آن روشن تر می شود. برای رنگ آمیزی این نوع صورتک می توانید از رنگ های افشانه ای استفاده نمایید. به طور کلی این نوع صورتک رنگ قهوه ای روشنی دارد که خود به خود زیبا می باشد. اگر پیکره های کوچکی از خمیر مقوا ساخته اید، رنگ طبیعی خود پیکره ها زیباست.

صورتک نوار گچ شکسته بندی : این نوع از صورتک این قابلیت را دارد که با کارهای حجمی که بر روی آن انجام می دهید، می توانید از آنها اشکال دیگری مثل حیوان، پرند، چهره های باستانی، نمادهای ذهنی و عینی بسازید. لذا از رنگ های گواش، رنگ روغن نقاشی (که دیر خشک می شود) و رنگ های اسپری جهت رنگ آمیزی آنها استفاده نموده و یا می توان ترینات بسیاری روی آنها بر مبنای طرح؛ با پارچه، تور پارچه ای، گل های خشک، گل های مصنوعی، حبوبات، برگ خشک، چوب تنه درختان، سنگ های کوچک رنگی، افشانه های رنگی طلایی، نقره ای و غیره انجام داد. برای جلا دادن به آنها نیز چنانچه با گواش کار کرده باشید، می توانید از روغن جلا یا افشانه های جلا دهنده استفاده نمایید.

۱-۲-۴- روان شناسی رنگ ها : از جمله موارد بسیار با اهمیت نمایش، مفاهیم رنگ در صحنه و تأثیر روانی آن بر تماشاگر است. انتخاب رنگ برای صحنه نمایش، لباس، چهره پردازی و صورتک و نورهای صحنه، با توجه خاص بر تحلیل ها و مؤلفه ها صورت می پذیرد.

این عوامل به کمک رنگ و نور می تواند بر تماشاگر اثر مطلوب یا نامطلوبی بگذارد. رنگ در نمایش دارای مفاهیم خاص است و احساس های مختلفی را در تماشاگران سبب می گردد. برای رنگ آمیزی صورت، باید سبک نمایش، رنگ بندی صحنه، رنگ های لباس و رنگ نورها را در نظر گرفت. از آنجا که هر رنگ از دیدگاه روان شناسی تأثیری ویژه و مفهومی نمادین دارد، علاوه بر شناخت تأثیرات رنگ، آشنایی با مفاهیم آن برای طراحان چهره پردازی و صورتک ضروری است.

رنگ سفید : نماد کمال، پاکی، آرامش، صداقت، راستی، دوستی، بی انتهایی و...

رنگ سیاه : نماد غم، مرگ، ابدیت، پوچی، انتها و...

رنگ قرمز : نماد قدرت، اقتدار، آتش، خون، جنگ، نیروهای شیطانی، انرژی، هیجان و...

رنگ آبی روشن : نماد صلح، آرامش روح، پارسایی، کودکی، وفاداری و...

رنگ سبز : نماد پایداری، ثبات، طراوت، تحرک و...

رنگ سبز کدر : نماد حسادت، بداندیشی، بدشگونی، بیماری، خیانت و...

رنگ خاکستری : نماد خنثی بودن، بی تفاوتی، نامفهومی، انزوا، افسردگی، عصبی بودن، غیر متعهد بودن و...

رنگ زرد کم رنگ : نماد سستی، پریشانی، یأس، عدم اعتماد، سؤظن، خیانت و...

رنگ صورتی : نماد احساساتی بودن، رویایی و خیال انگیز بودن و...

رنگ ارغوانی : نماد جلال، شکوه، عظمت و...

رنگ بنفش آبی : نماد وهم، ترس، اضطراب، افسانه ای، جادویی و...

رنگ بنفش قرمز : نماد اسرار آمیز بودن، وسوسه انگیز بودن، خیال انگیز بودن و...

رنگارنگ نامنظم : نماد غیر منطقی بودن، عدم تعادل داشتن و...

رنگارنگ بیش از اندازه : نماد خودپسندی، خودبینی و...

رنگارنگ شاد و زنده : نماد وفاداری، دوستی و...

رنگ های نامشخص : نماد بیماری، تلخی و...



۴-۳- چهره پردازی اکسپرسیو [Expressive]

چهره پردازی بیانگرا یا «گریم ماسک» که سبکی از چهره پردازی تلفیقی است. در این روش، چهره با رنگ های غلیظ پوشانده می شود و جلوه ای همچون صورتک می یابد. در نمایش کودکان، دلک ها، میم، پاتومیم، نمادهای عینی و ذهنی و نمایش های شرق؛ هندی، ژاپنی و چینی از این نوع چهره پردازی استفاده می شود.

۴-۳-۱- نمایش کودکان: نمایش های کودکان غالباً حکایاتی درباره جانوران، پرندگان، حشرات، گیاهان و غیره است که هدف آن آموزش رفتار و اخلاق اجتماعی به کودکان است. برای چهره پردازی بازیگران نمایش کودک، معمولاً از چهره پردازی تلفیقی استفاده می شود. چون هم برای بازیگر (که معمولاً کودک هستند) راحت تر است و هم میمیک چهره به تماشاگر القا می شود.



تصویر ۴-۱۸

کارگردان برای شخصیت های نمایش، نخست باید شکل چهره کودکان را در نظر بگیرد. برای نقش گربه و خرگوش، چهره به شکل گرد، میمون، فاصله بینی و لب زیاد، گریز و روباه، چهره به شکل مثلث یا سه گوش، شیر و پلنگ و ببر و مانند اینها، چهره درشت و چهار گوش یا مستطیل انتخاب کند. برای نشان دادن شکل های پرندگان، بینی کشیده مناسب است (تصاویر ۴-۱۸ و ۴-۱۹).

۴-۳-۲- دلک ها: دلک ها به دو دسته تقسیم می شوند: دلک های شاد و دلک های

غمگین.

دلک های شاد:

دلک های شاد شخصیت هایی به نام «کلون»^۱، «آدرین»^۲، «توتی فروتی»^۳، «اوگست»^۴ هستند که ریشه در شخصیت های نمایش کمدا یا دلآرته دارند.

چهره ها سفید، اشکال هندسی با رنگ های شاد و زنده در اطراف چشم ها. لب ها بزرگ و گوشه ها به طرف بالا (بیانگر خنده). گاه سر بینی قرمز می شود.

دلک های غمگین:

دلک های غمگین به نام های پی پرو (مرد) و پیرت (زن).

رنگ چهره ها به طرف سفید، پشت چشمان آبی و حالت افتاده، یک قطره اشک زیر یک چشم رنگ آمیزی می شود. لب ها قرمز تیره، گوشه ها طرف پایین که حالت غم را تداعی می کند (تصاویر ۴-۲۰ و ۴-۲۱).



تصویر ۴-۱۹



تصویر ۴-۲۱



تصویر ۴-۲۰



۳-۲-۴- میم - پانتومیم : هر دو شخصیت، برای بهتر نشان دادن حالات و احساسات، چهره را سفید می‌کنند. دو خط کوچک تیره زیر چشم‌ها کشیده می‌شود و لب‌ها به رنگ قرمز، رنگ آمیزی می‌شود (تصویر ۲۲-۴).

۴-۳-۴- نمادهای عینی و ذهنی : نمادها به دو دسته تقسیم می‌شوند: نمادهای عینی مانند روز، شب، خورشید، آب، باد و غیره، و نمادهای ذهنی مانند زندگی، مرگ، راستی، عدالت، رذالت، دورویی و غیره. نمادها در نمایش بسیار مشاهده می‌شود و اغلب با این نوع چهره‌پردازی عیان می‌شود، گاه نیز با صورتک نشان داده می‌شود (تصویر ۲۳-۴).



تصویر ۲۳-۴



تصویر ۲۲-۴

۵-۳-۴- آشنایی با تاریخچه و انواع سبک‌های نمایش و چهره‌پردازی تلفیقی در شرق

عناصر مشترکی که در نمایش‌های شرقی مشاهده می‌گردد عبارتند از:

(الف) نمایشنامه بر مبنای اسطوره‌ها، خدایان، قهرمانان، شیاطین، ارواح و غیره جهت نشان دادن نبرد بین خیر و شر استفاده می‌شود.

(ب) زمان اجرای نمایش طولانی است.

(ج) اجرای نمایش همراه با موسیقی، آواز و رقص به شیوه‌های مختلف است.

(د) بازیگران مرد هستند.

(ه) به کار بردن صورتک‌های چوبی.

(و) استفاده از چهره‌پردازی تلفیقی و رنگ‌های نمادین هر منطقه.

(ز) ساختن رنگ‌های روغنی و یا گیاهی برای چهره‌پردازی.

(ح) به کار بردن تاج و سریند زربفت و نقره‌بافت، نوارهای رنگی براق، پارچه‌های رنگی براق شاد از جنس ساتن، تافته و امثال آن.

اتمام نمایش با پیروزی خیر بر شر.

(ی) تماشاگران این گونه نمایش‌ها برای مدت زمانی به دنیای رویایی و افسانه‌ای خواهند رفت.

۱-۳-۴- نمایش هند : کاتاکالی^۱ در قرن پانزدهم میلادی در هند شکل گرفته و ریشه‌ای مذهبی دارد. هندوان، شیوا^۲ را خدای

آفریدگار رقص و موسیقی می‌دانند. کاتاکالی نمایشی بر مبنای اسطوره، افسانه‌های مذهبی و غیره است. نمایش همراه با موسیقی و رقص اجرا می‌شود. بازیگران همگی مرد هستند و بازیگر زن، معمولاً پسری جوان است. داستان نمایش با حرکات انگشتان، حالات چشمان و حرکت بدن و ضرب آهنگ پا برای تماشاگران بازگو می‌گردد. لباس‌ها بسیار رنگین، شاد و درخشان همراه با تزئینات زربافت و نقره‌بافت است و به خصوص چهره‌پردازی در این نمایش نقشی اساسی به عهده دارد.



رنگ چهره‌ها دارای مفهومی خاص است و هر رنگ بیانگر نمادی سنتی می‌باشد. چهره‌پردازی به شیوه چهره‌پردازی تلفیقی انجام می‌شود و ساعت‌ها به طول می‌انجامد. کاغذ مخصوص و بسیار نازکی را از ناحیه بالای گونه تا زیر فک بازیگر، با چسبی گیاهی چسبانده، سپس با خمیر برنج حجم‌هایی را بر آن افزوده و در نهایت رنگ آمیزی می‌کنند. برای قهرمانان و اشخاص روحانی و به‌طور کلی شخصیت‌های مثبت، بعد از چسباندن کاغذ، رنگ سبز درخشانی به تمام چهره زده می‌شود و با سایه و روشن‌های طلایی و قرمز بر روی صورت کار می‌شود. جهت نشان دادن حالات و حرکات چشم‌ها، اطراف چشم‌ها را خطوط سیاه می‌کشند و لب‌ها را نیز نارنجی کم رنگ می‌کنند. در وسط پیشانی علامتی با رنگ سفید می‌گذارند که برای قهرمانان و افراد روحانی شکل‌های متفاوتی دارد.

رنگ‌های نمادین این نمایش عبارتند از :

(الف) سبز: برای شخصیت‌های مثبت. عشق، دلبستگی، تعلق.

(ب) صورتی: جهت خدایان، همراه با ریشی سفید.

(ج) زرد براق: رنگ خاص زنان است.

(د) زرد کم رنگ: برای زنان معمولی.

(ه) قرمز تیره: نشان دهنده شخصیت‌های منفی است.

(و) سیاه: جهت شخصیت‌های وحشی و وحشت.

(ز) ریش قرمز: برای دیوستان.

(ح) ریش سفید و چهره‌ای دو رنگ برای خدای میمون‌ها (قسمت بالای چهره سیاه و پایین آن سرخ، همراه با ریشی سفید).

(ط) رنگ آمیزی بسیار و نقش و نگارهای درهم برای نشان دادن جادوگران.

(ی) رنگ قرمز: برای شخصیت‌هایی با قدرت بدنی بالا استفاده می‌گردد.

(ک) رنگ سفید: جهت شخصیت‌هایی با طبع آتشین و تندخو به کار می‌رود.

(ل) رنگ آبی: نفرت.

(م) خاکستری: دلسوزی.

(ن) پرتقالی روشن: قهرمانان (تصویر ۲۴-۴).

۲-۵-۳-۴- نمایش چین: نمایش چین در اواخر قرن هجدهم میلادی در پکن شکل گرفته است که اصل و ریشه‌اش بر مبنای نمایش‌های سنتی دوران گذشته است. نمایشنامه‌ها بر مبنای افسانه‌های خیالی، حماسی، داستان‌های قدیمی و یا حوادث معاصر است. نیمی از نمایش با بازی و نیم دیگر آن با خواندن اجرا می‌شود.

از ویژگی‌های این نوع نمایش استفاده از لباس‌های بسیار رنگی و درخشان و شاد همراه با تزئینات و چهره‌پردازی‌های بسیار رنگی به شیوه چهره‌پردازی تلفیقی با ریش‌هایی از جنس ابریشم است.

در این نمایش‌ها چهره‌پردازی با دو روش «چهره پودر زده» و «چهره‌پردازی غلیظ» انجام می‌گیرد و رنگ‌ها کاربردی نمادین به شرح زیر دارند :

(الف) قرمز: نماد صداقت، وفاداری و شجاعت است.

(ب) سیاه: نشان عدالت، دیانت، جسارت، دوستی، و مخلوط با رنگ‌های دیگر نشان خشونت است.



تصویر ۲۴-۴



ج) سفید: برای مکر، تزویر و ترس است و هرچه بر میزان آن افزوده گردد دلیل خیانت است.

د) زرشکی: جهت اجانب و نظامیان به کار می‌رود.

ه) ارغوانی: نشان از آرامش و پشتکار دارد.

و) آبی: نماد استقامت، تکبر و درنده‌خویی است.

ز) زرد: فراست را می‌نمایاند.

ح) خاکستری: برای سالمندان به کار می‌رود.

ط) قهوه‌ای: نشان لجاجت و خودسری است.

ی) سبز: جهت نشان دادن خیانت و مخلوط با رنگ‌های دیگر، نشان بی‌ثباتی است.

ک) قرمز و سفید: برای پادشاه میمون‌ها به کار می‌رود.

ل) طلایی و نقره‌ای: نماد فرازمینی و آسمانی است.

م) قرمز و بنفش و قهوه‌ای با ابروان سیاه: نشان شخصیت قهرمان داستان است.

ن) چهره‌های بسیار رنگین: خاص راهزنان شوخ و ماجراجویان مهربان است.

علامت‌های روی پیشانی بیانگر خصوصیات شخصیتی قهرمانان است (تصویر ۲۵-۴).

۳-۵-۴- نمایش ژاپنی کابوکی^۱: نوعی نمایش ژاپنی است که پیدایش آن را

اوایل قرن هفدهم میلادی می‌دانند. این نمایش برگرفته از نمایش نو و دیگر نمایش‌های سنتی گذشته ژاپن است. نمایش همراه با رقص، موسیقی و بازی اجرا می‌شود و موضوع نمایشنامه‌ها بر مبنای داستان‌های قدیمی، تاریخی، جنگ، انتقام، خیانت، دسیسه، تضاد، پستی، فداکاری و جوانمردی است. بازیگران، مرد هستند و حتی بازیگر نقش زن نیز پسری جوان است. در این نوع نمایش از چهره‌پردازی تلفیقی استفاده می‌شود و بازیگران صورتک بر چهره نمی‌گذارند. به‌طور کلی نمایش کابوکی نمایشی واقع‌گرایانه است. لباس‌ها رنگی و درخشان، همراه با تزیینات است و رنگ‌ها و خطوط بیانگر شخصیت‌ها است. شخصیت‌های مثبت دارای چهره‌پردازی با رنگ‌های ساده هستند و شخصیت‌های منفی (دزدان، شخصیت‌های خشن منفی و...) طرح‌های پیچیده و تنوع رنگی دارند.

الف) رنگ سفید: برای شخصیت‌های غیرقابل اعتماد و دغل به کار می‌رود.

ب) رنگ آبی: جهت شخصیت‌های بی‌رحم استفاده می‌گردد.

ج) ارغوانی: نشان افراتستگی، نجابت و غرور و اصالت خانوادگی است.

د) رنگ نیلی: نماد افسردگی، تیرگی و تاریکی است.

ه) سبز روشن: نشان از آسایش خاطر و آرامش است.

و) قهوه‌ای و قهوه‌ای تیره: برای خودپسندی، خودستایی، افسردگی استفاده می‌شود.

ز) خاکستری: نماد افسردگی و دل‌تنگی است.

ح) قرمز: اشتیاق، قدرت و جدیت را نشان می‌دهد.

ط) قرمز تیره: خشم و غضب است.



تصویر ۲۵-۴



تصویر ۲۶-۴



ی) سرخ متمایل به بنفش: نشان جوانی و شادمانی است. چهره سفید با خطوطی به رنگ قرمز، با موی سیاه بلند، خاص شخصیت قهرمان است و چهره بنفش بسیار کم رنگ، با خطوط بنفش تیره با ریش انبوه و موی کوتاه سفید، خاص شخصیت منفی است. چهره سفید با ابروانی با فاصله از چشم‌ها و لب‌های کوچک قرمز، خاص بازیگر زن و چهره‌ای به رنگ طبیعی با کلاه گیس نیمه طاس، خاص اوباش است (تصویر ۲۶-۴).

آزمون‌های فصل چهارم

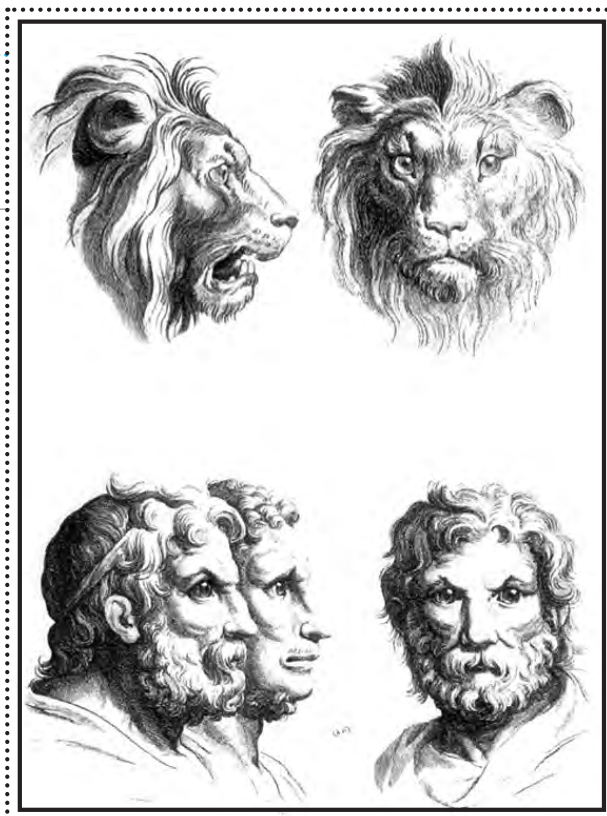
- ۱- چگونه ساختن صورتک از تکه‌های کاغذ را توضیح دهید.
- ۲- ساختن صورتک با خمیر مقوا را توضیح دهید.
- ۳- صورتک پارچه‌ای با نوار زخم‌بندی چگونه ساخته می‌شود؟
- ۴- ساختن صورتک با نوار گچ شکسته‌بندی چگونه است؟
- ۵- روش ساخت صورتک از جنس چرم را شرح دهید.
- ۶- ساختن حجم بر روی صورتک‌هایی که از نوار گچ شکسته‌بندی ساخته شده است، چگونه است؟
- ۷- بریدن جای چشم‌ها در صورتک با چه روش‌هایی امکان‌پذیر است؟
- ۸- چگونه برای صورتک‌ها می‌توان دسته ساخت؟
- ۹- صورتک از جنس خمیر مقوا را چگونه می‌توان رنگ‌آمیزی نمود؟
- ۱۰- رنگ سفید نماد چیست؟
- ۱۱- رنگ قرمز نماد چیست؟
- ۱۲- ویژگی‌های چهره‌پردازی اکسپرسیو یا گریم تلفیقی را توضیح دهید.
- ۱۳- در نمایش کابوکی رنگ سفید نماد چه شخصیتی است؟



آناتومی صورت و شناخت چهره

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- انواع صورت و شکل چهره را از نظر هندسی توضیح دهد.
- ۲- استخوان بندی انواع صورت را شرح دهد.
- ۳- کاربرد عضلات صورت را بیان کند.
- ۴- در مورد خطوط چهره توضیح دهد.
- ۵- در مورد برجستگی‌های چهره توضیح دهد.
- ۶- قیافه‌شناسی را به عنوان یک علم بیان کند.
- ۷- تأثیر حالات درونی انسان بر چهره او را بنویسد.





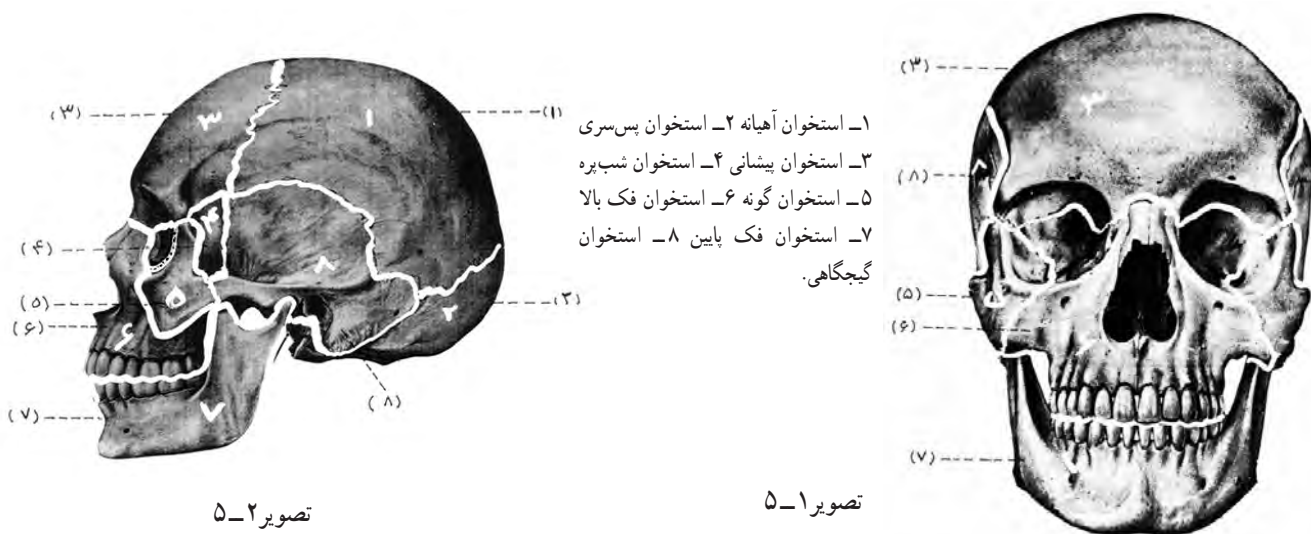
۱-۵- آناتومی صورت

استخوان بندی و عضلات سر و صورت و نقش آن در بیان حالات چهره: آگاهی از علم کالبدشناسی جهت انجام گریم لازم است. با شناخت ساختار صورت، گریم کامل و بدون نقص ارائه می‌شود. نمای بیرونی بدن از پوست پوشیده شده و در زیر آن رگ‌های خونی، چربی‌ها، ماهیچه‌ها و استخوان‌ها قرار گرفته‌اند.

۱-۱-۵- استخوان بندی سر از دو قسمت کاسه سر و چهره تشکیل شده است:

الف) استخوان‌های کاسه سر: کاسه سر شامل هشت استخوان است که چهار عدد آن فرد است و عبارتند از: استخوان پیشانی در جلوی سر، استخوان پشت سر در ناحیه پشت کاسه سر، استخوان پرویزنی در پشت حفره‌های بینی و استخوان شب‌پره در کف کاسه سر. چهار استخوان دیگر به صورت زوج است و عبارتند از: استخوان‌های آهیانه که در بالا و بین استخوان‌های پیشانی و پس سر قرار دارد، استخوان‌های گیجگاهی که در زیر آن‌ها در دو طرف کاسه سر قرار گرفته و سوراخ‌های گوش در آن‌ها واقع است.

ب) استخوان‌های چهره: مجموعه چهارده استخوان چهره در پایین سر قرار دارد و شامل دو قسمت آرواره بالا و آرواره پایین است. از این تعداد استخوان، سیزده عدد آن به هم چسبیده و تنها فک پایین مجزا و متحرک است. آرواره بالا دارای دو استخوان فک بالا، دو استخوان اشکی، دو استخوان صدفی یا بینی، دو استخوان کام دهان، دو استخوان گونه، دو استخوان بینی و یک استخوان تیغه میانی بینی است (تصاویر ۱-۵ و ۲-۵).



۲-۱-۵- عضله‌های سر و صورت: عضله‌ها روی استخوان‌ها را می‌پوشانند و حرکات آن‌ها سبب ایجاد حالات گوناگون چهره می‌گردد. عضلات سر و صورت شامل عضله‌های پوستی و عضله‌های جونده است، که اولی سبب ایجاد حرکت در ظاهر صورت می‌گردد و دومی باعث حرکت استخوان فک پایین می‌گردد.

الف) عضلات جونده: آرواره پایین را به طرف بالا می‌کشند؛ شامل عضلات ماضغه و عضلات گیجگاهی.
ب) عضلات پوستی سر و صورت عبارتند از:



۱- دو عضله پشت سری: پوست سر را به پشت می کشد.

۲- عضلات پیشانی: با منقبض شدن این عضلات، حالات مختلف مانند تعجب، ترس، وحشت و غافلگیری ایجاد می شود.

۳- عضلات کاسه چشم: مجموع عضلات ابروی که ابروها را به هم نزدیک کرده و خطی عمودی مابین ابرو ایجاد میکند. حالات خشم، تجاوز، غم، درد، ناراحتی و بدجنسی را بر چهره نمایان می سازد. مدور پلک ها که در داخل کاسه چشم قرار دارد و سبب باز و بسته شدن چشم ها می شود.

۴- عضلات بینی:

(الف) عضلات هرمی: این عضلات، پوست ناحیه ابروی را پایین می کشد.

(ب) عضلات عرضی بینی: پره های بینی را به طرف بالا می کشد.

(ج) عضلات موردی: سوراخ بینی را تنگ می کند.

(د) عضلات گشاینده بینی: با انقباض آنها بینی باز می شود. حالات بی خبری، میل و رغبت را بر چهره آشکار می سازد.

۵- عضلات دمنده و بازکننده لبها: عمل مکیدن را انجام می دهد.

۶- عضلات شیبوری: شبیه بادبزنی است. عمل این عضلات، سوت زدن، فوت کردن، جویدن و بلع غذاست. و در عین حال

بیانگر رضایت است.

۷- عضلات انیابی: حالت مسخره و درندگی به چهره می دهد.

۸- عضلات بالا برنده سطحی: بالا برنده بینی و لب بالا.

۹- عضلات و جنبه ای کوچک: شکاف لب ها را بالا و عقب

می کشاند. با انقباض این عضلات، حالات، خنده دردناک و گریه بر چهره آشکار می شود.

۱۰- عضلات و جنبه ای بزرگ: این عضلات، گوشه های

لب را به بالا و خارج می کشاند. این عضلات، شادی، خنده و قهقهه را بر چهره ایجاد می کند.

۱۱- عضله بالا برنده چانه: بالا برنده چانه است. این عضله

هنگام دعا خواندن جنبش های لب ها را ایجاد می کند.

۱۲- عضلات سه گوش لب: گوشه های لب را به پایین و

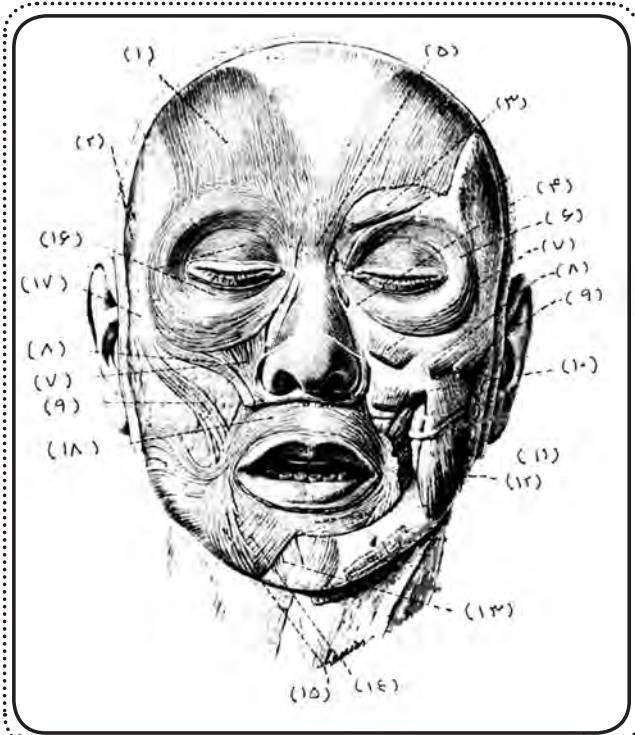
عقب می کشاند. این عضلات بیانگر حالات غم، اندوه، نفرت، عصبی بودن، انزجار، بیماری و نارضایتی هستند.

۱۳- عضلات چهار گوش چانه: لب پایین را به طرف پایین و

به سمت خارج می کشاند. عمل این عضلات، بیانگر حالات بی اعتنایی، بی تفاوتی و گاهی خشم است.

۱۴- عضلات گوشه ای: در طرف جلو، در قسمت بالا و نیز

در پشت گوش قرار دارند (تصویر ۳-۵).



تصویر ۳-۵

- ۱- عضله پیشانی
- ۲- عضله گیجگاهی
- ۳- عضله ابروی
- ۴- عضله عرضی بینی
- ۵- عضله هرمی
- ۶- عضله کاسه چشمی
- ۷- عضله بالا برنده سطحی
- ۸- عضله و جنبه ای کوچک
- ۹- عضله و جنبه ای بزرگ
- ۱۰- عضله بالا برنده عمقی
- ۱۱- عضله شیبوری
- ۱۲- عضله ماضغه
- ۱۳- عضله بالا برنده چانه
- ۱۴- عضله مربع چانه
- ۱۵- عضله مثلث
- ۱۶- عضله مدور پلک ها
- ۱۷- استخوان گونه
- ۱۸- عضله دمنده و بازکننده لب.



۳-۱-۵ - **غضروف‌ها:** در ساختار دو عضو مهم سر و صورت [گوش‌ها و بینی] نقشی اساسی دارند.

۴-۱-۵ - **پوست:** پوست چهره بیش از هر عضوی نمودار حالات درونی است. احساسات ما را منتقل می‌کند و هر ناراحتی

کم و بیش طولانی بر روی آن اثرهای بسیار و گوناگون می‌گذارد، همچون چین و چروک، پف کردن‌ها، نشانه‌های غرور جوانی، تب‌خال، کهیر، اختلالات رنگی و مویرگ‌های پوست. از دیدگاه بافت‌شناسی، پوست سرتاسر سطح بدن را می‌پوشاند. تمام تکه‌های آن به هم متصل است و به منزله غلاف تن آدمی است. این پوشش پرده‌ای نرم، پایدار، کشش‌دار و مخاطی نگهدارنده است و همیشه بافت همبندی دارد که آن را تغذیه می‌کند. رنگ پوست افراد مختلف نسبت به نژاد و سن، متفاوت است و بیشتر اختلاف آن مربوط به رنگدانه‌هایی است که در اعماق اشکوب سطحی آن وجود دارد. پوست به چهار بخش تقسیم می‌شود: پوست طبیعی، پوست چرب، پوست خشک، پوست مخلوط. پوست از یک مخاط لپیکی شاخی که از دو طبقه متمایز تشکیل یافته، ساخته شده است. طبقه اشکوب رویی که با هوا تماس دارد، و اشکوب زیرین که در آن آوندها و پیه‌هایی موجودند.

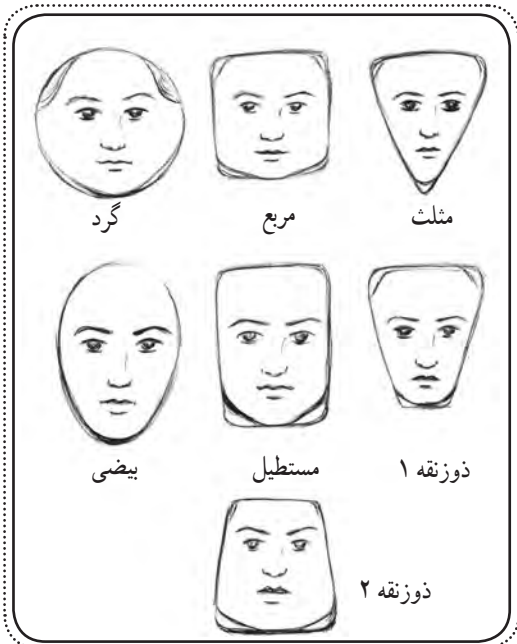
۲-۵ - شناخت شکل چهره، خطوط و حجم‌های صورت

چهره تمام افراد به یکی از اشکال هندسی مانند مربع، مستطیل، بیضی، گرد، مثلث، دوزنقه‌ای ۱، دوزنقه‌ای ۲ و لوزی گرایش دارد (تصویر ۴-۵). گاهی در یک چهره، دو شکل هندسی مشاهده می‌شود که با هم ترکیب شده‌اند. چهره‌های فوق به سه دسته چهره‌های تخت، چهره‌های گونه‌دار، چهره‌های بدون گونه تقسیم می‌گردد. اولین شناخت شما از چهره بازیرگر، شکل چهره او است. با شناخت چهره و مطالعه آن، طراحی مناسب امکان‌پذیر خواهد بود. طراح باید بررسی کند آیا شکل چهره بازیرگر مناسب با طراحی که برای چهره او در نظر گرفته شده هست، یا باید شکل چهره او را به شکل هندسی دیگری تغییر دهد. چه نوع ریش و سبیلی برای این شکل از چهره مناسب‌تر است؟ آیا ابتدا باید چهره او را لاغر یا چاق کند و یا برای او حجم‌گونه بسازد؟

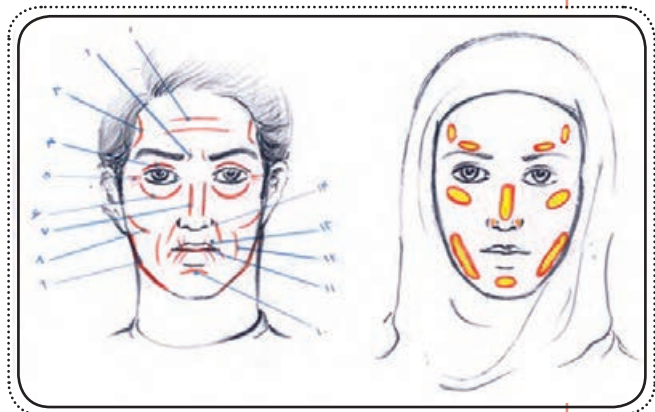
خطوط چهره:

۱- خطوط پیشانی ۲- خط چشم ۳- خط شقیقه ۴- خط کاسه چشم ۵- خطوط گوشه‌های چشم ۶- خط مدور چشم ۷- خط بینی ۸- خط گونه ۹- خط فک ۱۰- خط چانه ۱۱- خط شکاف لب ۱۲- خط ماضغه ۱۳- خطوط اطراف لب ۱۴- خط لب.

حجم‌هایی از چهره بازیرگر که باید از دور، روی صحنه مشخص باشد، شامل برآمدگی ابروان، کنار سایه شقیقه‌ها، روی پلک بالا، روی بینی، روی گونه‌ها، روی پره‌های بینی، روی چانه و روی فک است (تصویر ۵-۵).



تصویر ۴-۵



تصویر ۵-۵



۱-۲-۵- سایه و روشن زدن و ساختن حجم بر چهره: سایه و روشن در چهره پردازی نقشی اساسی برعهده دارد، زیرا با سایه و روشن می‌توان بر روی چهره، حجم ایجاد کرد. زمانی که نیاز به لاغر کردن، گود کردن، کوچک کردن، دراز کردن چهره‌ بازیکر است از رنگی تیره‌تر از فن استفاده می‌شود. رنگ سایه‌ها در نمایش شامل قهوه‌ای خالص، قهوه‌ای قرمز، قهوه‌ای دودی و قهوه‌ای زیتونی است که بر مبنای فن چهره و شخصیت مورد نظر، انتخاب می‌شود. این عمل را «سایه زدن» می‌نامند. برعکس، زمانی که به برجسته ساختن، گرد کردن و چاق کردن نیاز است، از رنگ روشن‌تر از فن صورت استفاده می‌گردد. این عمل را «روشن زدن» می‌نامند. به طور کلی، ابتدا به صورت فن زده شده، سپس سایه و روشن کار می‌شود و در مرحله بعد، ایجاد سایه و روشن روی چشم‌ها، ابروان و لب‌ها. در انتها برای ثابت نگاه داشتن چهره پردازی، پودر بی‌رنگ ثابت کننده به صورت زده می‌شود.

۲-۲-۵- فن چهره پردازی: فن چهره، رنگی است برای چهره پردازی نمایش که به صورت بازیگر زده می‌شود و شامل دو نوع خشک و چرب است. فن زدن اصطلاحی در این رابطه است. فن خشک برای تماشاخانه‌های بزرگ در نظر گرفته شده است، زیرا از مواد غلیظی ساخته شده که چهره بازیگر را از دور طبیعی نشان دهد. فن چرب نیز برای تماشاخانه‌های کوچک به کار می‌رود زیرا بهتر بر روی پوست قرار گرفته و رنگ چهره را از نزدیک طبیعی نشان می‌دهد. رنگ‌های فن نمایش بر اساس رنگ نارنجی کدر است. یک فن خوب باید دارای صفات خاصی باشد بدین معنا که روی پوست قرار گیرد (به اصطلاح روی پوست بخوابد)، دوام مناسبی داشته باشد و زیر نور نورافکن‌های صحنه، کیفیت آن تغییر نکند.

۳-۲-۵- طریقه فن زدن به چهره بازیگر: هر دو نوع رنگ با اسفنج نمناک بر چهره بازیگر از پیشانی تا گردن زده می‌شود. اسفنجی که برای این کار استفاده می‌شود نباید گرد باشد. اگر اسفنج گرد بود آن را از وسط با قیچی، دو نیم کرده، با یک قسمت سطح آن، روی چهره کار کنید تا بتوانید به خوبی تمامی نقاط چهره را رنگ بزنید.

۳-۵- قیافه شناسی

چهره انسان، بهترین تابلو برای آشکار شدن عواطف و احساسات درونی او است. بر روی این تابلو از دیدگاه قیافه شناسی مطالعات بسیار انجام شده است که به آن فیزیونومی^۱ می‌گویند. اولین بار در کشور چین به وسیله چهره خوانی یا قیافه شناسی، با بررسی چهره و اعضای آن، پی به شخصیت فرد برده، آینده، سرنوشت و گاه زمان و نوع مرگ شخص پیش بینی می‌شده است. مطالعه روی چهره از کشور چین به کشور یونان، سپس به تمام اروپا گسترش یافت و به عنوان «علم قیافه شناسی» مورد قبول واقع گردید. معروف ترین قیافه شناس، گاسپار لاواتر^۲ (۱۸۰۱ - ۱۷۴۱) از کشور سوئیس بود که روی چهره هزاران نفر مطالعه به عمل آورد و نظریه‌های بسیاری در این زمینه به چاپ رساند. او روی سر، چهره، اعضای آن، جنس مو و حتی صدای افراد پژوهش کرد. به نظر او بعضی از چهره‌ها شبیه به حیوانات و پرندگان و خزندگان هستند. لذا او عقیده داشت اگر چهره‌ای شبیه آنان باشد، خصوصیات آن حیوان، پرند و خزنده را دارا است (تصاویر ۵-۶ و ۵-۷ و ۵-۸).



تصویر ۵-۸



تصویر ۵-۷



تصویر ۵-۶

۱- Physionomie

۲- Gaspard Lavater



او عقیده داشت با دیدن یک عضو یا حالتی در چهره نمی‌توان به چهره‌خوانی یا قیافه‌شناسی پرداخت، بلکه قیافه‌شناسی را باید بر مبنای شکل چهره و دیگر اعضای آن مورد بررسی قرار داد. در نهایت علم قیافه‌شناسی را نباید خیلی جدی گرفت و به‌طور کلی می‌توان ده درصد شخصیت یک فرد را در چهره‌اش خواند. ما در اجتماع به افرادی برمی‌خوریم که بر اثر سختی زندگی به مرور زمان چهره‌ای درهم با عضلاتی منقبض شده و تصویری منفی از ایشان مشاهده می‌شود، در حالی که او انسانی بسیار شریف و پاک است. امروزه در غرب برای شخصیت‌پردازی دیگر مانند گذشته طراحی خاصی برای نشان دادن شخصیت منفی انجام نمی‌شود بلکه چهره او را کاملاً مثبت نشان می‌دهند و میمیک‌ها بیشتر بر روی حالت چشمان بازیگر متمرکز می‌شود. به منظور آشنایی کوتاه با نظرات لاووتر در این قسمت خلاصه‌ای از عقاید لاووتر شرح داده می‌شود. او عقیده دارد:

۱-۳-۵- سر:

- (الف) چنانچه خط سر مسطح باشد، شخص از نظر شعور، استعداد و قدرت در حد بسیار معمولی است.
- (ب) چنانچه خط سر برآمده باشد و کمی نیم دایره، آنگاه شخص از نظر شعور، از حد معمولی فراتر است.
- (ج) چنانچه خط سر کمی فرورفته باشد شخص باهوش، متفکر و با قدرت است.
- (د) چنانچه خط سر فرورفتگی داشته باشد، شخص هوشمند و متفکر است. فیلسوف‌ها دارای این نوع سر هستند.
- (ه) سر مخروطی شکل دارای ایده‌های خوب و مثبت است.
- (و) چنانچه سر پهن باشد و به طرف گوش، باریک شود، شخص مبتکر و دارای قدرت و خلاقیت بسیار است.
- (ز) چنانچه سر خیلی باریک باشد، شخص از نظر شعور، استعداد و قدرت ضعیف است.

۲-۳-۵- پیشانی:

- (الف) پیشانی کوتاه: شخصیت ثابت و استوار.
- (ب) پیشانی عمود که نزدیک موها کمی گرد به نظر بیاید: شخصیت باهوش، ملایم و فروتن.
- (ج) پیشانی برجسته گرد (در خانم‌ها): شخصیتی ضعیف و لجباز.
- (د) پیشانی شیب‌دار به طرف موها: شخصیت رؤیایی، دارای روحی آرام و ملایم.
- (ه) پیشانی کاملاً مستقیم، صاف، چهارگوش: شخصیت محتاط. عقل و منطق بر احساس غلبه دارد.
- (و) پیشانی چهارگوش (مربع) که بلندی آن کم و عرضش برابر چهره باشد: احساسات بر عقل و منطق غلبه دارد.
- (ز) پیشانی چهارگوش که موهای اطراف سر آن را کوچک‌تر کند و از پهنای چهره کوچک‌تر جلوه کند و کمی برجسته باشد: شخصیت پرکار (پرانرژی)، تند، عصبی و متعصب.
- (ح) پیشانی بسیار گسترده، باز، کمی از چهره جلوتر، با دو برجستگی بالای ابروان: شامل محققین و عرفا.
- (ط) پیشانی بلند کمی جلوتر از چهره در ناحیه بالای ابروان، و کمی شیب‌دار به طرف موها: شخصیت باهوش و ملایم، فروتن، دارای قدرت حافظه، نوع دوست تا سرحد فداکاری و ایثار.
- (ی) پیشانی وسیع با کمی فرورفتگی و با حالت تحدب به بالای سر کشیده شده: این افراد افکاری افراطی دارند. خلاق اند، زندگی‌شان معمولاً شبیه دیگران نیست و به شیوه خاص خود زندگی می‌کنند.
- (ک) پیشانی بلند و فراخ جلوتر از چهره با انحنا کم، در طرف موها: فرد عاقل، خوش‌قریحه، شاعر بیشه، اهل قلم، متفکر، پاکیزه نهاد و با فضیلت.



۳-۳-۵- ابروان :

- الف) ابروان به شکل مستقیم : مهربان، مثبت و سازگار.
ب) ابروان پرپشت : شخصیت ثابت، مصمم و با اراده. پرپشت به هم ریخته : با اراده و سخت گیر.
ج) ابروان با قوس هشت : فعال و جدی.
د) ابروان گرد : ملایم، فروتن و مهربان.
هـ) ابروان کمی سر پایین : خجالتی و آرام.
و) ابروان سربالا : جسور، بی باک.
ز) ابروان به هم پیوسته : فعال، برتری جو.
ح) ابروان کشیده که انتهای آن به پایین گرایش داشته باشد : رؤیایی.

۴-۳-۵- چشم ها :

- الف) چشمانی که پلک بالایی یک چهارم سیاهی چشم را بپوشاند : مهربان و مثبت.
ب) چشمانی با پلک های گوشتی : خجالتی.
ج) چشم های کمی پف آلود که پلک ها کمی سنگین است : شخص مهربان، قابل اعتماد.
د) چشم های با حرکت زیاد : عصبی، مضطرب.
هـ) چشم هایی که کم حرکت داشته باشد : شخصیت آرام، ملایم و متفکر.
و) چشم های خیره بدون حرکت : افسرده.

۵-۳-۵- لب :

- الف) لب شل و ول : شخصیت ملایم، مردد و بی اراده.
ب) لب بسیار فشرده که یک خط مشاهده شود : شخصیت فرمانروا، سرد. عقل و منطق بر احساس غلبه دارد.
ج) لب فشرده و بسته : شخصیت ثابت و محتاط.
د) لب های نیمه باز : شخصیت مردد.
هـ) لب بالایی کمی از لب پایین جلوتر : شخصیت مهربان و مثبت.
و) لب پایینی برجسته تر از لب بالایی : با جرأت و جسور.
ز) لب های گوشتی پُر : مهربان، جدی در هر زمینه.

۶-۳-۵- گونه :

- الف) در زمان غم و حسادت زیر گونه گود می شود.
ب) در زمان شادی و هیجان زیر گونه پر می شود.
ج) در زمان خشونت حالات عمودی زیر گونه ایجاد می شود.

۷-۳-۵- چانه :

- الف) چانه زاویه دار : زرنگ، مبتکر، محتاط، بانشاط.
ب) چانه فرورفته : مردد.
ج) چانه گرد برجسته : مصمم، با ثبات.
د) چانه تیز سه گوش : (بستگی به دیگر اعضای چهره دارد.) گاه حاضر جواب، نازک بین و نکته سنج، تند و تیز، و گاهی پرمکر و حیله.
هـ) چانه با چال زرخدان : شخص پر جنب و جوش و شاد.
و) چنانچه چانه خنمی پهن باشد : شخصیت مردانه.



آزمون‌های فصل پنجم

- ۱- شناخت آناتومی در چهره‌پردازی چه تأثیری دارد؟
- ۲- استخوان بندی سر از چند قسمت تشکیل شده است؟
- ۳- استخوان‌های کاسه سر را نام ببرید.
- ۴- استخوان‌های چهره را نام ببرید.
- ۵- کار عضلات جوونده چیست؟
- ۶- کار عضلات پشت سری چیست؟
- ۷- عضله پیشانی زمانی که منقبض شود، به چهره چه حالتی می‌دهد؟
- ۸- کار عضله شیپوری چیست؟
- ۹- انقباض عضلات چهارگوش چانه، چه حالتی به چهره می‌دهد؟
- ۱۰- انواع شکل چهره را نام ببرید.
- ۱۱- بر روی یک طراحی، خطوط چهره را با ذکر نام آنها رسم کنید.
- ۱۲- گاسپار لاواتر که بود و چه نظراتی داشت؟
- ۱۳- از نظر لاواتر ابروان به شکل مستقیم، معرف چه شخصیتی است؟



چهره پردازی

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- خاستگاه هنر چهره‌پردازی در نمایش را بیان کند.
- ۲- تاریخچه به کارگیری چهره‌پردازی در نمایش را بیان کند.
- ۳- کاربرد چهره‌پردازی در نمایش‌های غربی را توضیح دهد.
- ۴- رابطه چهره‌پردازی و نمایش واقعیت‌گرا را شرح دهد.
- ۵- شبیه‌سازی در چهره‌پردازی را توضیح دهد.
- ۶- کاربرد چهره‌پردازی در سینما و تلویزیون را به طور مختصر بیان کند.
- ۷- تأثیرات نور بر چهره مجری در تلویزیون را بنویسد.
- ۸- گرم صورت بازیگر را براساس شخصیت نقش انجام دهد.





۱-۶- تاریخچه چهره پردازی در نمایش

در یونان باستان، تس پیس نه تنها مبتکر صورتک برای نمایش های تراژدی بود بلکه اولین هنرمندی بود که در مسابقات نمایش در جشنواره دیونیزوس، چهره بازیگرانش را با دُرد و برگ درختان آرایش کرد. در یونان و روم باستان همان گونه که شرح داده شد، بازیگران به دلایلی از صورتک استفاده می کردند. چهره پردازی در حد بسیار ابتدایی را در قرون وسطی در درام های مذهبی می توان یافت. بازیگران همه مرد بودند. داستان نمایش، زندگی حضرت مسیح و قدیسان بود. قدیسان بر چهره آرد مالیده و از ریش و موهای بلند سفید مصنوعی استفاده می کردند. چهره فرشتگان نیز سفید بود. شیطان گاه صورتک و گاه رنگ سیاه بر چهره داشت. در قرن شانزدهم میلادی در نمایش های کمیدالآرته، شخصیت های طبیعی (عشاق) چهره را سفید می کردند و لوده های این دوره از پوست و پشم حیوانات برای خود پوسته سر طاسی و ریش و سبیل می ساختند. از زمانی که نمایش از فضای بیرونی به فضای درونی آورده شد، به علت نبود وسیله روشنائی صحنه، بازیگران مجبور بودند چهره ها را با آرد سفید کنند. در قرن هفدهم میلادی در کشور فرانسه، مولیر^۱، بازیگر و نمایشنامه نویس معروف فرانسوی، از چهره پردازی استفاده می کرد. بازیگران با مالیدن آرد یا پودر بر چهره و رنگ آمیزی گونه ها و لب ها ایفای نقش می کردند. بازیگران مرد کلاه گیس های بزرگ و بلند مجعد قهوه ای و قرمز بر سر گذاشته، ریش و سبیل کوچک بر صورت داشتند. در قرن هجدهم میلادی در کشورهای فرانسه و انگلستان، بازیگر زن، نخست نوعی خمیر سفید بر چهره مالیده و با رنگ روغنی قرمز، گونه ها و لب را رنگ آمیزی می کرد. سپس کلاه گیس های بسیار بزرگ را به کار می برد و روی کلاه گیس، پودر سفید می زد.

در آن دوران انواع پودرهای رنگی و معطر موجود بود. بازیگر مرد نیز از همان خمیر و پودر استفاده می کرد و ریش و سبیل مصنوعی می گذاشت. در قرن نوزدهم میلادی در کشور فرانسه بازیگران زن و مرد از پن کک استفاده می کردند. برای تغییر شخصیت، پن کک با رنگ های مختلف موجود بود. بازیگر مرد کلاه گیس و ریش و سبیل مصنوعی به کار می برد. در اوایل قرن بیستم با راه یافتن نور بر صحنه و استفاده از برق، تحولی در صحنه به وجود آمد. مابین دو جنگ جهانی، بازیگران چهره را بدون روشی خاص مانند گذشته چهره پردازی می کردند. در سال های سی و چهل میلادی چهره پردازی به شکل امروزی ابداع شد و کارخانه های لشنر^۲، ماکس فاکتور^۳ و غیره، لوازم چهره پردازی برای تئاتر و سینما ساختند و روز به روز بر تنوع لوازم جدید، برای بهتر و طبیعی تر نشان دادن چهره بازیگر مقابل دوربین و صحنه تئاتر افزوده شد.

در دوره قاجاریه، شاهد نفوذ نمایش غرب در ایران هستیم. آثار مولیر در این دوره ترجمه می شود و اولین شرکت نمایشی به نام «فرهنگ» تأسیس می گردد. پس از مشروطیت، با به هم پیوستن هنرمندان و نویسندگان، اولین گروه نمایشی عصر حاضر با نام «تئاتر ملی» تأسیس گردید. به طور کلی مشاهده می شود که از آغاز قرن بیستم میلادی فعالیت های نمایشی در ایران رواج بیشتری می یابد. در این دوران چهره پردازی، روش خاصی نداشته و اغلب بازیگران، خود، رنگ های زمینه صورت را با چربی و رنگدانه ها درست می کردند. از دهه ۱۳۴۰ ه.ش لوازم چهره پردازی از خارج وارد و چهره پردازی با لوازم و روش های جدید ارائه می گردد.

از مراسم نمایش های کهن ایرانی می توان به نمایش های شادی آور دوران صفوی مانند: میرنوروزی، نوروزی خوانی، آتش افروز، غولک، کچلک بازی و غیره اشاره کرد که اغلب از چهره پردازی استفاده کرده اند. کچلک بازی توسط لوطی های کچل محل اجرا می شود. اگر سر طاس نبود، آن را طاس می کردند. در نمایش های بقال بازی از پشم حیوانات، ریش و سبیل ساخته می شد و برای مُسن جلوه دادن، بازیگران آرد به سر می مالیدند. در تمام این نمایش ها بازیگران مرد بودند. پسران جوان، چهره را با سفیدآب، سفید می کردند. چشم و ابروان را سرمه می کشیدند و گونه و لب هایشان را قرمز کرده، کلاه گیس زنانه بر سر می گذاشتند و نقش زن را ایفا می کردند. خوشبختانه امروزه حاجی فیروز با چهره سیاه و لباس رنگی در مناسبت ویژه خود در شهر حضور می یابد. دیدن او، شادی، زندگی دوباره و تاریخ کهن ما را به ما القا می کند. در نمایش شاد سنتی روحوضی یا تخته حوضی که در گذشته های دور (در مراسم عروسی و جشن ها) اجرا



می‌گردید، بر پایهٔ بداهه‌پردازی بازیگران، مسائل و مشکلات زندگی مردم را انعکاس می‌دادند. بازیگر اصلی نمایش، سیاه است که برگرفته از شخصیت‌های نوروزخوانی و میر نوروزی در دوران گذشته است. او چهرهٔ خود را با دودهٔ چوب یا سوخته‌های چوب پنبه، سیاه می‌کرد (تصویر ۱-۶).

در شبیه‌خوانی یا تعزیه که نمایش‌دهندهٔ رویدادهای فاجعهٔ تاریخی کربلا (شهادت امام حسین (ع) و پیروانش به دست سپاهیان یزید) است، ایفای نقش زنان به عهدهٔ شبیه‌خوانان مرد است. چهره‌پردازی تا حدودی در این نوع نمایش به کار می‌رود مانند گل مالیدن بر سر و روی، رنگ قرمز برای نشان دادن خون بر سر و روی، چهرهٔ شیطان به رنگ قرمز، و مالک دوزخ و جنیان، خالدار و غیرعادی نشان داده می‌شود (تصویر ۲-۶).



تصویر ۲-۶



تصویر ۱-۶

۶-۲- چهره‌پردازی و شخصیت‌پردازی در نمایش

اصل و ریشهٔ پرسونالیت^۱ به معنای شخصیت و پوشش (صورت‌ساختگی) و پرسوناژ^۲ به معنای شخصیت نمایش است. در طول تاریخ، دانشمندان نظریات خاصی در مورد «شخصیت» داشته‌اند و اغلب بین شخصیت و شخص فرق گذاشته‌اند. آنها بر این باورند که انسان دارای دو ساختار ظاهری و برونی و معنوی یا درونی است. شخصیت ظاهری و برونی، تحت تأثیر محیط‌های طبیعی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. در طرف دیگر شخصیت درونی و معنوی ذات انسان قرار دارد که آن را روح، جوهر یا نفس می‌نامند.

پرسوناژ، شخصیت نمایش یا شخصیت معنوی همان صورتک دوران یونان و روم باستان است که بازیگر برای هر یک از نقش‌ها با صورتکی به بازی آن می‌پرداخت. امروزه چهره‌پردازی جایگزین این روش شده است.

بازیگر پس از خواندن متن نمایش، با شخصیت نمایش که باید آن را اجرا کند آشنا می‌شود. سپس شخصیت نمایشی را از نظر ظاهری و احساسات و عواطفی که باید بر روی صحنه ارائه دهد با دقت مطالعه می‌کند. او سعی می‌کند در عواطف و احساسات، نحوهٔ تفکر، عکس‌العمل و شیوهٔ رفتار او سهیم شود. هدف بازیگر آن است که شخصیت خود را در قالب شخصیت نمایشی نادیده گرفته و از بین ببرد. گاه بازیگر کمی از شخصیت نمایش فاصله می‌گیرد. در این موقع او در صدد یکی‌پنداری دقیق عاطفی نیست و بیشتر متوجه کشف صفات جسمانی و گفتاری متناسب با شخصیت است نه زوایای پنهانی روحش.

از قول بازیگر پر آوازه، سر لارنس اولیویه^۳ گفته شده است که یافتنِ بینی مناسب، کلید حل معمای یک شخصیت نمایشی برای او بوده است. گاه بازیگر برای اجرای یک شخصیت نمایشی به یک سلسله از مهارت‌ها مانند ژست‌های قراردادی و سنتی سروکار دارد؛ مانند نمایش کابوکی، نمایش چین، و کاتاکالی هند. در تئاتر غرب این رابطهٔ بازیگر با شخصیت نمایش را می‌توان در لال‌بازی



مارسل مارسو^۱ مشاهده کرد.

چهره پرداز آگاه است که ظاهر فرد تا حدودی نمایانگر باطن اوست. چهره جزئی از ارگانسیم جسم است که در معرض دید قرار دارد. این قسمت بازگو کننده درون و ذات محسوب می شود. چهره پرداز برای نمایش در نقش آفرینی، با ظرافت این پیوستگی را با شخصیت بخشیدن ظاهری به چهره، و با برجسته کردن حالات و میمیک بازیگر میسازد. چهره پرداز زمانی موفق است که بازیگر این پیوستگی را با دیدن خود در آینه احساس کند. در آن صورت، شخصیت ساخته شده بر چهره، که ظاهر و شخصیت برونی نمایشی است با حس او ادغام شده و او شخصیت ثابت و واحدی را ارائه می دهد؛ این یعنی هماهنگی مابین ظاهر و باطن. چهره پرداز با آگاهی به این که هر چهره دارای حالات خاص خود است و در آن چهره بازیگر را به دقت بررسی کرده، بر حسب شخصیت نمایش، حالات و حرکات چهره او را تقویت می کند. تمام سعی و کوشش چهره پرداز این است که ظاهر شخصیت نمایش را با ظاهر چهره بازیگر تلفیق کند. و وظیفه بازیگر آن است که با تلاش، این شخصیت نمایشی را ماهرانه به تماشاگر ارائه دهد.

۱-۲-۶- شخصیت نمایشی

۱-۱-۲-۶- **لاغر کردن:** بعد از فون زدن، سایه های صورت را ابتدا در کناره های شقیقه ها ایجاد کرده و سپس بینی را با سایه، باریک و بلند می نمایانند. سپس خطوط مدور چشم و کاسه چشم و خط لب ایجاد می شود. سایه گونه ها به صورت شیب دار و ابروها مطابق با شخصیت مورد نظر اجرا می گردد. روشنی ها نیز هماهنگ با حجم های ایجاد شده ایجاد می شود (تصویر ۳-۶).

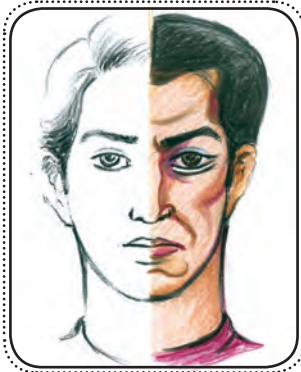
۱-۲-۲-۶- **چاقی:** اگر چهره بازیگر گرد نباشد، با سایه ها شکل صورت را به شکل گرد نزدیک می کنیم. سایه ها در رستنگاه موها، زیر بینی و زیر چانه ایجاد می شود. ابرو، چشم و خط لب، گرد و لب ها کوچکتر ترسیم می گردد (تصویر ۴-۶).

۱-۳-۲-۶- **منفی:** چشم و ابرو را به هم نزدیک کرده، خط لب بازتر از حد معمول ایجاد می شود. سایه های شقیقه ها عمود بر ابروان رسم می گردد. گوشه های لب به پایین کشیده می شود و زیر لب عضله مربع چانه را مشخص می سازند. گونه ها بالاتر از حد معمول خود ایجاد می شود (تصویر ۵-۶).

۱-۴-۲-۶- **مثبت:** فاصله چشم و ابرو را از هم زیاد کرده و خط لب گرد ایجاد می شود. گوشه های لب به بالا کشیده می شود (تصویر ۶-۶).



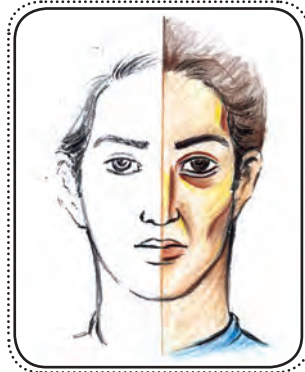
تصویر ۶-۶



تصویر ۶-۵



تصویر ۶-۴



تصویر ۶-۳

۱-۵-۲-۶- **معتاد:** فن را کمی متمایل به خاکستری کرده، با رنگ قهوه ای دودی سایه ایجاد می شود. پلک ها را دودی



زرشکی کرده و چشم و ابرو (ابروها به صورت افتاده) را از هم باز می‌کنند. لب‌ها با زرشکی دودی رنگ آمیزی شده و به صورت افتاده کار می‌شود (تصویر ۶-۷).

۶-۱-۲-۶- بیمار: فن را متمایل به زرد کرده، با سایه‌ها صورت را ابتدا لاغر می‌کنند. ابروان، گوشه‌های چشم و گوشه‌های لب را به صورت افتاده ایجاد می‌کنند (تصویر ۶-۸).

۶-۱-۲-۷- روشن پیر کردن تا ۵۰ سالگی: سایه‌های شقیقه‌ها را ایجاد کرده، خط لب و سایه‌های گونه به صورت افتاده ایجاد می‌شود. سپس خطوط مدور چشم را مشخص می‌سازند. در دو طرف چانه، دو خط کوتاه به صورت عدد ۸ با سایه ایجاد می‌شود. خطوط روی پیشانی را رسم می‌کنند. در این سن، موها را کمی سفید کرده؛ خطوط ریز اطراف چشم نیز رسم می‌گردد (تصویر ۶-۹).



تصویر ۶-۹



تصویر ۶-۸



تصویر ۶-۷

۶-۲-۲- نژادهای مختلف:

۶-۲-۲-۱- سفید پوست (اروپایی): فن چهره در گروه رنگ صورتی روشن کار شود، گونه‌ها مشخص شده و بینی کوتاه می‌گردد. اطراف چشم‌ها با آبی یا سبز کم رنگ، رنگ آمیزی شده، ابروان را به رنگ قهوه‌ای روشن یا زرد در می‌آورند. لب با رنگ صورتی ملایم و کمی باریک ایجاد می‌شود. از کلاه گیس‌های طلایی برای این نژاد می‌توان استفاده کرد (تصویر ۶-۱۰).

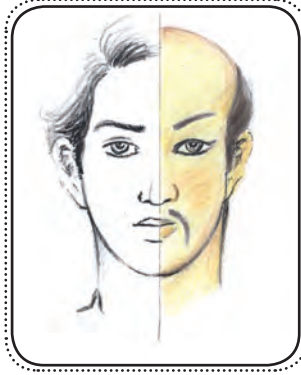
۶-۲-۲-۲- سیاه پوست: فن را به قهوه‌ای دودی متمایل کرده و سایه‌ها را از رنگ فن تیره‌تر در نظر می‌گیرند. گونه‌ها را مشخص ساخته، بینی را پهن و پره‌های بینی را مشخص می‌کنند. چشم‌ها را گرد و ابروان را تیره می‌کنند. لب‌ها درشت‌تر می‌گردد و از موهای فردار سیاه استفاده می‌شود (تصویر ۶-۱۱).

۶-۲-۲-۳- زرد پوست: فن را کمی مایل به زرد کرده با آن روی ابروها را می‌پوشانند. در اطراف چشم‌ها روشنی ایجاد کرده و خطوط چشم را همانند ابروان، سربالا اجرا می‌کنند. لب‌ها کوچک‌تر و از سبیل و ریش کم پشت برای آقایان استفاده می‌گردد (تصویر ۶-۱۲).

۶-۲-۲-۴- سرخ پوست: فن را کمی متمایل به قرمز- نارنجی می‌سازند. گونه‌ها را مشخص و برجسته و بینی را عقابی یا پهن ایجاد می‌کنند. ابروها را تیره رسم کرده، از نقوش خاص قبایل سرخ‌پوست جهت رنگ آمیزی استفاده می‌کنند. از کلاه گیس و سربند نیز استفاده می‌شود (تصویر ۶-۱۳).



تصویر ۱۳-۶



تصویر ۱۲-۶



تصویر ۱۱-۶



تصویر ۱۰-۶

۳-۲-۶- نمایش کلاسیک^۱: در این سبک نمایش، مظاهر خوبی، راستی، توانایی، شجاعت، بخشایش،

مهربانی، نیکوکاری، گذشت کردن و نجابت، بر جهل، نادانی، خیانت، پستی، دروغ و تزویر پیروز می‌شود. چهره‌ها درشت و عضلانی اجرا می‌شود. سایه و روشن‌ها بر مبنای رنگ‌های لباس، بر چهره انجام می‌گیرد. در نمایش‌های اسطوره‌ای مانند پرومته در زنجیر، موهای شخصیت طلائی یا نقره‌ای رنگ‌آمیزی می‌گردد. بر روی سر، لای موها و بالای گوش‌ها، شاخ کوچکی به رنگ طلائی یا نقره‌ای نصب می‌شود.

امروزه نمایش‌های کلاسیک اغلب با صورتک‌های نیمه یا کامل از جنس چرم کار می‌شود و گاهی نیز از چهره‌پردازی تلفیقی برای چهره‌ها استفاده می‌کنند و روی موها رنگ‌آمیزی می‌شود.

۴-۲-۶- نمایش رومانتیک^۲: نویسندگان این سبک هیچ‌گاه مردم‌را آن‌گونه که بودند توصیف نمی‌کردند، بلکه آن‌چنان که باید باشند ترسیم می‌کردند. از این رو، این سبک در برابر واقع‌گرایی قرار می‌گیرد. حوادث و تضادهای زندگی بشر همراه با تفکرات و تخیلات آدمی ارائه می‌گردد و اغلب بیان احساسات و ارائه حالات شاعرانه، بخش مهمی را تشکیل می‌دهد. نمایش عظمت و نکبت، والایی و پستی، غم و شادی، به شکلی تنیده در جریان وقایع به نمایش گذاشته می‌شود.

چهره‌پردازی در این سبک نمایش بر مبنای دکور، لباس و نور انجام می‌پذیرد. از رنگ‌های کم‌رنگ استفاده می‌شود. در این سبک از نمایش، صحنه‌ها و چهره‌ها باید مانند تابلویی رؤیایی جلوه کند.

۵-۲-۶- نمایش واقعیت‌گرا یا رئالیسم^۳: از دیدگاه فلسفی، سبک واقع‌گرایانه به «دیدن حقیقت همانگونه که هست» تعبیر شده است. در این نمایش، زندگی فردی و اجتماعی آن‌طور که هست عرضه می‌شود، نه آن‌گونه که فکر می‌کنیم باید باشد. در این سبک همیشه پیروزی با خوبی‌ها نیست، بلکه مانند وقایع زندگی، گاه آنچه که دلخواه و مورد تأیید تماشاگر نیست نیز واقع می‌گردد. تمام شخصیت‌ها، شخصیت اصلی نمایش هستند. چهره‌پردازی در این روش سعی در نشان‌دادن شخصیت‌هایی کاملاً طبیعی دارد. نمایش معمولاً در تماشاخانه‌های متوسط اجرا می‌شود. برای چهره از فن‌های چرب استفاده می‌شود که چهره طبیعی‌تر جلوه کند. به هیچ وجه برای موی و ریش و سبیل از کاموا و طناب استفاده نمی‌شود. چهره‌پرداز موظف است که بیشتر به تقویت حالات صورت بازیگران کمک کند.

۶-۲-۶- نمایش طبیعت‌گرا یا ناتورالیسم^۴: در این سبک، نویسندگان حوادث و وقایع زندگی را با تمام جزئیات، خوبی‌ها، زشتی‌ها و ناکامی‌ها بر صحنه نشان می‌دهند. این سبک نمایش را مکمل نمایش واقع‌گرا می‌دانند. صحنه و لباس با رنگ‌های سرد اجرا می‌شود. طراح چهره‌پرداز نیز برای شخصیت‌های نمایش رنگ‌های سرد را انتخاب می‌کند. گاه برای شخصیت‌های اصلی چهره‌های



تکیده، لاغر و رنگ پریده انتخاب می شود.

۶-۲-۷- نمایش نمادگرا یا سمبولیسم^۱: به اعتقاد نویسندگان این سبک، نمایش باید وسیله نجات و رستگاری انسان باشد و تأثیری همانند تأثیر مذهب، بر روح و روان آدمی داشته باشد، از نظر آنان واقعیت دنیای خارج، چیزی بی اهمیت بوده و واقعیت حقیقی تر در چیزهای درونی، مذهبی و مرموز نهفته است، ولی چنین واقعیتی را نمی توان مستقیماً از راه گفتار، عمل و صحنه پردازی ارائه کرد، بلکه باید از نمادها و اسطوره ها استفاده کرد. رنگ ها نقش اساسی در چهره پردازی دارند. مفاهیم رنگی و تأثیر روانی رنگ در صحنه و اثر آن بر تماشاگر از موارد بسیار با اهمیت این سبک نمایش است. رنگ دارای مفاهیم خاصی است. محتوای اصلی، رابطه نور و ظلمت است. نور و ظلمت در اساطیر ایرانی، چینی، خاورمیانه ای و در نزد سرخ پوستان و... دو نیروی متخاصم خیر یا خوبی و شر یا بدی عنوان شده اند.

در این سبک نمایش، صورتک ها به عنوان نماد، استعاره و تمثیل ارائه شده و به صورت کامل، متوسط و نیمه مورد استفاده قرار می گیرند.

۶-۲-۸- نمایش بیانگرا یا اکسپرسیونیسم^۲: در این سبک، نویسندگان علاقمند به تصویر کردن حالات عذاب آور، ناخوش و اغلب نزدیک به جنون شخصیت های اصلی بودند. نشان دادن شخصیت های تنها، سرخورده و درون گرای از جهان بیگانه، از ویژگی های این سبک از نمایش است. این گونه از نمایش، بازیگری را می طلبد که بتواند احساسات، تمایلات و تأثیرات درونی خود را از طریق حرکات مناسب و حالات چهره به تماشاگر القاء کند. طراح چهره پرداز سعی می کند با رنگ ها؛ سایه ها و خطوط، تأثیرات درونی را بر چهره بازیگر بازگو کند. سایه ها اغلب با رنگ های بنفش آبی، زرشکی آبی، و آبی دودی ایجاد می شود.

۶-۲-۹- نمایش فراواقعیتگرا یا سورئالیسم^۳: این سبک از نمایش تا حدودی شبیه به رومانتیک است، با این تفاوت که در سبک رومانتیک، تخیل محدود ولی در این نمایش، نامحدود و بی نهایت است. تماشاگر را به واقعیتی فراتر از زندگی واقف می سازد. از صحنه های رؤیایی، عجیب و غریب و نورهای رنگی، سر و صداها موسیقایی جهت تسخیر روح تماشاگر استفاده می کند تا او را به دنیایی رؤیایی و خیالی بکشاند. طراح چهره پردازی برای چهره ها از رنگ های گوناگون مات و براق، صورت های بزرگ و کوچک و موهای رنگی استفاده می کند.

۶-۲-۱۰- نمایش گروتسک^۴: گروتسک دارای معانی بسیاری است مانند خوفناک، ناهماهنگ، افراطی، طنزآمیز، طعنه آمیز، ترس آور و کاریکاتور. بارزترین خصیصه گروتسک، عنصر ناهماهنگی است. گروتسک با ظاهری خنده آور، محتوایی خوفناک و ترس آور را دربردارد. پس از مشاهده اثر، نخست در فرد نشاط و خنده ایجاد می شود. طراح چهره پرداز، سعی می کند از خلال هماهنگی های اجزای چهره و بدن بازیگر، ناموزونی ها و عدم تناسب ها را دربابد و با کمی اغراق آنها را برجسته تر کند. برای مثال: بینی درازتر و یا گردتر. و به طور کلی برای تک تک اعضای چهره نیز این عمل را انجام می دهد. استفاده از رنگ برای ایجاد تضاد در چهره است. گاه رنگ های شاد را در مقابل رنگ های سرد قرار می دهد. صورتک های کوچک و بزرگ با نقش های ناهماهنگ و کاریکاتور مانند برای بازیگر به کار می رود. این ناهماهنگی نه تنها بر چهره، گاه بر بدن نیز انجام می شود، مانند پایی بی نهایت بزرگ، یا یک چاقی اغراق آمیز و یا یک شکم بی نهایت برآمده.

۶-۲-۱۱- نمایش پوچی^۵: نویسندگان این سبک معتقد بودند اگر زندگی بی معنا و پوچ است، این پوچی را فقط می توان به کمک شکلی همان قدر پوچ و بی معنا بیان کرد. ناامنی، بی ریشه گی، بی تفاوتی و پوچی از ویژگی های این نمایش است.

طراح چهره پردازی برای این نوع نمایش بر حسب نقش و ماهیت شخصیت ها دو نوع طرح ارائه می کند. گاه چهره شخصیتی را حقیقی طراحی می کند و گاه در مقابل، شخصیتی را با چهره پردازی تلفیقی.



۳-۶- چهره بردازی برای سینما و تلویزیون

۱-۳-۶- مختصری از چهره بردازی برای سینما : طراح چهره برداز، برای شخصیت بردازی، این موارد را باید در نظر بگیرد. آشنایی با سبک و نوع فیلم، نژاد، ملیت، زمان، مکان، روان شناسی (شخصیت)، نوع فیلم، حرکت دوربین، اندازه نما، آشنایی با رنگ دکور، لباس، عناصر صحنه و زیبایی شناسی. به همین جهت، طراح چهره بردازی برای ارائه کاری صحیح، لازم است از ذهنیت کارگردان و فیلم بردار در مورد کاری که می خواهد انجام بگیرد اطلاع حاصل کند. به طور کلی طراح چهره برداز، پس از آگاهی از خواسته کارگردان، در طول فیلم برداری باید با فیلم بردار در ارتباط باشد و با توجه به نظرات آنها، و همچنین ملاحظه طراحی نور، حرکات و زوایای دوربین و بازیگران، طرح های متناسب را اجرا کند. انتخاب فن چهره بازیگر دارای اهمیت بسیاری است. نخست رنگ چهره بازیگر مطرح است. آن گاه منبع نور که به لحاظ خارجی بودن نما و یا داخلی بودن آن، اهمیت دارد.

هر چهره علاوه بر رنگ اصلی، دارای رنگ مایه های مختلف است :

الف) چهره با پوست روشن دارای رنگ مایه های قرمز، آبی و سایه های بنفش آبی کم رنگ است.

ب) چهره با پوست گندمگون دارای رنگ مایه اُکر، صورتی و زیتونی با سایه های زیتونی دودی یا قهوه ای است.

ج) چهره با پوست سبزه دارای رنگ مایه اُکر، زیتونی، زرد کم رنگ با سایه های زیتونی دودی است.

د) چهره با پوست سبزه تیره دارای رنگ مایه های زیتونی، زرد یا بنفش با سایه های زیتونی دودی یا بنفش است.

امروزه برای فن بازیگر از فن های مایع استفاده می شود، چون رنگ جذب پوست می شود و چهره را طبیعی تر نشان می دهد. برای کلوزآپ (نمای بزرگ) چهره، علاوه بر انتخاب صحیح فن چهره بازیگر، باید رنگ مایه های بسیار ظریف بر چهره کار شود. به طور کلی فن های سینما کدر هستند و با تأثیر فرق بسیار دارند.

طریقه فن زدن به چهره نیز با زدن فن در چهره بردازی برای تئاتر متفاوت است. فن چهره با اسفنج نمناک از بالای چهره، پیشانی شروع به شکل نیم دایره آرام روی چهره ایجاد می شود و در بعضی نواحی زیگزاگ، مانند خطوط اطراف لب، تمام چهره، گوش ها، گردن، بناگوش، پشت گردن، دست ها. برای سایه و روشن از اسفنج استفاده می شود : یک اسفنج برای سایه زدن و یک اسفنج برای ایجاد روشنی. در چهره بردازی برای دوربین به طور کلی خط نباید وجود داشته باشد. از رنگ های سفید و سیاه استفاده نمی شود. برای رنگ سفید از رنگ شیری یا عاجی و از دودی تیره به جای سیاه. برای مدل دادن به ابروان با قلم موی ظریف، تک مو اضافه می شود. سایه های چهره بر اساس رنگ چهره یا فن ایجاد می گردد. معمولاً از رنگ های دودی، قهوه ای دودی، قهوه ای تیره و غیره استفاده می شود. برای نمای بزرگ سایه ها از فن یک تا دو درجه تیره تر و برای روشنایی، از فن یک تا دو درجه روشن تر استفاده می شود. ریشه مژه ها نقطه چین شده و نقطه چین ها با قلم مو تبدیل به سایه می شود. ریمل بدون رنگ برای حالت دادن به مژگان استفاده می شود. سعی می شود لب ها طبیعی نشان داده شوند. در خاتمه پودر بی رنگ به تمام چهره زده می شود. باید دقت شود پودر ابروان و مژه ها، اطراف مو و ریش و سبیل را آغشته نکند. امروزه با فیلم برداری با دوربین های دیجیتال چهره بردازی باید ظریف و دقیق تر از گذشته اجرا شود.

۲-۳-۶- چهره بردازی برای تلویزیون : چهره بردازی در این مورد مانند سینما، به شکلی ظریف و دقیق انجام می شود.

رنگ های فن کدر هستند. در مقابل دوربین تلویزیون، برای انتخاب رنگ چهره باید دقت فراوان شود. چون رنگ ها شدت پیدا می کنند، لذا برای دکور، لباس و چهره و صورتک نباید از رنگ های درخشان استفاده کرد؛ مانند قرمز، نارنجی، زرد و سبز درخشان. اگر لازم باشد که این رنگ ها به کار گرفته شود، باید رنگ ها را کدر کرد. چهره بردازی بازیگران تله تئاتر نیز همانند چهره بردازی تلویزیون انجام



می‌پذیرد. برای چهره‌پردازی مجری تلویزیون برای مثال (مجری اخبار) باید موارد ذیل به کار گرفته شود :
الف) شناخت چهره.

ب) متعادل‌سازی بر چهره انجام شود.

ج) تا حدودی چهره لاغر مجری چاق شود.

د) تا حدودی چهره چاق مجری لاغر شود.

هـ) چهره، با نشاط نشان داده شود.

و) هماهنگی مو، ریش و سبیل با فرم چهره.

ز) هماهنگی چهره مجری با رنگ دکور، لباس.

برای نورپردازی روی چهره، نور تخت استفاده می‌شود. نور تخت چهره را شاد و چهره لاغر را کمی چاق و تخت نشان می‌دهد.

برای این نور حتماً باید گونه‌ها فن زده شوند.

۳-۳-۶- شبیه‌سازی : برای نمایش سریال یا فیلم سینمایی که شخصیتی تاریخی را بخواهند نشان دهند، باید بازیگری انتخاب

شود که قد، چهره و اعضای آن شبیه شخصیت نمایش باشد. اگر شخصیت دارای چهره‌ای مستطیل، مربع یا مثلث شکل باشد، چهره بازیگر باید نزدیک به این شکل‌ها باشد. فاصله چشم‌ها از هم، از ابروان، به خصوص مدل بینی حائز اهمیت است. چهره‌پردازی می‌تواند تا حدودی این موارد را رفع کند. مدل بینی، فک و برآمدگی بالای ابروان می‌تواند با حجم‌سازی آماده شود. چهره‌پردازی، خود باید در این زمینه تحقیق به عمل آورد و روی چهره، مدل ریش و سبیل و موها مطالعه کند. چهره شخصیت نمایش را تمام رخ و نیم‌رخ در نظر بگیرد تا اگر نیاز به حجم‌سازی باشد، از چهره بازیگر با پودر آلژینات قالب گرفته شود و سپس از روی آن قالب، قالب مثبت تهیه شود، و بر قالب مثبت مدل بینی یا فک ساخته شود تا دوباره قالب‌گیری انجام گردد. اگر گریم برای نمایش صحنه‌ای باشد با لاتکس می‌توان کار را آماده کرد ولی برای تلویزیون و سینما از موادی که کار ظریف‌تری طلبد باید بهره برد، مانند لاتکس کفی^۱ و دیگر مواد جدیدی که روز به روز از کارخانه‌های لوازم چهره‌پردازی تولید و به دنیای هنر معرفی می‌گردد.



آزمون های فصل ششم

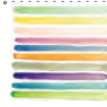
- ۱- چه کسی را اولین مبتکر صورتک در نمایش های تراژدی می دانند؟
- ۲- در قرن هجدهم میلادی در کشورهای فرانسه و انگلستان چهره پردازی بازیگر زن چگونه بود؟
- ۳- در قرن هجدهم میلادی کشورهای فرانسه و انگلستان، چهره پردازی بازیگر مرد چگونه بود؟
- ۴- در کدام دوره شاهد نفوذ نمایش غرب در ایران هستیم؟
- ۵- نمایش های شادی آور دوره صفوی را نام ببرید؟
- ۶- در نمایش سنتی تخته حوضی بازیگر سیاه با چه ماده ای صورت خود را سیاه می کند؟
- ۷- دو ساختار شخصیت انسان را نام ببرید.
- ۸- چهره پردازی در نمایش کلاسیک چگونه انجام می گیرد؟
- ۹- چهره پردازی در نمایش گروتسک چگونه انجام می شود؟
- ۱۰- در چهره پردازی سینما رنگ مایه های مختلف فن را منطبق با رنگ پوست توضیح دهید.
- ۱۱- مواردی که برای چهره پردازی مجری تلویزیون باید در نظر گرفت چیست؟

طراحی، متعادل و نامتعادل سازی

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- شخصیت مورد نظر را بر روی کاغذ طراحی کند.
- ۲- طراحی ارائه شده روی کاغذ را رنگ‌آمیزی کند.
- ۳- حالت‌های خاص شخصیت مورد نظر را بر روی کاغذ، طراحی و رنگ‌آمیزی کند.
- ۴- صورت بازیگر را برای اجرای چهره‌پردازی آماده کند.
- ۵- صورت بازیگر را با چهره‌پردازی ساده، متعادل سازد.
- ۶- صورت بازیگر را با چهره‌پردازی ساده، نامتعادل سازد.
- ۷- چهره‌پردازی صورت بازیگر را به صورت مطلوب پاک کند.
- ۸- ابزار و وسایل و مواد چهره‌پردازی را تمیز و مرتب کند.





۱-۷- طراحی چهره پردازی روی کاغذ

آشنایان با نقاشی و طراحی، چهره پردازی را بسیار سریع فرا می گیرند، زیرا با رنگ، کاربرد آن و به دست گرفتن قلم مو آشنا هستند. اگر با این هنرها آشنایی ندارید، باید تمرین هایی جهت نرم و روان کردن دست و انگشتان خود انجام دهید. در مواقع بیکاری، اگر راست دست هستید با دست راست و اگر چپ دست هستید با دست چپ، با مداد بر روی کاغذ، خط های مختلفی مانند نیم دایره و برعکس آن و خط های هفت و هشت افقی و عمودی، رسم کنید. این تمرین ها را می توانید روی روزنامه های باطله انجام دهید. خمیر بازی کودکان را تهیه کرده با کمی وازلین مخلوط و آن را کمی نرم کرده و آن را با دست خود شکل بدهید. این تمرینات باعث می شود که به اصطلاح، دست نرم شود. یک جعبه آبرنگ و مداد رنگی تهیه و تمرین را شروع کنید. بر روی کاغذ، خط هایی رسم کرده، کنار آن را هاشور بزنید. با قلم مو از جعبه آبرنگ، رنگی برداشته، خطی کشیده و آن را به سایه تبدیل کنید. از این طریق تا حدودی با رنگ ها، کیفیت کار با آنها و به دست گرفتن قلم مو آشنا می شوید. مبحث کالبدشناسی را مطالعه کرده، در مقابل آینه با مداد چرب آرایشی، عضلات یک طرف چهره خود را ترسیم کنید و به صورت خود حالت بدهید. جهت درک تفاوت ها و شناخت بیشتر این رشته، چهره افراد منزل را از نظر شکل و حالات و کالبدشناسی، بررسی کنید. در خیابان، اتوبوس و سایر مکان های عمومی، چهره افراد مسن را مطالعه کنید، زیرا خطوط پیری در افراد مختلف تا حدودی متفاوت است. در روزنامه ها و مجله ها، اگر تصویر فردی پیر را مشاهده کردید، آن را بریده و در دفتری بچسبانید و سپس روی آنها مطالعه کنید. به کتابفروشی ها مراجعه و کتاب های طراحی حیوانات را خرید، بررسی کنید؛ گل ها را نیز از نظر رنگ و شکل مطالعه کنید. اگر با خانواده به سفر می روید، سعی کنید از چهره افراد شهر مورد بازدید، عکاسی کنید. در مورد رنگ و شکل چهره، آرایش ریش و سبیل، سریند خانم ها و غیره یادداشت هایی بردارید. از این عکس ها و نوشته ها در آینده استفاده فراوانی خواهید کرد.

۲-۷- آماده سازی چهره بازیگر

پس از نشستن بازیگر در مقابل آینه، روی او روپوش مخصوص چهره پردازی انداخته می شود. دور سر او روی موها، باند مخصوص بسته می شود. نخست با پنبه و شیر پاک کن چهره او پاک می شود. از دستمال های نرم پاک کننده نیز می توان استفاده کرد و سپس با پنبه و لوسیون بدون الکل، عمل فوق بر چهره انجام می شود. چهره آماده برای فن زدن است. دقت شود، اگر جوش یا لکه ای قرمز بر چهره بازیگر مشاهده شود، چهره پرداز سؤالات واجب را در این موارد باید از بازیگر کرده و سپس با الکل با پنبه ظریف یا گوش پاک کن روی محل را دوباره پاک کند و لوازم او را جدا کند. در خارج از ایران هر بازیگر دارای کیفی است که محتوای آن لوازم اولیه چهره پردازی است که لوازم شخصی محسوب می شود، مانند شیر پاک کن، لوسیون، اسفنج و غیره، که از نظر بهداشتی بسیار مهم است.

۳-۷- متعادل سازی و نامتعادل سازی چهره بازیگر

امروزه متعادل سازی به هماهنگ ساختن رابطه شکل چهره و اعضای آن گفته می شود. زمانی که این عمل با سایه و روشن و رنگ بر چهره انجام می پذیرد، چهره متعادل، زیبا جلوه می کند. در گذشته چهره بیضی، زیباترین شکل چهره محسوب می شد و هر شکل چهره را به شکل بیضی تبدیل می کردند، ولی امروزه چنین کاری را انجام نمی دهند زیرا هر شکلی می تواند زیبا باشد. یک چهره کاملاً بی عیب ولی بدون جذابیت زیبا نیست. از طرف دیگر شاید در چهره ای، تقارن و تعادل مابین اعضای چهره مشاهده نشود، اما یک نگاه مهربان، یک لبخند مهربان، یک دندان نامرتب و حتی صدایی زیبا می تواند به چهره، جذابیت ببخشد. امروزه اساس زیبایی شناسی چهره، داشتن «جذابیت» است. با بررسی چهره بازیگر و جستجوی اجزای نامتعادل صورت او، و با تشدید آنها به وسیله سایه و روشن، می توان شخصیتی منفی ارائه داد. برای مثال:



- (الف) اگر پیشانی بازیگر نسبت به چهره‌اش بسیار کوتاه و یا بسیار بلند باشد.
- (ب) اگر برجستگی‌های نامتقارن روی پیشانی وجود داشته باشد.
- (ج) وقتی بینی بسیار بزرگ و یا بسیار کوچک باشد و یا کمی نسبت به تقارن صورت، انحراف داشته باشد.
- (د) اگر گونه‌ها بسیار درشت یا بسیار کوچک باشد.
- (ه) هنگامی که شکاف لب (خط مابین دولب) زیاد باشد.
- (و) اگر لب زیرین بسیار برجسته باشد.
- (ز) وقتی که فک پایین درشت‌تر و برآمده‌تر از فک بالایی باشد.
- (ح) اگر فک پایینی فرورفته‌تر از فک بالایی باشد.
- این نامتعادلی‌ها، با سایه و روشن و رنگ‌آمیزی تشدید و چهره‌ای منفی ارائه می‌شود (تصاویر ۷-۱ و ۷-۲).



تصویر ۷-۲



تصویر ۷-۱

۷-۴- متعادل و نامتعادل سازی بر کل بدن

در تمرین‌های نمایش، گاه بازیگری را مشاهده می‌کنید که با نقشی که باید ارائه کند، از نظر چهره و بدن هماهنگی لازم را ندارد. برای مثال چهره‌ای بسیار لاغر، بینی بلند، چشم و ابروان درهم و ریز، سربدون مو، گردن باریک، شانه‌های افتاده و پاهای تاحدودی باز از هم دارد؛ اما در ارائه نقش بسیار توانا است. او باید نقش یک شخصیت بسیار قدرتمند را بازی کند. در این قسمت تعادل سازی در تمامی بدن بازیگر باید انجام گیرد. چهره با فن روشن کار می‌شود، بینی با سایه کوتاه و با روشنی پهن می‌گردد، چشم و ابروان کاملاً باز می‌شود، گونه‌ها با روشنی، پهن شده و اگر تناسبی با نقشی که بازی می‌کند داشته باشد، برای او ریشی پریشت در دو طرف چهره و گرد در قسمت زیر چانه گذاشته می‌شود و کلاه گیس مناسبی نیز برای او در نظر گرفته می‌شود.

در مورد گردن، با طراح لباس مشورت می‌شود تا لباسی برای او در نظر گرفته شود که یقه بلند داشته باشد. در سر شانه‌ها، بازوان و نیز در قسمت ران شلوار او، اسفنج به کار می‌رود تا هیکل او کاملاً تغییر یابد. این کار «تعادل سازی بر کل بدن» نامیده می‌شود. برعکس، با بازیگری جوان، خوش چهره و خوش قامت مواجه می‌شوید که باید نقشی را ارائه دهد که چهره‌ای کاملاً نامتقارن، بینی بزرگ کج، چشم تا حدودی برآمده، سر طاس، قوز بر پشت و غیره نیاز دارد. با سایه و روشن، چهره نامتقارن می‌شود، پوسته سر برای او استفاده می‌شود، با تور یا از قبل با چسب لاتکس، چشم ساخته می‌شود. بینی با سایه و روشن و یا با چسب لاتکس ساخته و آماده می‌شود. از طرفی با همکاری طراح لباس، با گذاردن قوز به کمک اسفنج و غیره، در مجموع شخصیت دیگری را ارائه می‌دهند. این کار «نامتعادل سازی بر کل بدن» نامیده می‌شود.

آزمون فصل هفتم

- ۱- متعادل سازی را تعریف کنید.
- ۲- نامتعادل سازی را تعریف کنید.
- ۳- چگونه چهره بازیگر برای چهره پردازی، آماده سازی می شود؟
- ۴- آیا نیاز است برای متعادل سازی حتماً چهره بازیگر به شکل بیضی درآید؟
- ۵- متعادل سازی بر کل بدن (به غیر از چهره) بر عهده کدام طراح است؟
- ۶- یک تصویر نامتعادل کشیده، نصف صورت آن را متعادل کنید.
- ۷- یک تصویر متعادل کشیده، نصف صورت را نامتعادل کنید.



فصل هشتم

چهره پردازی با پودرهای رنگی، رنگ‌های روغنی و شناخت لاک‌ها

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- شخصیت مورد نظر در نمایش را تحلیل کند.
- ۲- با توجه به تحلیل نمایشنامه و نظر ویژه کارگردان، شخصیت مورد نظر را روی کاغذ طراحی کند.
- ۳- کاربرد پودرهای رنگی در چهره‌پردازی را شرح دهد.
- ۴- یک چهره‌پردازی به وسیله پودرهای رنگی انجام دهد.
- ۵- کاربرد رنگ‌های روغنی و لاک‌های مختلف در چهره‌پردازی را توضیح دهد.
- ۶- یک نمونه چهره‌پردازی با رنگ‌های روغنی و استفاده از لاک‌ها انجام دهد.
- ۷- چهره‌پردازی انجام شده با رنگ‌های روغنی را پاک کند.





۱-۸- شناخت شخصیت نمایشی

طراح چهره پردازی، شخصیت نمایش و بازیگری که نقش او را باید در صحنه ارائه دهد، بدین شکل بررسی می کند. پس از مطالعه متن نمایش با این موارد آشنا می شود.

(الف) او از چه نژادی است؟

(ب) از کدام کشور است؟

(ج) از چه طبقه ای است؟

(د) چه سنی دارد؟ جوان، مسن، پیر؟

(ه) خصوصیات شخصیتی او چیست؟ شخصیتی طبیعی دارد؟

(و) چه هدفی دارد؟ آیا به هدفش می رسد یا نه؟

(ز) چه ارتباطی با دیگر شخصیت های نمایش دارد؟

(ح) خصوصیات اخلاقی او چیست؟ عصبی، با قدرت، ضعیف، انعطاف پذیر و ...

(ط) آیا در طی نمایش دارای یک شخصیت است؟

برای مثال شخصیت «هاملت» که در طی نمایش شخصیتی عصبی، انتقامجو و پاک است، در چهره پردازی برای او یک نوع طرح ایجاد می شود و در فواصل ترمیم می گردد. اما برای شخصیت «اتللو»^۱ که در طی نمایش شخصیت متغیر دارد و نخست بسیار با قدرت، خوشبخت ولی کم کم پریشان و ضعیف جلوه میکند، در چهره پردازی برای او نخست چهره با قدرت، سپس تغییر می یابد و پریشان و ضعیف چهره پردازی می شود. یا شخصیت «شاه لیر»^۲ که پادشاهی با قدرت است. در طی نمایش شخصیت او به مرز نامتعادلی کشیده می شود. روی چهره این شخصیت نیز چهره پردازی متفاوت در طی نمایش انجام می پذیرد.

پس از شناخت شخصیت نمایش، برداشتی در ذهن طراح چهره پرداز از شخصیت ظاهری ایجاد می شود. حال باید نظر کارگردان را دانست. او این شخصیت نمایشی را چگونه می خواهد بر صحنه نشان دهد، و بازیگری را که انتخاب کرده، آیا مناسب این شخصیت هست؟ طراح چهره پردازی برای آشنایی و دیدن نمایش به تمرین می رود و با بازیگر نقش آشنا می شود. تمرین را با دقت مورد بررسی قرار می دهد و برای مثال به طرح سؤالاتی می پردازد:

(الف) آیا شخصیت نمایش که او مطالعه و در ذهن خود ساخته با این بازیگر و نحوه بازی او همخوان است؟

(ب) آیا شخصیت نمایش با ظاهر و چهره بازیگر هماهنگی دارد؟ آیا باید جوان، مسن، پیر، لاغر یا چاق شود؟

(ج) آیا بازیگر، میمیک و حالات صحیح برای این شخصیت ارائه می دهد؟

چنانچه از میمیک و حالات صحیح استفاده کند طراح چهره پرداز به او ده درصد و اگر ضعیف باشد پنجاه درصد و اگر بی نهایت ضعیف باشد، طراح چهره پرداز با مطالعه ای که روی شخصیت نمایش از دیدگاه ظاهر و باطن انجام داده به او در نقش آفرینی صد درصد یاری می کند، و شخصیت را کامل روی چهره او اجرا می کند.

در این میان نظر کارگردان بسیار مهم است، چون نمایش متعلق به اوست و نیز شخصیت هایش. طراح چهره پرداز نیز باید نظر خود را روی این شخصیت اجرا کند. طی هماهنگی با نظر کارگردان و حالات و میمیک بازیگر و نظر طراح چهره پردازی، طرح شخصیت نمایش انجام می گیرد.



۸-۲- چهره پردازی با پودرهای رنگی

این نوع چهره پردازی مخصوص کودکان مهدکودک است که پوستی بسیار لطیف و حساس دارند.

۸-۲-۱- لوازم مورد نیاز :

الف) سایه های آرایشی مات به رنگ های قهوه ای، دودی، آبی، سبز، زرد، کرم، سیاه و سفید. نوعی فن خشک که با آب کار می شود^۱ و [Aqua Color] نام دارد، برای چهره سازی کودکان نیز مناسب است. کارخانه های سازنده لوازم چهره پردازی این رنگ ها را در جعبه های چند رنگ و یا به صورت تک رنگ عرضه می کنند.

ب) رنگ گونه صورتی خشک، نارنجی و قرمز.

ج) قلم موهای ظریف نرم و یک قلم موی پر موی گرد.

د) گوش پاک کن.

ه) شیر پاک کن.

و) دستمال کاغذی.

۸-۲-۲- روش انجام کار : به کودک روپوش پوشانده، چهره اش را با شیر پاک کن پاک می کنند. اگر بخواهند چهره را به

صورت چهره حیوانات تبدیل کنند، رنگ زمینه به چهره زده نمی شود. نخست با رنگ سایه تیره (بستگی به حیوان یا پرندۀ مورد نظر دارد)، ویژگی های صورت حیوان مورد نظر را بسیار ساده بر چهره کودک اجرا می کنند. قلم مو را پاک کرده، تمام خطوط را به داخل چهره کودک سایه می زنند. برای روشنی زدن، از رنگ کرم یا سفید استفاده کنید. چشم و ابروان را با قلم موی ظریف تر، با فاصله از چشم های کودک، رسم می کنند. نقش پرندگان و گل ها نیز به طریق بالا انجام می گیرد. اگر قلم مو در دسترس نباشد، از گوش پاک کن می توان استفاده کرد. برای هر رنگ یک گوش پاک کن در نظر گرفته می شود. برای هر کودک، گوش پاک کن ها تعویض می شود. رنگ های آکواکالر همانند آبرنگ بر روی صورت استفاده می شود. این مواد با آب و صابون (مخصوص کودک) به آسانی از چهره پاک می شود و با شستن، چهره کودک تمیز می گردد (تصاویر ۸-۱ و ۸-۲).



تصویر ۲-۸



تصویر ۱-۸



۸-۳- چهره پردازی با رنگ روغن و شناخت لاک ها

فن چرب یا خشک را به چهره بازیگر زده، با پهنای قلم مو، از جعبه رنگ، رنگ بردارید و روی کاردک بیاورید. رنگ اضافی قلم مو را به وسیله کاردک گرفته و موهای قلم مو را صاف نمایید. رنگ را روی چهره بگذارید و خط های سایه را با قسمت پهن قلم مو رسم کنید. سپس قلم مو را با دستمال کاغذی پاک کرده و بعد با کنار آن، خط را تبدیل به سایه کنید. با قلم موی دیگری در کنار سایه، رنگ روشن زده، با روش بالا روشنی را بر روی صورت ایجاد نمایید و هر دو رنگ سایه و روشن را در هم ادغام کنید. زمانی که با رنگ روغنی کار می شود، کاردک باید مابین جعبه رنگ شما و چهره بازیگر باشد. به هیچ وجه رنگ را مستقیم از جعبه بر روی چهره نگذارید زیرا کار شما کثیف و غلیظ دیده می شود. سعی کنید در برداشتن رنگ بسیار با احتیاط عمل کنید و قلم مو را با مقدار کمی از رنگ آغشته نمایید (تصاویر ۸-۳ و ۸-۴).



تصویر ۸-۴



تصویر ۸-۳

لاک های چهره پردازی عبارتند از :

لاک دندان سیاه : برای ناپدید کردن تمام یا نیمی از دندان از لاک سیاه استفاده می شود.

لاک زرد : برای نشان دادن دندان های کثیف به کار می رود.

لاک قهوه ای : برای نشان دادن دندان شخصیت معنادار استفاده می شود. دندان های او نخست زرد و لای آنها با لاک قهوه ای

رنگ آمیزی می شود.

لاک سفید : چنانچه بازیگر دندانی سیاه یا تیره داشته باشد از آن برای سفید نشان دادن آن استفاده می شود و یا برای تمامی

دندان ها. لاک دندان سفید معمولی، شیری یا عاجی است.

لاک مخصوص ریش و سبیل : این لاک برای نگهداری مدل ریش و سبیل به کار می رود و مدل آنها را ثابت نگه می دارد.

لاک مو : برای نگهداری مدل مو و کلاه گیس به کار می رود.

لاک های رنگی مو : برای رنگ کردن مو به رنگ های مختلف استفاده می شود. این لاک به انواع رنگ ها ساخته شده است،



همچنین به رنگِ طلائی و نقره‌ای. تمامی لاک‌های مو، ریش و سبیل و لاک‌های رنگی به‌شکل اسپری به‌کار می‌روند.

۴-۸- تمیز کردن چهرهٔ بازیگر

زمانی که بازیگر بر چهره ریش و سبیل داشته باشد، مجری موظف است ریش و سبیل را با دقت از چهرهٔ بازیگر بردارد. پاک کردن چهرهٔ بازیگر وظیفهٔ خود اوست. او پس از اتمام نمایش، دست‌ها را می‌شوید، در کف دست چپ مقداری شیر پاک‌کن می‌ریزد و با دست راست از شیر پاک‌کن برداشته و به شکل دایره‌وار از روی چانه شروع کرده و به تدریج به طرف بالای چهره، روی چشم و ابروان تا پیشانی این کار را انجام می‌دهد. پس از اینکه تمام رنگ‌ها با هم مخلوط شد، با دو دستمال کاغذی یا دو تکه پنبه از پایین به طرف بالا چهره را پاک می‌کند، سپس با آب و صابون چهره را می‌شوید. بازیگر باید دقت کند برای تمیز کردن و یا خشک کردن چهره با حوله، این کار را همیشه از پایین به طرف پیشانی انجام دهد. این کار برای نگهداری از پوست و جلوگیری از افتادگی زود هنگام عضلات است.



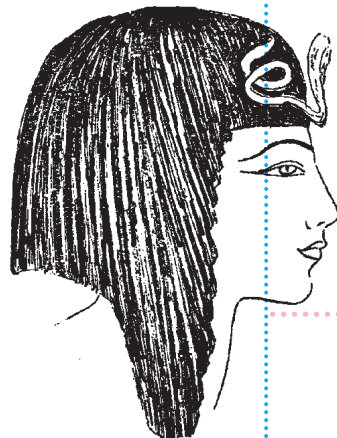
آزمون های فصل هشتم

- ۱- چگونه بررسی یک شخصیت نمایشی را توسط طراح چهره پردازی توضیح دهید.
- ۲- حضور طراح چهره پردازی در جلسات تمرین نمایش به چه دلیل الزامی است؟
- ۳- چهره پردازی کودکان معمولاً با کدام مواد رنگی صورت می گیرد؟
- ۴- لوازم چهره پردازی با پودرهای رنگی را نام ببرید.
- ۵- چهره پردازی با رنگ روغن چگونه انجام می گیرد؟
- ۶- لاک دندان سیاه به چه منظوری در چهره پردازی استفاده می شود؟
- ۷- لاک زرد به چه منظوری در چهره پردازی استفاده می شود؟
- ۸- لاک مخصوص ریش و سبیل به چه منظوری در چهره پردازی استفاده می شود؟
- ۹- چگونه دندان های یک شخصیت نمایشی معتاد، با لاک کار می شود؟

آرایش موی سر، ریش و سبیل

اهداف: در پایان این فصل از هنر جو انتظار می‌رود که:

- ۱- تاریخچه آرایش موی سر، ریش و سبیل را بیان کند.
- ۲- انواع کلاه‌گیس را نام ببرد.
- ۳- یک ریش و سبیل ساده بیافد.
- ۴- چسباندن ریش و سبیل به صورت بازیگر را انجام دهد.





۹-۱- تاریخچه آرایش مو، ریش و سبیل

تحقیق در مورد تاریخ آرایش مو، ریش و سبیل و آشنایی با آن برای طراح چهره پرداز بسیار ضروری است. مو، ریش و سبیل به شکل طبیعی (آرایش نشده) از گذشته تا به امروز در میان اقوام مختلف، معمول بوده است. در این میان، مدل خاصی از کلاه گیس، مو، ریش و سبیل برای استفاده شخصیت‌هایی مانند پادشاهان، اشراف‌زادگان، نظامیان و غیره معمول بوده است. جهت آشنایی با این موضوع نمونه‌هایی در ذیل ارائه می‌گردد.

در مصر باستان، پادشاهان و ملکه‌ها، سرهای تراشیده داشتند و از کلاه گیس‌هایی از جنس ابریشم استفاده می‌کردند (تصاویر ۹-۱

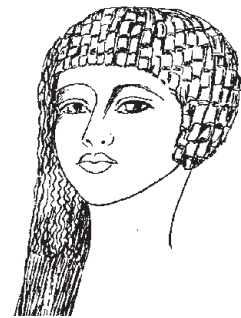
الی ۹-۶).



تصویر ۹-۳



تصویر ۹-۲



تصویر ۹-۱



تصویر ۹-۶



تصویر ۹-۵



تصویر ۹-۴

چهره آشنوری‌ها در ۸۰۰ سال پیش از میلاد (تصاویر ۹-۷ و ۹-۸)

چهره سومری در ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد (تصویر ۹-۹)

آپولون^۱، ۴۹۰ سال پیش از میلاد (تصویر ۹-۱۰)

آفرودیت^۲ (تصویر ۹-۱۱)

ونوس (تصویر ۹-۱۲)

قهرمان المپیک، ۵۰۰ سال پیش از میلاد (تصویر ۹-۱۳)

پادشاه تی‌توس^۳، سال ۸۱ میلادی (تصویر ۹-۱۴): در زمان پادشاهی او کوه آتش‌فشان وزو^۴ در شهر پمپی^۵ فوران کرد و شهر را

زیر خاکستر برد.



تصویر ۹-۱۰



تصویر ۹-۹



تصویر ۹-۸



تصویر ۹-۷



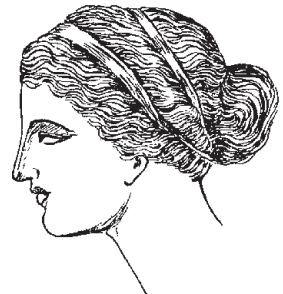
تصویر ۹-۱۴



تصویر ۹-۱۳



تصویر ۹-۱۲



تصویر ۹-۱۱

پادشاه کارکالا^۱ (تصویر ۹-۱۵)

پادشاهانی در فرانسه که قدرت را در موهای بلند و سبیل‌های بسیار بلند می‌دانستند (تصاویر ۹-۱۶ و ۹-۱۷).

پادشاه (تصویر ۹-۱۸)

سن لویی^۲ که بر اثر بیماری موهایش را از دست داده بود و کلاه‌گیس بر سر می‌گذاشت (تصویر ۹-۱۹).



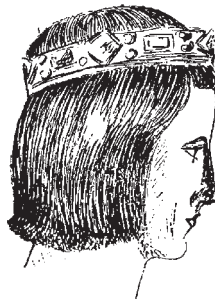
تصویر ۹-۱۷



تصویر ۹-۱۶



تصویر ۹-۱۵



تصویر ۹-۱۹



تصویر ۹-۱۸



پادشاه ژان دوم که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ در فرانسه پادشاهی کرد (تصویر ۹-۲۰).
پادشاه فرانسه، فرانسواز. در این دوره آرایش جدیدی به شکل پادشاه بوجود آمد. موهای کوتاه مرتب و صاف، و ریش مرتب کوتاه و سبیل‌های باریک (تصویر ۹-۲۱).
اراسموس، از بزرگترین اندیشمندان مکتب انسان‌گرایی دورهٔ رنسانس، با موهای بسیار کوتاه تا روی گوش و چتری بسیار کوتاه بر پیشانی، بدون ریش و سبیل (تصویر ۹-۲۲).
چهرهٔ جوانی در دورهٔ رنسانس با موهای بلند و بدون ریش و سبیل، با سربند یا کلاهی بر سر (تصویر ۹-۲۳).
هنری سوم. چهره‌ای شاد که تا حدودی آرایش زنانه دارد و دارای ریش و سبیل‌های بسیار باریک است (تصویر ۹-۲۴).
هنری سوم در دوران پیری موهای کوتاه و ریش کاملاً پر و سبیلی نازک داشت (تصویر ۹-۲۵).
قرن هفدهم میلادی: در این دوره کلاه‌گیس در میان پادشاهان و درباریان، مرسوم می‌شود. افراد عادی، مو، ریش و سبیل ساده و طبیعی داشتند. در تصویر ۹-۲۶ نوعی آرایش خاص این دوره دیده می‌شود. ریشی کوچک و سه گوش و سبیل باریک همراه با ریش کوچکی در زیر لب پایین، و کلاه‌گیسی بلند که از یک طرف بر شانه ریخته است.
لویی سیزدهم (۱۶۴۳-۱۶۱۰) با موهای بلندی بر روی شانه‌ها، سبیل بسیار نازک سربالا و ریش کوچک (تصویر ۹-۲۷).



تصویر ۹-۲۳



تصویر ۹-۲۲



تصویر ۹-۲۱



تصویر ۹-۲۰



تصویر ۹-۲۷



تصویر ۹-۲۶



تصویر ۹-۲۵



تصویر ۹-۲۴



لویی چهاردهم (۱۷۱۵-۱۶۴۳) در جوانی با کلاه‌گیس بزرگ حالت دار طبقه طبقه، سبیل باریک، و یک لایه ریش نازک بر چانه (تصویر ۹-۲۸). در این دوره، کلاه‌گیس در تمام اروپا مرسوم شد.

لویی چهاردهم در سنین پیری با کلاه‌گیس عظیمی بر سر که در بالا به دو قسمت کوه مانند تقسیم شده است و از طرف راست شانه تا روی شکم ادامه یافته است. چهره‌اش بدون ریش و سبیل بود زیرا این کلاه‌گیس بود که اهمیت ویژه‌ای داشت (تصویر ۹-۲۹).

در تصویر ۹-۳۰ لویی پانزدهم در جوانی با کلاه‌گیس فر بسیار بزرگی تا روی شانه، بدون ریش و سبیل دیده می‌شود.

لویی پانزدهم در تصویر ۹-۳۱ با کلاه‌گیس جمع شده با روبان در پشت سر دیده می‌شود.

تصویر ۹-۳۲ نشان‌دهنده هنرمندی با کلاه‌گیس از پشت بسته شده است که لوله‌هایی بر بالای گوشش ایجاد شده است.

قرن هجدهم: موهایی همراه با کلاه‌گیس در پشت سر به شکل یک بافته یا لوله آویزان و از فرق سر به طرف چهره شانه شده و به طرف پیشانی و اطراف چهره، دیده می‌شود. این موها با ریش مخلوط شده و صورت بدون سبیل، چهره خاصی را به وجود می‌آورد (تصویر ۹-۳۳). از همین دوره، تصویری با موهای کلاه‌گیس، پشت سر کاملاً صاف و آویزان با حلقه‌های مرتب شامل ۶ یا ۸ حلقه بالای گوش‌ها دیده می‌شود. چهره، بدون ریش و سبیل است (تصویر ۹-۳۴).

در تصویر ۹-۳۵ کلاه‌گیس کوتاه با فرهای بسیار مرتب در پایین سر از یک گوش تا گوش دیگر دیده می‌شود. زیر آن، موها آویزان

است. چهره، بدون ریش و سبیل است.



تصویر ۹-۳۱



تصویر ۹-۳۰



تصویر ۹-۲۹



تصویر ۹-۲۸



تصویر ۹-۳۵



تصویر ۹-۳۴



تصویر ۹-۳۳



تصویر ۹-۳۲



اواخر قرن هجدهم: (تصویر ۹-۳۶) چهره بناپارت^۱ در جوانی با موهای قهوه‌ای رنگ ریخته در اطراف چهره مشاهده می‌شود.

(تصویر ۹-۳۷) ناپلئون با موهای صاف (تصویر ۹-۳۸) و با موهای بسیار کوتاه (تصویر ۹-۳۹).

تصویر «مورا مارشال» فرانسوی که پادشاه ناپل بود (تصویر ۹-۴۰).

اواسط قرن هجدهم: (تصویر ۹-۴۱) آرایش با موهای طبیعی مدل داده شده که تا پایین گوش ادامه دارند.

چهره بدون ریش و سبیل (تصاویر ۹-۴۲ و ۹-۴۳).

چهره بدون ریش و سبیل با موهای طبیعی تا روی فک (تصویر ۹-۴۴).

اواخر قرن هجدهم: (تصویر ۹-۴۵) موهای کاملاً کوتاه همراه با سبیلی با گوشه‌هایی به طرف بالا و ریش سه گوش. در تصویر



تصویر ۹-۳۹



تصویر ۹-۳۸



تصویر ۹-۳۷



تصویر ۹-۳۶



تصویر ۹-۴۳



تصویر ۹-۴۲



تصویر ۹-۴۱



تصویر ۹-۴۰

بعد موهای کوتاه طبیعی در دو طرف چهره، روی گوش‌ها را می‌پوشاند. سبیل‌ها رو به بالا قرار دارند (تصویر ۹-۴۶).

اوایل قرن نوزدهم: (تصاویر ۹-۴۷ و ۹-۴۸) موهای طبیعی کوتاه تا بالای گوش‌ها همراه با ریش‌هایی پر و کمی بلند و سبیل،

تا ریش‌های مدل داده شد (که در پایین به شکل عدد ۸ چیده شده است) همراه با سبیل و ریش کوچک در زیر لب.

قرن نوزدهم: موهای طبیعی کاملاً کوتاه با ریش‌هایی در مدل‌های مختلف و سبیل‌های بلند (تصویر ۹-۴۹).



تصویر ۹-۴۷



تصویر ۹-۴۶



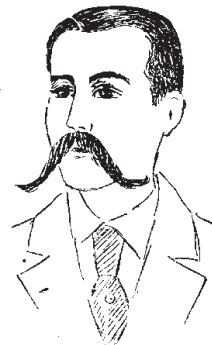
تصویر ۹-۴۵



تصویر ۹-۴۴



تصویر ۹-۴۸



تصویر ۹-۴۹

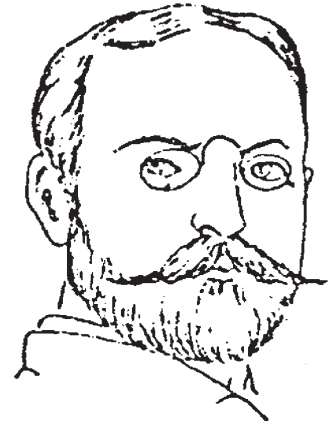
نیمه اول قرن بیستم : به تدریج صورت‌ها بدون ریش و سبیل شده، موها همچنان حالت کوتاه و طبیعی خود را حفظ می‌کنند (تصاویر ۹-۵۰ الی ۹-۵۶).



تصویر ۹-۵۲



تصویر ۹-۵۱



تصویر ۹-۵۰



تصویر ۹-۵۶



تصویر ۹-۵۵



تصویر ۹-۵۴



تصویر ۹-۵۳

مدارک بازمانده از شاهان ایران، نشان‌دهندهٔ چگونگی نوع آرایش مو و سر و صورت آنان است. در آثار به دست‌آمده از دورهٔ هخامنشی موی بلند فردار و ریش و سبیل فردار به خوبی دیده می‌شود (تصویر ۹-۵۷).

دورهٔ ساسانیان: ریش، بلندتر شده و موها تقریباً حالت فرهای لوله‌ای به خود گرفته است. سبیل‌ها دارای نوک رو به بالا است و ریش‌ها فرهای ریزتری دارند (تصویر ۹-۵۸).

دورهٔ اشکانیان: مجسمهٔ فلزی باقی مانده نشان از چگونگی آرایش سر و صورت سرداران آن زمان دارد. موهای بلند تا روی گوش‌ها آمده، سبیل بلند باریک، صورت بدون ریش. موهای سر اغلب به وسیلهٔ نواری بر بالای پیشانی مهار شده، این نوار در پشت سر گره می‌خورد (تصویر ۹-۵۹).

دورهٔ صفاریان: سرباز گرزدار (تصویر ۹-۶۰) و فرماندهٔ سپاهیان (تصویر ۹-۶۱) قابل مشاهده است. فرمانده با موها، سبیل بلند، بدون ریش. سرباز، موهای کوتاه و ریش و سبیل متوسط دارد.

پرچمدار سپاه دیلمیان: سرباز، بدون ریش و تنها با سبیل و موهای بلند تصویر شده است (تصویر ۹-۶۲).

سرباز دورهٔ صفویه: سربندی بر سر و صورتی بدون ریش دارد. سبیل بلند رو به پایین او قابل توجه است (تصویر ۹-۶۳).



سرباز دوره افشاریه : با موهای کوتاه و ریش و سبیل معمولی و متوسط دیده می شود (تصویر ۹-۶۴).



تصویر ۹-۶۰

تصویر ۹-۵۹

تصویر ۹-۵۸

تصویر ۹-۵۷

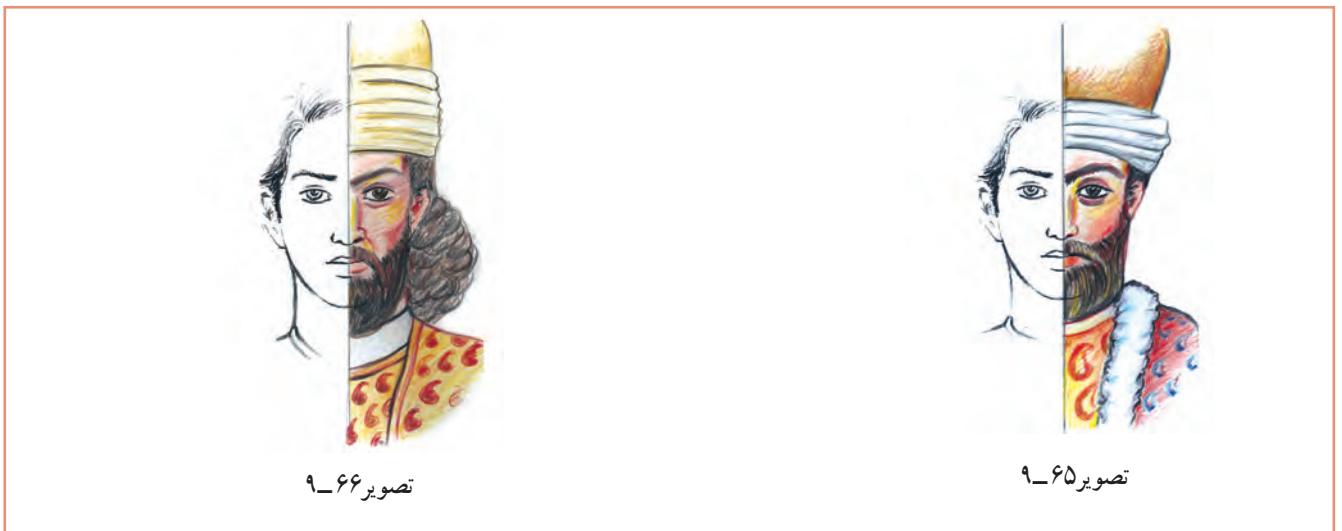
تصویر ۹-۶۴

تصویر ۹-۶۳

تصویر ۹-۶۲

تصویر ۹-۶۱

دوره زندیه : افسر با ریش و سبیل متوسط و بدون مدل خاصی بر آن، کلاه بر سر. موها کوتاه و بالای گوش قرار دارد (تصویر ۹-۶۵). سرباز پیاده با موهای بلند و فردار. صورت همراه با ریش و سبیل کامل قابل مشاهده است (تصویر ۹-۶۶).



تصویر ۹-۶۶

تصویر ۹-۶۵



آرایش مو و ریش و سبیل در چهره پردازی نقشی اساسی دارند. در چهره پردازی بازیگر مرد چنانچه توجهی به مو و ریش و سبیل نشود، چهره پردازی ناقص خواهد بود. برای مثال:

(الف) تبدیل بازیگر جوان به شخصیتی مسن یا پیر، اگر بازیگر جوان موهای پر داشته باشد، باید موهای او کوتاه تا حدودی تراشیده و خاکستری شود.

(ب) برای تبدیل بازیگر مسن به شخصیتی جوان از کلاه گیس پر مو استفاده می شود.

(ج) برای تبدیل چهره چاق به شخصیتی لاغر، موهای او کوتاه شده و اطراف سر بیشتر اصلاح می شود.

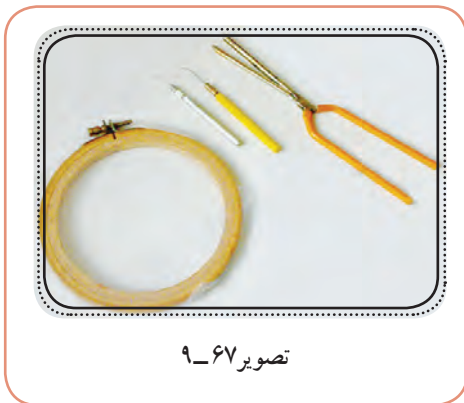
(د) برای تبدیل چهره لاغر به شخصیتی چاق، موهای او پر می شود؛ به خصوص ناحیه بالا و روی گوش و روی پیشانی. رنگ موها قهوه ای متمایل به قرمز می شود. این مسأله بستگی به شخصیت چاق دارد، گاهی شخصیت او باید جلوی سرش طاس باشد. در این مواقع اطراف سر را باید پر مو کرد و اگر بازیگر خیلی لاغر باشد برای او ریش و سبیل پر گذاشته شود.

(ه) برای شخصیت های معتاد، بیمار، افسرده، عصبی: موهای ژولیده (معتادها تا حدودی کنیف تر) و چهره با ته ریش استفاده می شود.

(و) برای تبدیل چهره به رنگین پوست از کلاه گیس مجعد سیاه، اروپایی، کلاه گیس بلوند، سرخ پوست، کلاه گیس با موی صاف بلند سیاه استفاده می شود.

۹-۲- مواد و ابزار بافت کلاه گیس، ریش و سبیل

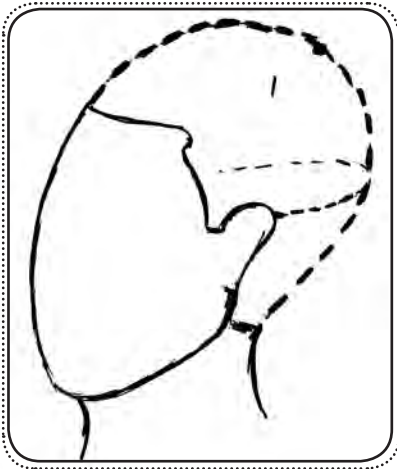
تورهای مخصوص ظریف، متوسط، ضخیم. موهای مختلف در طول، رنگ و ضخامت های گوناگون، برای مثال قیطان، نخ و یا مخلوط نخ و ایریشم و مواد نایلونی. چسب های مختلف. لاک های ثابت نگاهدارنده مو که به شکل اسپری است که برای کلاه گیس و ریش و سبیل استفاده می شود و حالت و مدل ریش و سبیل و مو را به خوبی حفظ می کند. ابزار آن نیز شامل چراغ الکلی، کارگاه بافت ریش و سبیل، کارگاه بافت ترس، سرهای چوبی در اندازه های مختلف، قلاب و چنگک های بافت مو با شماره های مختلف، فرهای لوله ای بسیار نازک مخصوص فر دادن ریش و سبیل (که روی چراغ الکلی گرم می شود)، فرهای لوله ای برقی در انواع مختلف، مخصوص فر و مدل دادن به کلاه گیس است. انواع برس های پهن، لوله ای، شانه های کوچک و بزرگ نیز قابل استفاده است (تصویر ۹-۶۷).



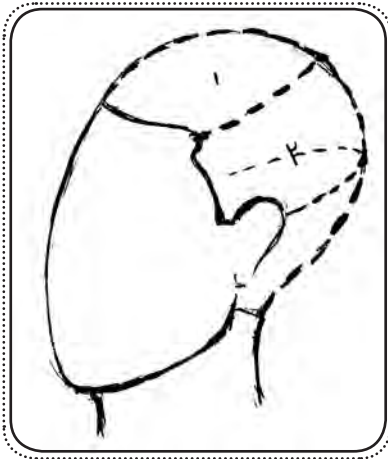
تصویر ۹-۶۷

۹-۳- بافت کلاه گیس، ریش و سبیل

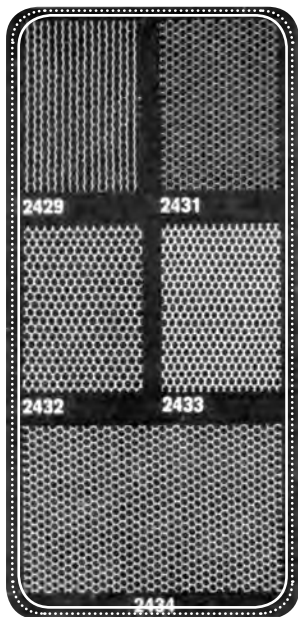
کلاه گیس از پنج هزار سال پیش از میلاد در مصر مشاهده و در طی دوران های متمدنی به شکل و آرایش های متفاوت تغییر یافته و مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه کلاه گیس های کوچک و بزرگ همچنان ما بین مردم برای پوشاندن قسمتی یا تمامی طاسی سر و افزودن مو به موهای طبیعی استفاده می شود. در این بخش تصاویری از آرایش کلاه گیس، مو، ریش و سبیل در اروپا و ایران مشاهده می شود. در کارگاه های کلاه گیس بافی معمولاً مدل های چوبی در اندازه های متفاوت سر موجود است و بافنده با دیدن و لمس کردن سر بازیگر متوجه می شود که دارای چه مدلی است و روی چه مدلی باید کار را انجام دهد. بافنده اگر بخواهد کارش را برای سریال یا سینما



تصویر ۶۸-۹



تصویر ۶۹-۹



تصویر ۷۰-۹

یا شخصیت نمایش اصلی که از جوانی تا پیری نشان داده می‌شود، خیلی ظریف و دقیق انجام دهد از سر بازیگر قالب‌گیری می‌کند، چون کلاه‌گیس‌های متفاوت در سنین مختلف باید برای او قابل استفاده باشد. پس برای ریش و سبیل بازیگر قالب‌گیری از محل ریش و سبیل که از چانه، زیر لب بالایی تا کنار گوش را شامل می‌شود انجام می‌دهد. قالب‌گیری به دقت با بستن موهای بازیگر با نایلون ظریف و چسب‌نواری، و مالیدن وازلین بر روی آن و کشیدن نوار گچ با پهنای مابین ۵ تا ۷ سانتیمتر بر آن ادامه می‌یابد و عمل قالب‌گیری انجام می‌پذیرد. قالب‌گیری به دو شکل صورت می‌گیرد: قالب ۲ قسمتی. قالب ۴ قسمتی.

الف) این قالب از رستگاه مو تا فرق سر و از پشت گوش تا گوش دیگر، از فرق سر تا محل گردن دو تکه است (تصویر ۶۸-۹).

ب) از رستگاه مو تا فرق سر و از پشت گوش تا گوش دیگر (با یک خط فرضی، که از فرق سر تا پشت گردن را دو قسمت کرده دو تکه برای پشت سر، چهار تکه‌ای محسوب می‌شود (تصویر ۶۹-۹)).

برای قالب‌گیری مثبت دو تکه، پشت سر به هم چسبانده می‌شود (سپس قالب‌گیری انجام می‌پذیرد). قالب‌گیری منفی سه لایه اجرا می‌شود. برای قالب‌گیری مثبت از گچ استفاده می‌شود. پس از تهیه قالب مثبت، با اندازه‌های مثبت، بافت بر روی تور اجرا می‌شود. برای تهیه قالب از ریش و سبیل قسمت‌هایی که قبلاً شرح داده شد اندکی وازلین مالیده و با نوار گچ قالب‌گیری به شکل سه لایه اجرا صورت می‌پذیرد. سپس قالب مثبت از آن گرفته شده و روی قالب مثبت تور بریده می‌گردد تا عمل بافتن انجام پذیرد. برای بافتن مو بر تور نیز کارگاه‌های بزرگ و کوچک موجود است که تکه‌های تور بر آن وصل شده و عمل بافتن صورت می‌گیرد. توری که برای بافت ریش و سبیل به کار می‌رود از جنس ظریف و بادوام، با طرح خانه‌های شش ضلعی است. تورهای کلاه‌گیس دارای انواع مختلفی است. زیرا در بعضی از قسمت‌ها تورهای ظریف و در بعضی قسمت‌های دیگر تورهای ضخیم‌تر به کار می‌رود (تصویر ۷۰-۹).

قالب مخصوص بافتن بین هفت تا هشت سانتیمتر است. سر قالب دارای چنگک است که این چنگک دارای شماره و به درجات مختلف عرضه شده است. امروزه همه نوع تور و موهای دسته‌ای در هر رنگی موجود است و می‌توان آن را تهیه کرد.

۱-۳-۹- بافتن مو بر روی تور:

الف) برای شروع، با دست چپ تور و دسته‌ای از مو را (که دولا به شکل حلقه درآورده‌اید) بین انگشتان شست و سبابه نگه دارید، سپس با دست راست، قالب را بین انگشتان شست و سبابه نگه دارید.



ب) قلاب را زیر یک رشته نخ تور (بین دو سوراخ) بگذرانید. از دسته مو، یک تکه مو جدا کنید. سر قلاب باید به طرف بالا باشد.
ج) در میان انگشت شست و سبابه، قلاب را به طرف چپ بچرخانید. تکه مو را به آرامی بکشید.
د) زمانی که به مقدار کافی تکه مو را کشیدید، قلاب را تا نیمه چرخش، به طرف راست بچرخانید. از روی همان رشته نخ بگذرانید.
وسط تکه مو را که شامل دو مو است با سر قلاب بگیرید و با چرخش کامل به طرف راست، از درون حلقه مو بگذرانید و آن را بکشید تا یک گره بر روی رشته نخ ایجاد گردد.

۲-۳-۹- بافت کلاه گیس: کلاه گیس به دو طریق بافته می شود. بافتن با رشته مو به شکل رشته (توس) و بافتن بر روی تور.

کارگاه ترس از دو چوب گرد به فاصله شصت سانتیمتر از هم تشکیل شده است. روی چوب یک طرف کارگاه به فواصل هشت سانتیمتر سه پیچ وصل است. به هر پیچ یک نخ محکم متصل است. در طرف دیگر روی چوب (روی چوب مقابل) سه نخ بر پیچ بسیار محکم گره خورده است. آن را می توان بر پایه یا میز نصب کرد. جهت انجام کار در مقابل کارگاه نشسته، در دست راست یک رشته مو (به اندازه مورد نظر) بین انگشتان شست و سبابه دست چپ گرفته، رشته مو را طوری به دست بگیرید که انتهای آن به طرف بالا باشد (تصویر ۷۱-۹).

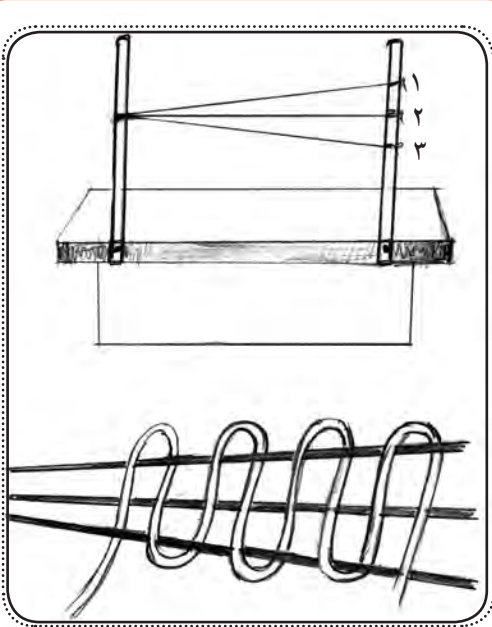
الف) رشته مو را در پشت نخ های کارگاه نگه داشته، با کمک انگشتان سبابه و شست دست راستان، بین نخ های شماره ۲ و ۳، رشته مو را بکشید و آن را از روی نخ شماره ۱ بگذرانید.

ب) سپس بین نخ های شماره ۱ و ۲، رشته مو را به طرف جلو (طرف خودتان) بکشید.

ج) دستتان را بین نخ های شماره ۱ و ۲ برده، رشته مو را از پشت بگیرید و آن را به طرف مخالف خودتان کشیده، از زیر نخ شماره ۳ به طرف نخ شماره ۱ به سوی بالا برده، از روی نخ شماره ۱ بگذرانید.

د) بین نخ های شماره ۱ و ۲ رشته مو را به طرف جلو بکشید. دستتان را به طرف نخ های شماره ۱ و ۲ برده، رشته مو را به طرف نخ شماره ۳ نزدیک کرده از زیر آن بگذرانید. سپس آن را به طرف مخالف خودتان به سمت بالا کشیده، از روی نخ شماره ۱ بگذرانید. دستتان را به طرف نخ های ۱ و ۲ برده، رشته مو را به طرف جلو بکشید.

ه) دست را از پشت بین نخ های شماره ۲ و ۳ برده، رشته مو را به عقب بکشید. اکنون در حالی که دو قسمت تحتانی مو را در دست دارید، آن ها را به هم نزدیک کرده و بکشید، طوری که یک طرف مو از یک گره کوچک آویزان شود. انتهای ریشه های مو باید کوتاه باشد. این عمل را تکرار کنید. هر بار رشته مو را به طرف چپ بکشید. زمانی که به طول و اندازه مورد نظر رسید، ریسمان را ببرید و دو انتهای مو را ببندید. اکنون ترس آماده است. پس از آماده شدن ترس، باید آن ها را روی نوار قیطان بدوزید. نوار قیطان به عرض ۳ سانتیمتر باید به رنگ سیاه یا قهوه ای تهیه شود. ترس ها را بهتر است به دقت با چرخ خیاطی چرخ نمایید. اندازه های سر بازیگر را بر پوششی از جنس تور محکم پیاده کرده، دور پوشش را با قیطان محکم بدوزید. در زیر گردن از کش چسبان یا کش معمولی برای بستن استفاده شد. با دقت ترس ها را از زیر گردن پوشش (بالای ناحیه کش، به شکل افق که بلندی مو سوی پایین قرار گیرد) بدوزید. فاصله ترس ها باید به اندازه یک سانتیمتر باشد.



تصویر ۷۱-۹



این کار را به طرف بالای سر ادامه دهید. جلوی سر بسته به مدل کلاه گیس از بالای گوش، ترس را افقی دوخته و به طرف بالای سر ادامه دهید. فرق کنار سر را روی کلاه گیس ایجاد کنید. در روش بافتن کلاه گیس با تور و قلاب، پوشش سر از چند نوع تور تشکیل می‌گردد. در قسمت ۱ تور ظریف با قلاب ظریف کار می‌شود. در قسمت ۲ (تور کمی ضخیم‌تر با خانه‌های متوسط) موها با قلابی متوسط بافته می‌شود. در قسمت ۳ از توری با خانه ای بزرگ و قلاب بزرگ‌تر استفاده می‌شود. در گذشته بر این نوع کلاه گیس در قسمت پیشانی، توری ظریف به اندازه نیم سانتیمتر برای چسباندن روی چهره بازیگر استفاده می‌شد ولی امروزه سعی می‌شود (برای تلویزیون و سینما) این امر صورت نگیرد. دور کلاه گیس با قیطان نازک چرخ می‌شود. در زیر گردن و پشت سر کش‌های چسبان نصب می‌گردد.

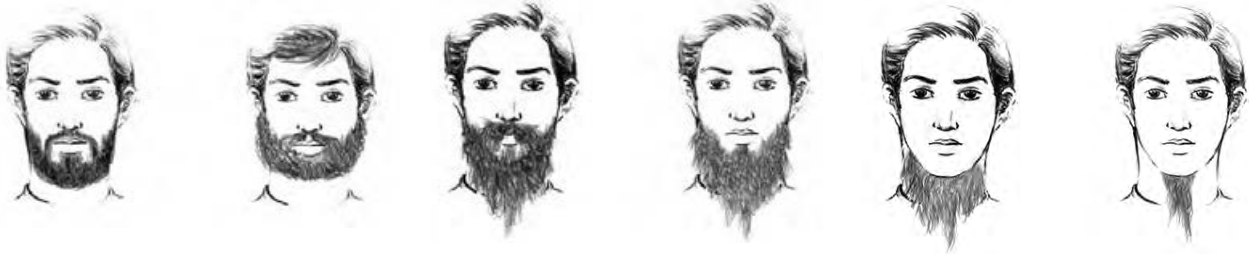
۴-۹- چسباندن ریش و سبیل و نگهداری از آن

بر روی آن نواحی از چهره بازیگر که باید ریش و سبیل چسبانده شود، فون به کار نمی‌رود. اگر چسب چهره پردازی بر روی فون مالیده شود، با گذاردن ریش و سبیل، پس از مدتی امکان افتادنش زیاد است. برای چسباندن، پس از اتمام چهره پردازی، خطوط ریش، زیر لب و زیر چانه، چسب زده می‌شود. نباید بلافاصله ریش چسبانده شود. بعد از کمی صبر، این کار انجام می‌شود. باید دستمالی از جنس کتان چهارلا شده بر روی تمام نواحی ریش فشار داده شود و از بازیگر درخواست گردد که دهان خود را چند بار باز و بسته کند. پی این عمل محل سبیل را چسب زده، سبیل آماده گشته، پس از کمی صبر، روی محل چسب چسبانده شده و با دستمال فشار داده می‌شود. معمولاً این نوع ریش و سبیل چون از جنس موی طبیعی است قبل از چسباندن به آن حالت داده شده است. با این حال، باید پشت صندلی بازیگر قرار گرفت و با نگاه در آینه با نوک انگشتان به ریش و سبیل حالت داد و آن‌ها را هماهنگ کرد. سپس از لاک (اسپری) نگهدارنده ریش و سبیل روی آن استفاده کرد. پس از برداشتن ریش و سبیل از چهره بازیگر، معمولاً ریش و سبیل آغشته به چسب خشک شده است. با دقت باید چسب‌ها را جدا کرد، نخست با به هم مالیدن ملایم (تا ریش یا سبیل آسیب نبیند)، سپس با گوش پاک‌کن آغشته به کمی الکل، زیادی چسب را گرفته و چند بار این کار تکرار شود و موضع کاملاً تمیز شود. با دو سنجاق ته گرد آن را به مدل نصب می‌کنیم تا خشک شود. پس از خشک شدن کامل، با کمک شانه ظریف و فرهای برقی بسیار ظریف به آن مدل می‌دهیم.

۱-۴-۹- ریش و سبیل کرپه: کرپه پشم خارجی است که از جنس پشم گوسفند مریوس است. به شکل بافته‌های ریز در همه رنگ عرضه شده است و در ایران موجود است. برای ساختن یک ریش کوتاه از پشم کرپه، نخست تکه‌ای در حدود پانزده سانتیمتر از بافته اصلی چیده، نخ وسط آن را درآورده، یک طرف آن را با دست چپ گرفته، با شانه دندان درشت به آرامی شانه بزنید. سپس با دست راست، تکه‌ای از پشم را به آرامی کشیده و جدا کنید. سر تکه جدا شده را در دست چپ نگه داشته، با دست راست به آرامی، پشم‌ها را از آن بکشید. چند بار این کار را تکرار کنید. این کار یک نوع رسیدن است. خطوط بافته شده باید محو گردد و تکه‌های آماده، به تکه پشمی پف کرده و از هم جدا شده مبدل گردد. تکه‌ها را از زیر چانه بازیگر با کمک چسب چهره پردازی و چوب بگت به طور لایه به لایه بچسبانید. طرف تکه پشمی که باید به پوست بچسبید (برای زیر چانه) را به شکل ۸ به بی‌ریزید. زیر چانه، کمی چسب زده، لحظه‌ای صبر کنید. سپس تکه را با کمک چوب بگت به پوست بچسبانید. به همین شکل لایه به لایه، از زیر لب این کار را انجام دهید. دقت کنید روی چانه نباید موی زیاد باشد، لذا لایه‌ها را با فاصله کار کنید. برای چسباندن پشم روی فک پایین از زیر فک شروع و روی عضلات مثلث، شیپوری و ماضغه، لایه به لایه ادامه داده، به طرف شقیقه‌ها بالا بروید. هر چه به طرف بالا می‌روید از حجم موها کاسته می‌شود. با دستمال نخی چند بار روی قسمت‌های ساخته شده فشار دهید. از بازیگر بخواهید چند بار دهان را باز و بسته کند. برای چسباندن سبیل، پشم را مدل داده، از وسط دو قسمت کرده، روی محل چسب زده و سبیل را با دقت بچسبانید. ریش و سبیل را به دقت با قیچی فرم داده، در پشت صندلی بازیگر قرار گرفته و با نگاه در آینه به ریش و سبیل، با نوک انگشتان آن را حالت دهید. ریش و سبیل را از نیم‌رخ نگاه کنید. اگر ایراد داشت، برطرف کنید. برای ساختن ریش بلند، رشته موی کرپه را بلندتر چیده، نخ آن را جدا کرده، دو طرف مو را روی بخار آب‌جوش مدتی نگه می‌داریم تا تاب‌ها صاف شود. سپس



به طریق پیشین، آرام تکه‌ها را جدا کرده و بر چهره می‌چسبانیم و مدل می‌دهیم (تصاویر ۷۲-۹ الی ۷۴-۹).



تصویر ۷۴-۹

تصویر ۷۳-۹

تصویر ۷۲-۹

۹-۵- تمیز کردن کلاه گیس

برای تمیز کردن کلاه گیس، نخست تمام سنجاق‌ها و وسایل آرایشی را از آن جدا کرده و با انگشتان فرها را باز کرده و روی مدل چوبی قرار می‌دهید. سپس با برس یهن به آرامی روی موها کشیده، آن را شانه می‌زنید. کلاه گیس را برداشته، در دست چپ گرفته (طوری که کاسه سر کلاه گیس در دست باشد) موها را زیر شیر آب ولرم گرفته، روی آن شامپوی نرم کننده ریخته، آرام موها را به طرف پایین شسته، سپس کاسه سر کلاه گیس را با احتیاط می‌شوید. روی کلاه گیس نباید چنگ زده شود. زمانی که شستن به اتمام رسید آب آن را با حوله گرفته، روی مدل چوبی می‌گذارید که تا حدودی خشک شود، بعد با برس سیمی موها را شانه زده و به ترتیب با بیگودی پیچید و خشک کنید و دوباره مدل داده و آن را آماده نمایید.

آزمون‌های فصل نهم

- ۱- برای پیر کردن یک بازیگر جوان بر روی موهای او چه کارهایی انجام می‌پذیرد؟
- ۲- آرایش موهای فرد چاق برای تبدیل شدن به چهره لاغر چه تغییری می‌یابد؟
- ۳- چگونگی کار بر روی موهای فرد لاغر برای تبدیل شدن به چهره را شرح دهید.
- ۴- به چند طریق می‌توان برای ساختن کلاه گیس قالب گیری نمود؟
- ۵- قالب دو قسمتی را توضیح دهید.
- ۶- قالب چهار قسمتی را توضیح دهید.
- ۷- توری که برای بافتن ریش و سبیل به کار می‌رود چه خصوصیتی دارد؟
- ۸- کلاه گیس به چند طریق بافته می‌شود؟
- ۹- چگونه ریش و سبیل بر چهره چسبانده می‌شود؟
- ۱۰- کرپه چیست؟

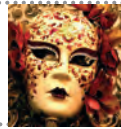


تمهیدهای ویژهٔ چهره پردازی

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- انواع زخم، جراحت و ورم‌های مختلف روی بدن، به ویژه صورت را توضیح دهد.
- ۲- مواد و ابزار ساخت انواع زخم، جراحت و ورم‌ها را بیان کند.
- ۳- یک مورد زخم یا جراحت یا ورم را ایجاد کند.
- ۴- انواع بریدگی و شکاف را در بدن و چهره توضیح دهد.
- ۵- مواد و ابزار ساخت بریدگی و شکاف در بدن یا چهره را شرح دهد.
- ۶- یک مورد بریدگی یا شکاف در بدن یا صورت ایجاد کند.
- ۷- بیماری‌هایی را که ممکن است بر اثر استفاده از مواد چهره‌پردازی تولید شود شرح دهد.





۱-۱- مواد و ابزار ایجاد ورم‌ها، بریدگی‌ها و زخم‌ها

مواد لازم:

الف) لاتکس (ب) خمیر پلاستو (ج) تیوپلاست (د) او.اس.پی (ه) پودر ژلاتین (و) خون روشن و تیره (ز) فن ح) جعبه رنگ (۱۲) رنگ (ط) چسب (ی) روغن بادام (ک) الکل (ل) پودر (م) شیرپاک کن (ن) صابون (ق) دستمال کاغذی.

ابزار مورد نیاز:

الف) قلم مو (ب) قلم موی گرد پُر برای پودر (ج) قیچی کوچک (د) چوب بگت (ه) روپوش

۱-۲- انواع زخم و بریدگی

امروزه برای ساختن انواع زخم، سوختگی، بریدگی در نمایش، سینما و تلویزیون، کار از طریق قالب‌گیری با مواد مختلف انجام می‌پذیرد.

۱-۲-۱- روش کار با مایع لاتکس:

روی یک قطعه شیشه ۵۰ در ۵ سانتی متر با خمیر مجسمه‌سازی کودکان (چنانچه خمیر سفت باشد، آن را با کمی وازلین ورز دهید تا نرم شود) زخم، سوختگی، بریدگی را بسازید. هر چه بیشتر روی ساخت با خمیر دقت نمایید کار شما طبیعی‌تر جلوه خواهد نمود. برای نمونه، تکه‌ای از خمیر را با نوک انگشتان به روی شیشه بخوابانید و آن را به شکل طویل درآورید (مدل، بستگی به طرح زخم یا بریدگی دارد). سپس اطراف خمیر را با شیشه، ماس و یکدست کنید. با ته قلم موی ظریف یا با نوک قیچی ظریف، وسط خمیر را بشکافید و مدل دهید و بعد از آماده شدن روی آن، داخل شکاف را با کمی وازلین چرب کنید. سپس مایع لاتکس را در ظرف کوچکی ریخته با قلم مویی که از قبل آن را به مایع ظرفشویی آغشته نموده‌اید، داخل لاتکس برده و روی خمیر بمالید. این کار را می‌توانید با اسفنج کوچکی انجام دهید. سپس با باد سرد سشوار آن را خشک کنید. پس از خشک کردن، کمی پودر تالک با قلم موی گرد پُر مو به آن بزنید. سپس دوباره لاتکس بمالید و خشک کنید و پودر بزنید. این کار را سه بار تکرار کنید (استفاده از لایه‌های لاتکس بستگی به غلظت آن دارد). پس از خشک شدن، آن را از قالب جدا و رنگ‌آمیزی نمایید. رنگی که به کار می‌برید باید تبدیل به رنگ مایع روغنی شود تا بهتر به خورد لاتکس برود. رنگ داخل زخم یا بریدگی، به رنگ خون قرمز و کناره‌های بریدگی به رنگ قرمز تیره و زرشکی که پس از فون زدن به چهره، با چسب چهره‌پردازی به چهره‌بازیگر چسبانده می‌شود.

۱-۲-۲- تیوپلاست:

مایع چسبناکی است که برای درست کردن بریدگی، تیر خوردگی و غیره به کار می‌رود. با قرار دادن کمی از آن بر روی محل، کمی صبر کنید سپس با چوب بگت به آن مدل دهید. آن را می‌توانید گود کنید و یا به شکل گرد بگذارید. وسط آن را با چوب بگت گود کنید و تیر خوردگی را به وجود آورید. دقت کنید که اطراف این نوع چسب خوب با پوست ماس شود و سپس آن را رنگ‌آمیزی نمایید.

۱-۲-۳- او.اس.پی:

مایعی است که برای پیر کردن چهره در سینما به کار می‌رود. با این مایع می‌توان آثار سوختگی را بر چهره بوجود آورد و نیز تاول، تاول کامل و یا تاولی که ترکیده است. در ایجاد تاول، چنانچه مایع او.اس.پی کمی سفت شده باشد جلوه‌ای طبیعی‌تر خواهد داشت (تصویر ۱-۱۰).

۱-۲-۴- پودر ژلاتین و پنبه:

پودر ژلاتین را در ظرفی کوچک



تصویر ۱-۱۰



بریزید، آب به آن اضافه کنید، روی آتش بگذارید و هم بزنید تا پودر در آب حل شود. سپس آن را از روی آتش برداشته، پرزهای پنبه را از هم جدا کرده در ظرف بریزید و هم بزنید. ولرم که شد هر نوع زخم تازه و کهنه، سوختگی تازه و کهنه و غیره را می‌توان بر روی چهره درست کرد. پس از ایجاد زخم، روی آن را رنگ آمیزی نمایید.

۵-۲-۱۰-خمیر پلاستو: این خمیر در گذشته کاربرد بسیار در چهره‌پردازی داشت، مانند ساخت حجم‌های نامتعادل بر چهره، مثل بینی، چانه و غیره. امروزه حجم‌سازی با مایع لاتکس جای این خمیر را گرفته است. امروزه از این خمیر بیشتر برای پوشاندن ابروها استفاده می‌شود تا ایجاد حجم‌های نامتعادل. برای ساختن زخم با خمیر پلاستو، ابتدا به روی محل چسب زده، مقدار کمی پرز پنبه می‌چسبانید، سپس خمیر را با وازلین نرم نموده، به مدل دلخواه بر روی چسب و پرز بچسبانید و به آن فرم دهید. این خمیر بیشتر برای ایجاد زخم‌های کهنه مناسب است. زخم‌های کهنه با رنگ سبز کدر، دودی، صورتی کم رنگ کدر و غیره رنگ آمیزی می‌شود.

۶-۲-۱۰-لاتکس و پنبه: بر روی چهره بازیگر، محل زخم، سوختگی یا بریدگی را چسب چهره‌پردازی زده، سپس تکه‌ای از پنبه جدا کرده و شکل می‌دهید. شکل دادن بستگی کامل به نوع زخم، سوختگی و غیره دارد. برای زخم، پنبه را با پرزهای نامرتب و برای تیر خوردگی پنبه را به حالت گرد در آورید. برای سوختگی، پنبه به شکل شیارهای عمودی بزرگ و کوچک از زیر چشم، روی گونه تا فک کار می‌شود. باید دقت شود که اطراف پنبه نازک شود. برای چسباندن کافی است اسفنج نمناک به محل زده که در این صورت پنبه بر روی پوست می‌چسبد. سپس مایع لاتکس بر روی پنبه زده می‌شود.

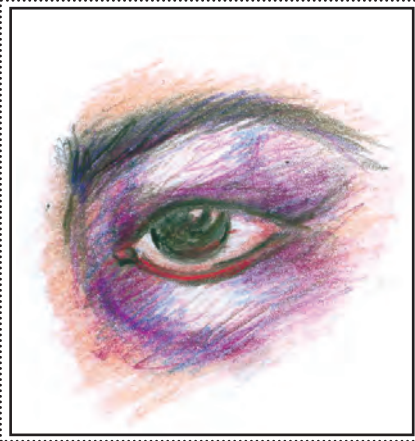
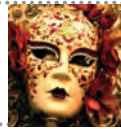


تصویر ۲-۱۰

برای سوختگی که شیارهای عمودی نامرتب کار کرده‌اید، دقت شود که دارای حجم‌هایی باشد و پس از مالیدن لاتکس بر آن، حجم و گودی‌ها حفظ شود. لای بعضی از قسمت‌های گود شده، نان خشک کوبیده شده بزنید و برای رنگ آمیزی، روی قسمت‌های نان خشک را رنگ زرشکی بسیار تیره به کار برید و قسمت‌های دیگر را با زرشکی روشن، خون روشن و تیره و اطراف آن را با زرشکی کم رنگ کار کنید. برای زخم‌های خشک، نخست روی محل مورد نظر را چسب زده سپس به روی آن قسمت، خرده نان پاشیده و آن را به رنگ قهوه‌ای قرمز در آورید، سپس دور زخم خشک را با رنگ زرشکی بسیار کم رنگ کار کنید.

۷-۲-۱۰-جای انگشت بریده: بازیگر انگشت سبابه را پنهان می‌سازد. بر روی بند انگشت، کمی چسب مالیده سپس پرزهای پنبه را به ناحیه اطراف بند انگشت و کمی داخل آن بچسبانید. بعد بر روی آن لاتکس بزنید. پس از خشک شدن، اطراف بریدگی را رنگ زرشکی زده و داخل آن را به رنگ خون قرمز رنگ آمیزی کنید. با رنگ روشنی که به وسط بریدگی می‌زنید، توهم استخوان انگشت را ایجاد خواهید کرد. دست بریده نیز به همین طریق کار می‌شود و تنها از پنبه بیشتری استفاده می‌شود. دست از آرنج قطع شده و پای از زانو بریده شده هم به همین شکل کار می‌شود. با این تفاوت که پنبه، لاتکس و رنگ بیشتری استفاده می‌شود. تکه‌های کار شده از آرنج و پا جدا می‌شود. هر شب پس از اتمام اجرای نمایش، چسبانده و ترمیم می‌گردد. کارهای فوق برای نمایش‌هایی با موضوع جنگ مناسب است (تصویر ۲-۱۰).

۸-۲-۱۰-کبودی (چشم مشت خورده): چنانچه بخواهید اطراف چشم



تصویر ۳-۱۰

را کبود نشان دهید، ابتدا زیر ابرو و پایین چشم را مقداری رنگ سفید زده و پخش می‌کنید. این عمل علاوه بر ایجاد حجم و تورم در اطراف چشم، آن ناحیه را از نظر رنگی به سمت کبودی سوق می‌دهد. در مرحله بعد، رنگ زرشکی، آبی و خاکستری تیره را با فون مخلوط کرده، به طور نامنظم در اطراف رنگ سفید گذاشته و پخش می‌کنید. اگر از کبودی مدتی گذشته باشد، کمی رنگ زرد کدر یا سبز را به رنگ‌های گفته شده اضافه می‌کنید. جهت قرمز جلوه دادن چشم می‌توان داخل پلک را با مداد قرمز رنگ کرد (تصویر ۳-۱۰).

۳-۱۰- بیماری‌های پوستی و تاول‌ها

چون پوست چهره، بار الکتریکی منفی دارد و ذرات معلق در هوا، بار الکتریکی

مثبت، از این رو یکدیگر را جذب می‌کنند، به خصوص پودرها و سایر مواد آرایش که پوست را کثیف می‌کنند و منافذهای آن را مسدود می‌سازند. آب و صابون به تنهایی برای بیرون آوردن این ذرات کافی نیستند، بلکه باید موادی به کار برد که ترکیبات رنگی این پودرها و جرم‌های پوست را بگیرند و آنها را بیرون بکشند. شیرهای زیبایی پاک‌کننده که در آن چربی وجود ندارد، برای پاک کردن روزانه پوست مفید است و باید از آن استفاده شود.

۳-۱۰-۱- تبخال: تبخال، عارضه‌ای است که حس سوختگی در موضع پوست ایجاد می‌کند. آزار با پیدایش یک برجستگی و سپس ایجاد حباب‌هایی روی آن شروع می‌شود (در گوشه لب، زیر بینی و گوشه چشم) و بعد از ۴۸ ساعت ترشح، پوسته غشایی که اغلب زرد رنگ است، تشکیل می‌دهد. شروع این بیماری با آنفلوآنزا، تب، عفونت‌های تنفسی، اختلالات گوارشی، ناراحتی‌های عصبی و هیجانات روحی است. بعضی افراد در برابر تبخال، حساس‌اند و اغلب دچار آن می‌شوند. در این افراد، تبخال مزمن می‌شود و با حمله‌های تب همراه است. مدت بیماری چهار تا پنج روز و گاه بیشتر طول می‌کشد. پس از درمان، غشای آن می‌افتد و اثری از آن به جای نمی‌ماند. این حساسیت واگیر ندارد. برای درمان باید از به کار بردن داروهایی که باعث پایین آمدن مقاومت بدن می‌شود استفاده نکرد. به شکل موضعی هم داروهای ترمیم و تقویت نسجی به کار نبرد. چهره‌پرداز در مواجهه با این بیماری، از کار بر روی قسمت‌های آسیب‌دیده، باید جداً خودداری کند تا بیماری شدت نیابد.

۳-۱۰-۲- زرد زخم: عارضه‌ای است که محل آن بیشتر روی چهره است. بیماری ابتدا به شکل برجستگی قرمز رنگ و تاولی است که سریعاً چرکی می‌شود. سپس پاره می‌گردد، ترشحات به تدریج سفت می‌شود و دلمه تولید می‌کند بی‌آن که از خود، اثر جوش باقی بگذارد. زرد زخم در هر سنی ممکن است دیده شود. لیکن کودکان بیش از همه در معرض ابتلا هستند. این بیماری بسیار واگیردار است. آلودگی وسایل چهره‌پردازی اعم از اسفنج فن و یا قلم موها می‌تواند سبب گسترش این بیماری در بین بازیگران گردد. برای درمان باید محل مربوطه را کاملاً پاک و ضدعفونی کرد و از کرم‌های آنتی‌بیوتیک و آنتی‌سپتیک استفاده کرد.

۳-۱۰-۳- عارضه‌های لب: ورم لب همیشه با نشانه‌های مخصوصی که بیمار حس می‌کند ظاهر می‌شود که عبارتند از: خارش، سوزش، فشار و درد و قرمز شدن لب که باعث ورم و خشکی آن شده و داغمه و شیارهایی که بی‌اندازه دردناک است را تولید می‌کند. اغلب، ورم لب به پوست اطراف می‌رسد و باعث ورم و قرمزی می‌شود. آنچه باعث این آزار می‌شود، استفاده از روزلب، پودر، خمیردندان، اغذیه مختلف، توتون، تنباکو، باد، آفتاب و قارچ هستند.



آگزمای لب: این عارضه در لب زیاد است و به شکل حاد نمایان می‌گردد و با قرمزی شدید همراه است. ورم باعث تغییر شکل لب می‌شود و اگر درمان نگردد، ممکن است به آگزمای مزمن تبدیل شود. بعضی از اشخاص از روی عادت، لب خود را با دندان می‌گزند و همواره آن را مرطوب نگه می‌دارند. همین امر ممکن است (به واسطه تحریک دائمی و تر شدن لب با زبان) تولید تحریکات یا آگزمای لب کند. گاه استفاده از روژلب (به جهت آن که لب تحتانی به مقدار زیاد به آن آغشته می‌گردد) تولید ورم می‌کند، و در بیشتر اوقات در نتیجه عوض کردن روژلب و مواد دیگر، ورم تولید می‌شود. عفونت‌های میکروبی نیز ممکن است در لب متمرکز شود. این عفونت‌ها ابتدا خراش‌هایی در شکاف بین دو لب تولید کرده که همیشه مزمن، با قرمزی و کلفتی پوست همراهند. سپس پوسته‌های کلفت و یا ریز و نازک ایجاد می‌کند. برای درمان، مواد آرایش و روژلب باید مصرف نشود، و پس از مدتی، نوع آنها عوض شود.

۱-۳-۴- آلرژی: آلرژی یعنی تغییر حالت بافت‌های بدن نسبت به یک ماده مخصوص، که به صورت حساسیت بروز می‌نماید. آلرژی ممکن است در نتیجه استعمال بعضی داروها، سرم‌ها، کرم‌ها و مواد آرایش حاصل شود و یا در نتیجه عوامل فیزیکی مانند پروت، حرارت، نور خورشید و یا استرس‌های عصبی ایجاد شود. عکس‌العمل بافت‌های گوناگون برای ایجاد آلرژی در بعضی موارد ارثی و فامیلی است ولی در هر دوره از زندگی هم ممکن است آلرژی مشاهده شود که اکتسابی است.

۱-۳-۵- لک ریل: این نوع لک در اثر استعمال مواد آرایش از قبیل کرم پودر و یا پودر جامد و اسانس‌هایی که در بعضی از کرم‌ها وجود دارد پدید می‌آید. لک مزبور ممکن است تمام یا قسمتی از سطح بدن را بپوشاند ولی کومدون‌های شاخی ممکن است به مقدار کم دیده شود و یا اصلاً وجود نداشته باشد. این لک بیشتر در محل صورت، پیشانی، شقیقه، گونه‌ها، گردن و سینه که محل مصرف ماده آرایش می‌باشد مشاهده شده است. لک‌ها به تدریج منتشر می‌شود و به صورت شبکه‌ای گسترش می‌یابد. تنها راه درمان آن، قطع استفاده مواد آرایش و استعمال از کرم‌های ضد لک است.



آزمون‌های فصل دهم

- ۱- مواد ساختن زخم‌ها را شرح دهید.
- ۲- تیوپلاست چیست؟
- ۳- او.اس.بی چیست؟
- ۴- چگونگی ساختن زخم با پنبه و پودر ژلاتین را شرح دهید.
- ۵- خمیر پلاستو چیست و به چه منظوری استفاده می‌گردد؟
- ۶- جای انگشت قطع شده چگونه کار می‌شود؟
- ۷- اگرمای لب چیست و شایع‌ترین علت ایجاد آن را توضیح دهید.
- ۸- زرد زخم چیست و راه پیشگیری از سرایت آن را در چهره‌پردازی توضیح دهید.
- ۹- آلرژی را توضیح دهید.
- ۱۰- چهره‌پرداز، در هنگام مواجهه با بازیگری که تبخال دارد چگونه عمل می‌نماید؟



منابع

- ۱- اسلین، مارتین، نمایش چیست، شیرین تعاونی (خالقی)، نمایش، چاپ اول، ۱۳۶۱.
- ۲- آیدین، حسین، طب و زیبایی، ۱۳۵۰.
- ۳- حسینی، ناصر، تئاتر معاصر اروپا، جلد اول، ۱۳۷۷.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا.
- ۵- سولانژ و دیگران، نمایش ژاپنی زنده هزار ساله، سهیلا نجم، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۶- کیندرمن، هانیس، تئاتر قرون وسطی، سعید فرهودی، جلد سوم، مؤسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ۷- کیندرمن، هانیس، تاریخ تئاتر اروپا، سعید فرهودی، جلد اول، ۱۳۶۵.
- ۸- معین، محمد، فرهنگ معین، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.
- ۹- میهن، مهین، گریم برای تئاتر، جهاد دانشگاهی، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
- ۱۰- هولتن، اورلی، مقدمه بر تئاتر/ آینه طبیعت، محبوبه مهاجر، سروش، چاپ اول، ۱۳۶۴.

Beri, Gabreilla–Masken Selbst Herstellen–ECON Ratgeber–1986

Corson, Richard, Stage Makeup, 1990

Dictionner Emile Littre

Dominique de laPorte des vaux–Masques aux quatre saisons–Fleurus idees–1988

Encyclopedia Grand Larusse–

Evans Cheryl, Paula Borton, Lan McNee–Les Deguisements–Usborne–1993

Gaisse. G & Robin. J, Maquillages et perrveques, 1945

Merin, Oto bihalji–Masks–Thames and Hudson. 1971

Montmoulineix, Sylvie–Masque d, Animaux–Fleurus idees–1994

Sobotta–Atlas of Human Anatomy–Urban& Schwarzenberg–Munich–1982

Strub, Werner–Masques–1988

WWW.khabarfarsi.com

WWW.mosaicartsourcee.com

WWW.Hanigaol–ilam.blogfa.com

Ysbeau, A, Le corps humain revelateur de la personalite, 1975



همکاران محترم و دانش آموزان عزیز :

پیشنهادات و نظرات خود را درباره محتوای این کتاب به نشانی
تهران - صندوق پستی شماره ۴۸۷۴/۱۵ دفتر تألیف کتاب های درسی
فنی و حرفه ای و کاردانش، ارسال فرمایند.

tvoccd@roshd.ir

پیام نگار (ایمیل)

www.tvoccd.medu.ir

وب گاه (وبسایت)

محتوای این کتاب در کمیسیون تخصصی رشته نمایش دفتر تألیف کتاب های درسی فنی و حرفه ای
و کاردانش تأیید شده است.